



سرمقاله

## نبردهای واقعی در فضای مجازی

مقامات جمهوری اسلامی از اواخر دهه‌ی نود میلادی که اینترنت در حال فراگیر شدن بود، به اعتراف خودشان، هیچ شناختی از آن نداشتند چه برسد به اینکه بتوانند دامنه‌ی امکانات آن را تصور کنند. وقتی اینترنت مانند اتومبیل و تلفن و رادیو و تلویزیون چنان همگانی شد که دیگر نمی‌شد آن را نادیده گرفت، از یکسو خانواده‌های مافیایی رژیم با به انحصار در آوردن امکانات توزیع آن با تأسیس شرکت‌های مختلف مثل همیشه به بهره‌برداری‌های کلان اقتصادی پرداختند و از سوی دیگر حکومت دامنه‌ی سانسور خود را به آن نیز گسترش داد.

به تدریج فضای مجازی عرصه‌ی نبردهای سیاسی و اقتصادی جهانی نیز شد. جمهوری اسلامی نیز همزمان «ارتش سایبری» خود را راه انداخت و بخشی از جوانان بیکار را در این عرصه به کار گرفت تا به جاسوسی و همچنین اختلال بپردازند. رشد فضای مجازی مانند هر تکنولوژی دیگر چون شمشیر دو دم امکانات بسیاری در اختیار نشر حقیقت و آگاهی و نیز دروغ و تحریف قرار داد. کار «سوشیال بات‌ها» و حساب‌های کاربری کاذب (فیک) به آنجا رسید که علاوه بر هدایت افکار عمومی، بر انتخابات کشورها نیز تأثیر بگذارند.

همزمان رسانه‌های «معتبر» جهانی که انحصار هدایت افکار عمومی را از دست می‌دادند خود نیز به رسانه‌های اجتماعی روی آوردند، و وقتی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، در توئیتر به اظهار نظر و خبررسانی پرداخت و خبرنگارانی را که پیش از این می‌بایست در صف مصاحبه می‌ایستادند، ول معطل گذاشت، حکومت ایران و برخی مقامات و بسیاری از وابستگانش نیز در توئیتر فعال شدند آنهم در حالی که توئیتر در ایران فیلتر و ممنوع است!

روشن است که این میدان نبرد از سوی صاحبان رسانه‌های اجتماعی مانند توئیتر و فیس‌بوک پنهان نماند. وقتی آنها بسیاری از حساب‌های تقلبی را که در خدمت جوسازی به سود جمهوری اسلامی بود مسدود کردند، صدای محمدجواد ظریف درآمد چرا که ناگهان بسیاری از «فرند»ها و «فالوئر»های رژیم و مقاماتش ریزش کردا همزمان با گسترش اعتراضات اجتماعی و به صحنه آمدن نیروهایی که خواهان گذار از نظام اسلامی ایران هستند، ارتش سایبری فعالیت خود را با ردیالنه‌ترین شیوه‌ها علیه افرادی که در رسانه‌ها و نهادهای آگاهی‌رسانی و فضای مجازی فعال هستند، تشدید کرد. این فعالیت‌ها از دستکاری در سخن و ویدئو و جعل خبر و ضداطلاعات تا پخش نسبت‌های دروغ درباره فعالان دموکراسی را در بر می‌گیرد. البته رسانه‌های خارجی اعم از آنهایی که رژیم ایران در آنها نفوذ دارد تا فارسی‌زبان‌ها و کارمندان آنها همزمان در این نبرد «مشارکت فعال» دارند. در همین زمینه گزارش مریم معمارصادقی از مدیران «توانا» بسیار گویاست. از آنجا که به دلایل مختلف، کسانی که به تحریف و دروغ و توطئه‌پردازی بیشتر علاقه نشان می‌دهند تا به واقعیت و حقیقت، کم نیستند، بسیار مهم است که کاربران حقیقی، چه با نام واقعی و چه مستعار، هشیار باشند که نادانسته به پیاده‌نظام جمهوری اسلامی و وابستگانش در فضای مجازی تبدیل نشوند.

## سند اعتماد به نفس کاذب زمامداران نظام

# تا ۱۴۴۴ با جمهوری اسلامی؟!!



● چهل سال آینده در واقع می‌بایست صرف ترمیم و بازسازی تخریب‌های حکومت ایران در چهل سال گذشته شود!

● زمامداران نظام با این سند به مخالفان پیام می‌دهند که جای ما تا ۴۷ سال دیگر سفت و محکم است! به هواداران به شدت ریزش کرده‌ی خود نیز پیام می‌دهند کافیسیت تا ۱۴۴۴ سال صبر کنید!

تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

## قصور، نفوذ و خیانت در نهادهای تأمین امنیت

۹۵ کشته و زخمی و گروگان در کمتر از یک ماه



در صفحه ۲

طولانی بودن مرزها، بودجه ناکافی و ساختار معیوب مرزبانی، ضعف اطلاعاتی، ضعف دولت پاکستان و ضعف حکومت و نیروهای نظامی از جمله دلایل افزایش حملات مسلحانه و ناتوانی در دفع آن است

## دولت لبنان در کشمکش میان واشنگتن و تهران

در صفحه ۱۸



تازه‌ترین رده‌بندی تیم‌های فوتبال جهان:  
 ایران سی و سومین در جهان و  
 نخستین در آسیا

ایران دو - بولیوی یک

جاکوویچ قهرمان مسابقات شانگهای شد

سازمان عفو بین‌الملل از نادال و جاکوویچ خواست به عربستان نروند

حضور گزینشی زنان در استادیوم آزادی با بوقچی‌های خاص!

در صفحات ۱۰ و ۱۱

### کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان) برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دولت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کانفرشهای معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.  
 Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)  
 Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD  
 Ibx Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA  
 Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN  
 UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE  
 Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

### پیام تسلیت و همدردی

همکار گرامی؛

**جناب آقای احمد رأفت**

خبر درگذشت مهندس فرهاد رأفت برادر بزرگوارتان را شنیدیم. فقدان ایشان را به شما و دیگر بازماندگان و دوستان و آشنایان صمیمانه تسلیت می‌گوییم و خود را در اندوه شما شریک می‌دانیم.

**همکاران شما در کیهان لندن**

در این شماره می‌خوانید:

صفحه ۳۳

● واشنگتن تایمز: آقازاده‌های رژیم در آمریکا زندگی می‌کنند؛ والدین آنها خواستار نابودی آمریکا هستند

صفحه ۱۴

● مهر ویزای ورود به ایران در پاسپورت شهروندان اروپایی درج نمی‌شود!

صفحه ۵

● جشنواره سینمایی سلیمانیه در تسخیر سینماگران ایرانی

صفحه ۶

● نکاتی در باب حمله‌های سایبری توسط عوامل دولتی سرکوبگر

صفحات ۹ و ۸

● «زن روز» و «مرد روز»

صفحه ۱۲

● دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران

● سیاست شانزده ساله‌ها - همایون

صفحه ۱۳

● سرگرمی - جدول - سودوکو

صفحه ۱۴

● دکتر مصدق؛ آسیب‌شناسی یک شکست

صفحه ۱۵

● از زیبا کاظمی تا جمال خاشقچی: رسوایی رسانه‌های غربی در گزارش نامتوازن قتل دو روزنامه‌نگار

صفحه ۱۶

● تأملات بهنگام؛ شجاعت در فلسفه‌ورزی و خوانش فلسفه

● اعتصاب ۴۰ روزه لنج‌داران بوشهر

## قصور، نفوذ و خیانت در نهادهای تأمین امنیت ۹۵ کشته و زخمی و گروگان در کمتر از یک ماه

جهادی قرآن و روایات اسلامی در دنیای امروز مردود و محکوم است و به سران رژیم فرصت می‌دهد تا صدای اکثریت معترض جامعه را زیر اخبار مربوط به این قبیل جنایات خفه کند. چنانکه پس از عملیات تروریستی اهواز نیز حسن روحانی و محمدجوادظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی در جریان هفتاد و سومین مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک (سپتامبر ۲۰۱۸) بر موج تبلیغاتی آن سوار شده و رژیمی را که عنوان خود را «جمهوری اسلامی» است به عنوان قربانی معرفی کردند.

### از قصور تا خیانت

در عین حال نباید از عواملی همچون ضعف نظامی، قصور امنیتی و نفوذ اطلاعاتی در نیروهای مسلح و دستگاه‌های عریض و طویل اطلاعاتی جمهوری اسلامی که با بودجه‌های هنگفت تغذیه می‌شوند گذشت.

تجربه نشان می‌دهد که این قبیل وقایع در استان‌هایی تکرار می‌شود که اغلب از تبعیض مذهبی، اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برند و همواره صداهای فروخته که سالیان دراز گرفتار انواع رنج و مشکلات و تبعیضات هستند، بستر مناسبی برای چنین عملیاتی به شمار می‌روند. هرچه این تبعیض‌ها طولانی‌تر، عمیق‌تر و دامنه‌دارتر باشد هم آنهایی که به قصد انتقام و رساندن پیام خود به حکومت مرکزی اقدام می‌کنند خشونت بیشتری نشان می‌دهند و هم امکان سوء استفاده از موقعیت برای گروه‌های مسلح و تروریستی و تجزیه‌طلب و رقیبان منطقه‌ای و دست‌های خارجی بیشتر می‌شود.

### بهره‌برداری‌های امنیتی و سیاسی

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فضای‌هایی که پس از وقوع چنین

بامداد سه‌شنبه، ۲۴ مهرماه، گروه جیش‌العدل به پایگاه «بدر ۳» واقع در منطقه «ریگ ملک» در صفر مرزی لولکدان (۵۰ کیلومتری شهر نیروجی) حمله کرد، ۱۲ بسیجی و پاسدار را ربود و طبق آخرین اطلاعات آنها را به خاک پاکستان منتقل کرد.

جیش‌العدل در اطلاعیه‌ای که در کانال تلگرامی «عدل نیوز» و «عدالت نیوز» منتشر شد عنوان کرد که بوده‌شدگان ۷ نفر از ماموران وابسته به «رگان تروریستی سپاه پاسداران» و ۵ نفر دیگر نیز از نیروهای یگان تکاوری نیروی انتظامی هستند. در این اطلاعیه جیش‌العدل به نیروهای خود لقب «رزمندگان عدالت و برابری» داده و می‌نویسد: «پس از پایش‌های مستمر و آگاهی کامل از وضعیت و نقاط ضعف ماموران پایگاه با استفاده از غفلت

نیروهای ولایت فقیه توانسته‌اند پس از غافلگیر و دستگیر کردن دو نگهبان، دیگر مزدوران را غافلگیر کرده و به اسارت خود در بیاورند.»

این گروه فهرستی از ده‌ها قبضه انواع اسلحه و ادوات نظامی اعلام کرده که در این عملیات به دست آنها افتاده و تأکید شده «سازمان جیش‌العدل به ملت ستم‌دیده و تحت اسارت ایران نوید می‌دهد که دروازه‌های نصرت الهی برای رفع مظلومیت آنها و نجات‌شان از شر فرقه ولایت فقیه گشوده شده است و انشالله این خواست الهی - سرنگونی رژیم ولایت فقیه و رهایی ملت ایران - با اقدام شما هموطنان عزیز برای دگرگونی هر چه زودتر محقق خواهد شد.»

در مقابل، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای علت این حمله را «خیانت و تبانی عامل یا عوامل نفوذی» عنوان کرده و مدعی شده است که «فریب و تلمیعی» باعث شد این آدم‌ربایی صورت بگیرد!

### سنت دروغ و لاپوشانی

جمهوری اسلامی جیش‌العدل را یک گروه تروریستی می‌داند. پاسدار محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه در ویدئویی گفته اعضای این گروه باقیمانده‌ی نیروهای عبدالملک ریگی هستند و با دولت و ارتش پاکستان در این مورد تماس گرفته شده و همچنین تأکید کرد نیروهای نظامی جمهوری اسلامی آمادگی انجام هرگونه عملیات نظامی مشترک با ارتش پاکستان برای آزادسازی گروگان‌ها را دارد. جیش‌العدل ادعای سپاه مبنی بر اینکه نیروها مسموم شده بودند را رد می‌کند. طرح ادعای مسموم شدن نیروها از آنجایی که سپاه مهم است که نشان دهد نیروها بی‌هوش بودند و حال طبیعی نداشتند و به همین علت بی‌دفاع بودند تا به این ترتیب ضعف



### گروه جیش‌العدل دو کانال خبررسانی دارد «عدل نیوز» و «عدالت نیوز» در هر دو آنها پس از ربودن نیروهای نظامی ایران آیات قرآنی در مورد حقیقتی و جهاد منتشر می‌کنند

عملیاتی صورت می‌گیرد بیشترین بهره را می‌برد. نخستین فرصت، «بهره‌برداری امنیتی» است که با سرکوب فعالین قومی، مذهبی و سیاسی همراه است و تا مدت‌ها مناطقی که این اتفاقات در آنجا به وقوع پیوسته پاتوق گردان‌های سپاه و بسیج و پلیس می‌شود. پس از حادثه اخیر در میرجاوه نیز نیروهای امنیتی به حوزه علمیه «قلمویی» متعلق به اهل تسنن در شهرستان سیرک از مناطق بلوچ‌نشین هرمزگان هجوم بردند و سه روحانی را بازداشت کردند. گزارش‌ها حاکی از آن است که تعدادی از فعالین بلوچ در استان سیستان و بلوچستان نیز بازداشت شده‌اند. پس از حمله مسلحانه به رژه نیروهای مسلح در اهواز نیز گروهی از فعالین عرب و اهل تسنن در استان خوزستان به ویژه در اهواز بازداشت شدند. در همین دوران با افزایش درگیری‌ها در مرزهای غربی ایران



تاریخ انقضاء الگوی تأمینی و آرایش نیروهای مرزبانی سال‌ها قبل تمام شده

و پس از حمله موشکی سپاه به مقر احزاب کرد ایرانی در کردستان عراق شماری از فعالین کرد دستگیر و روانه زندان شدند.

دومین فرصتی که عملیات مسلحانه‌ی گروه‌های ضدرژیم در اختیار حکومت قرار می‌دهد «بهره‌برداری سیاسی و تبلیغاتی» است. گرچه گروه‌های معاند جمهوری اسلامی مبارزه علیه تبعیض و بی‌عدالتی و فقر را به عنوان توجیه عملیات مسلحانه به کار می‌برند و همچون جیش‌العدل ادعا می‌کنند انتقام خون کشته‌ها و اعدایان مظلوم توسط حکومت را می‌گیرند اما روش خشونت‌بار آنها نظیر گروگانگیری، ترور و حمله نظامی که مصداق تروریسم است در امتداد همان روشی است که خود جمهوری اسلامی چهل سال است در پیش گرفته و حاصل آن جز شکاف قومی و مذهبی و آسیب‌های جانی و مالی و صدمات روحی از جمله به کسانی که هیچ نقشی در تصمیم‌گیری‌های رژیم ندارند نبوده است. تکرار روش‌های خشونت‌بار و جهادی برای رساندن صدای اعتراض به گوش سران رژیم از جمله به بهانه‌ی آیات



تاریخ انقضاء الگوی تأمینی و آرایش نیروهای مرزبانی سال‌ها قبل تمام شده

آنها را لاپوشانی کند. مسموم کردن نیروها و حمله به آنها در بی‌هوشی از ارزش عملیات مهاجمین نیز می‌کاهد و به همین علت آنها نیز زیر بار این ادعای سپاه نمی‌روند.

### تبلور انتقام‌جویی

در سال‌های اخیر ضرباتی که جیش‌العدل و دیگر گروه‌های مسلح مخالف جمهوری اسلامی در مرز استان سیستان و بلوچستان و پاکستان به سپاه، بسیج و نیروی انتظامی زده‌اند بسیار بالاست. مسئولان جمهوری اسلامی طبق عادت با کمک رسانه‌های داخلی این قبیل حملات تروریستی را به آمریکا، اسرائیل و عربستان نسبت می‌دهند. چنانکه بعد از حمله تروریستی به رژه نیروهای مسلح در اهواز که ۳۱ شهرویر ۹۷ صورت گرفت و طی آن ۲۹ نفر کشته و ۵۷ نفر زخمی شدند و همچنین در حوادث مشابه این ادعا تکرار شد.

انداختن تقصیر به گردن «دشمنان» این فرصت را به کارگزاران نظام می‌دهد که از یک شوک عمومی تلخ با مظلوم‌نمایی و برپه‌برداری کردن احساسات شهروندان بهره‌برداری سیاسی کنند. در عین حال

## سند اعتماد به نفس کاذب زمامداران نظام تا ۱۴۴۴ با جمهوری اسلامی!؟

- چهل سال آینده در واقع می‌بایست صرف ترمیم و بازسازی تخریب‌های حکومت ایران در چهل سال گذشته شود!
- زمامداران نظام با این سند به مخالفان پیام می‌دهند که جای ما تا ۴۷ سال دیگر سفت و محکم است! به هواداران به شدت ریزش‌کرده‌ی خود نیز پیام می‌دهند کافیس‌ت تا ۱۴۴۴ سال صبر کنید!

در هفته‌های که گذشت سندی موسوم به «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» منتشر شد که از آن به عنوان «سند بالادستی» نام برده می‌شود. سندی که رهبری و زمامداران نظام معتقدند قرار است امور کشور بر مدار آن قرار گیرد تا جمهوری اسلامی را نه به سال ۱۴۰۰ بلکه تا ۱۴۴۴ خورشیدی برساند. انتشار این سند و این ادعا واکنش‌های مختلفی از جدی تا شوخی به دنبال داشت.

در خرداد ۱۳۹۰، رهبر نظام با صدور حکمی دستور تأسیس مرکز «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» را صادر و عده‌ای را نیز برای کار در این مرکز منصوب کرد. در حکم خامنه‌ای آمده بود: «با توجه به عزم جدی برای دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و لزوم استفاده‌ی همه‌جانبه از ظرفیت‌های موجود در عرصه‌های علمی (حوزه‌های دانشگاهی) در جهت فراهم‌سازی و مقدمات تدوین الگو و توسعه گفتمانی و تولید علم در این حوزه، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تشکیل می‌گردد.»

حالا اعضای این مرکز بعد از هفت سال سند «الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت» را منتشر کرده و مدعی شده‌اند که در این سند اهم مبانی و آرمان‌های پیشرفت و آفق مطلوب کشور در پنج دهه آینده ترمیم و تدابیر مؤثر برای دستیابی به آن طراحی شده است.

خامنه‌ای نیز «تلاش نظام‌مند چند هزار تن از صاحب‌نظران و استادان دانشگاهی و حوزوی و فرزندان جوان برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پس از هفت سال در چهل‌مین سال پیروزی انقلاب اسلامی» را «توفیق الهی» دانسته و از «خداوند جل و علا» سپاسگزاری کرده و دستگاه‌ها، مراکز علمی، نخبگان و صاحب‌نظران را به بررسی عمیق ابعاد مختلف سند تدوین‌شده و ارائه نظرات مشورتی جهت تکمیل و ارتقای این سند بالادستی فراخوانده است.

سند پیشرفت برای آینده یا فلسفه‌بافی پسرقت برای حال!؟ بنا به تصورات خامنه‌ای این «سند» می‌بایست از ابتدای قرن پانزده هجری خورشیدی اجرا و امور کشور بر مدار آن قرار گیرد. گذشته از اینکه چنین پروژه‌هایی اعم از تهیه پیش‌نویس و سند و برگزاری همایش و غیره، ناندانی بسیار خوبی برای افرادیست که در آنها مشغولیتی پیدا می‌کنند، اما این سند که قرار است قرن پانزدهم خورشیدی ایران را بسازد چیزی جز سرهم‌بندی عبارات قلمبه و سلمبه و ایدئولوژیک و همچنین تکرار آرزوهای مکرر و شعارهای پرطمطراق انقلابی نیست.

بخش بیشتر این سند فلسفه‌بافی در مورد مبانی جهان‌بینی، خداشناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و دین‌شناسی است؛ عبارتی‌هایی که از متن‌های ایدئولوژیک به پیش از انقلاب امثال مرتضی مطهری برای پاسخ به مکاتب دیگر مانند لیبرالیسم و کمونیسم می‌نوشتند و در برابر ارزش‌ها و ایده‌آل‌های آنها ارزش‌ها و ایده‌آل‌های «جامعه توحیدی» را توصیف می‌کردند در این سند تکرار شده است.

بخش دیگری از این سند با عنوان «افق» بجای نشان دادن چشم‌انداز عملی و راه‌های رسیدن

به آن، توصیفی است غیرعلمی-تخیلی از جامعه ایران در سال ۱۴۴۴ که بر اساس تصورات سندنویسان، آرزوهای مشتاقان «الگوی ایرانی-اسلامی» جامه‌ی واقعیت پوشیده است!

این مطالب غیرعلمی-تخیلی که بخش مهم و در واقع ستون فقرات متن سند است شاید می‌توانست توسط یک دانشجوی معمولی برای گرفتن نمره قبولی به عنوان یک کار نیمه‌تحقیقی سرهم بندی شود ولی قطعاً به وجود یک سازمان و مرکز با مشارکت «اندیشمندان» و تخصیص بودجه برای این تخیلات نیازی نبود.

بخش پایانی «سند» به تدابیری اختصاص دارد که باید ایران را به جامعه مطلوب «رهبر» در ۱۴۴۴ برساند. اما این بخش نیز تکرار پند و اندرزهایی است که فراتر از شعارها و نامگذاری‌های سالانه‌ی علی خامنه‌ای نمی‌رود.

نخستین پرسشی که درباره این سند به هر عقل سالمی خطور می‌کند این است که: اگر این سند چنان راهگشاست که ایران را تا ۱۴۴۴ در زمره‌ی ده کشور برتر جهان قرار می‌دهد، چرا در چهل سال گذشته و همین سال‌ها نه تنها هیچ نشانه‌ای از پیشرفت دیده نمی‌شود بلکه همه چیز از اجتماع و اقتصاد و محیط زیست در حال تخریب شدن است؟! چهل سال آینده در واقع می‌بایست صرف ترمیم و بازسازی تخریب‌ها در این چهل سال گذشته شود! پیشرفت

پیشکش جمهوری اسلامی! **سند قبلی به کجا رسید!؟** ارائه برنامه‌های دهان پرکن و بی‌فایده در جمهوری اسلامی دارای پیشینه است. با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۵۷، برنامه عمرانی ششم تعطیل شد. تفکرات حاکم بر انقلابیون و جنگ مجالی برای تدوین برنامه‌های توسعه نمی‌گذاشت. با پایان جنگ در تابستان ۶۷ برنامه اول توسعه تنظیم شد و تازه کم‌کم این فکر به وجود آمد که نظام چه الگویی برای توسعه می‌تواند داشته باشد. این در حالیست که برای نمونه، در فوریه سال ۱۹۹۱ دولت نخست وزیر وقت مالزی، ماهاتیر محمد، سندی با عنوان چشم‌انداز ۲۰۲۰ را تدوین و به سرعت تغییرات ملموسی در مالزی رخ داد و پیمودن مسیر توسعه در این کشور آغاز شد. با طرح چشم‌انداز از سوی ماهاتیر محمد، مسئولان جمهوری اسلامی نیز به فکر تنظیم سند چشم‌انداز افتادند. سند تقلیدی رژیم ایران با عنوان چشم‌انداز ۲۰ ساله تدوین شد که سال ۱۴۰۴ را به عنوان آفق خود در نظر گرفته بود. الان که فقط هفت سال با آن چشم‌انداز فاصله داریم، هر چیزی در برابر چشم هست بجز شرایطی که نوید پیشرفت و توسعه بدهد! جالب اینجاست که «افق» خود جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام، به شدت تیره و تار است!

مقامات جمهوری اسلامی بدون آنکه آن سند چشم‌انداز را به روی خود بیاورند و خود را موظف بدانند که به مردم توضیح بدهند که چرا اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله که بر اساس آن قرار بود ایران به قدرت اول منطقه تبدیل شود و در مدار توسعه پایدار قرار بگیرد، تحقق نیافته، بی‌خیال برای چهل سال دیگر سند غیرعلمی-تخیلی می‌نویسند.

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد سند جدید، بیش از آنکه **روشنک استرکی**

## فایننشال تایمز: ایران با استفاده از «کشتی‌های شبح» تحریم‌های نفتی را دور می‌زند



تانکر شرکت ملی نفتکش ایران در خلیج فارس

توانسته با استفاده از تصاویر با کیفیت بالا که ماهواره‌های موسسه «پلنت لبز» ثبت کرده کشتی‌های بیشتری را که اقدام به حمل مخفیانه نفت می‌کنند شناسایی کند. از آنجا که این ماهواره توانایی ثبت تصویر دارد حتی هنگامی که سیگنال‌های این کشتی‌های شبح خاموش می‌شوند نیز قادر به ردیابی آنهاست. فایننشال تایمز در ادامه نوشته اگر آمریکا قادر باشد صادرات نفت ایران را بعد از تحریم‌های چهارم نوامبر کاهش دهد یک شوک بزرگ پدید خواهد آمد. تصور بر این است هرچه صادرات نفت ایران بیشتر باشد احتمال سقوط آن کمتر است. همزمان پیش‌بینی می‌شود با نزدیک شدن به زمان آغاز تحریم‌های نفتی ایران، قیمت نفت افزایش پیدا کند. در روزهای اخیر یک کارشناس در شرکت نفت (NIOC) به کیهان لندن خبر داد که هفته دوم مه‌مهر میزان تولید نفت ایران به حدود یک میلیون بشکه در روز رسیده و احتمال دارد به ۹۰۰ هزار بشکه در روز تا اواخر ماه مهر و اوایل ماه آبان کاهش یابد. خبرگزاری رویترز نیز گزارش داده بود در نخستین روزهای ماه اکتبر تولید نفت ایران به حدود ۱.۱ میلیون بشکه در روز کاهش داشته است. مقدار تولید نفت با میزان صادرات متفاوت است و بخشی از نفت صادراتی در انبارها نگهداری می‌شود. اخیراً اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی در سخنانی ادعا کرده ایران خریداران جدیدی برای نفت خود پیدا کرده است اما اسمی از آنها نبرد. او همچنین گفته خریداران سنتی نفت ایران به دنبال راهکارهایی برای دور زدن تحریم‌های ایران هستند.

تقویت کرده تا خلاء نفت ایران و کاهش ورودی نفت ونزوئلا را جبران کند. او اعلام کرده «خرید نفت این شرکت از ایران به صفر رسیده و مجبوریم از بین کشورهای خاورمیانه به دنبال نفت جایگزین باشیم یا از آمریکا وارد کنیم». اما روزنامه فایننشال تایمز روز پنجشنبه، ۱۸ اکتبر (۲۶ مهر) در گزارشی نوشته است که مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا گفته آمریکا اگر بخواهد صادرات نفت ایران را به صفر برساند اقدامات بیشتری نسبت به خروجی‌های بازار نفت لازم است. در حالی که تصور می‌شود صادرات نفت ایران همزمان با تحریم‌های آمریکا که از چهارم نوامبر آغاز می‌شود کاهش پیدا کند آخرین اطلاعات از یک ماهواره ردیاب که با تصویر گزارش داده، حاکی از آن است که نفت ایران همچنان خریداران مشتاقی دارد. شرکت تانکر تراکرز (صدکننده عملیات حمل و نقل محموله‌های نفتی) اعلام کرده که در دو هفته اول ماه اکتبر صادرات نفت ایران بطور میانگین ۲۰۲ میلیون بشکه در روز بوده که بسیار بیشتر از میزان صادرات خیلی از تولیدکنندگان دیگر است. این یعنی صادرات نفت ایران تنها کمی بیشتر از ۱۰ درصد افت کرده است. سمیر مدنی یکی از بنیانگذاران شرکت تانکر تراکرز می‌گوید، ایران از «تانکرهای شبح» برای حمل و نقل محموله‌های نفتی خود استفاده می‌کند به این ترتیب که این کشتی‌ها سیگنال‌های ماهواره‌ای خود را خاموش می‌کنند تا در طول مسیر شناسایی نشوند و با این ترفند مانند «شبح» به حمل و نقل نفتی می‌پردازند که مقدار آن پنهان نگه داشته می‌شود. مدنی می‌گوید تیم او

● شرکت ریلاینس هند واردات نفت از ایران را به صفر رسانده.  
● نفتکش‌های ایرانی سیگنال‌های ماهواره‌ای خود را خاموش می‌کنند تا مانند «شبح» حرکت کنند و در طول مسیر شناسایی نشوند.  
● گزارش‌های مستند تصویری نشان می‌دهد که ایران همچنان به صورت مخفیانه اقدام به دور زدن تحریم‌های نفتی می‌کند و مشتریان مشتاقی نیز دارد.

بعد از کره جنوبی مدیران شرکت صنایع ریلاینس هند صاحب بزرگترین مجتمع پالایشگاه جهان اعلام کردند واردات نفت خام ایران را متوقف کرده‌اند، اما گزارش‌ها حاکیست جمهوری اسلامی با ترفندهای مختلف همچنان به دنبال دور زدن تحریم‌هاست. V. Srikanth از مدیران مالی این شرکت گفته «ریلاینس خرید از سایر تولیدکنندگان خاورمیانه‌ای و آمریکا را

نامنی در مرزهای استان سیستان و بلوچستان بیشتر شده و گروه‌های مسلح مخالف جمهوری اسلامی و تروریست‌ها از ضعف امنیتی نیروهای نظامی ایران استفاده کرده و ضربات سختی بر آنها وارد کردند از جمله: - حمله جیش العدل هنگ مرزی سیستان و بلوچستان، بهمن ۹۲ که طی آن هشت مرزبان گروگان گرفته شدند و پنج نفر کشته شدند. - حمله جیش العدل به پاسگاه میل ۱۰۰ گروهان چاهندو، اردیبهشت ۹۶ که در آن ۱۰ نفر از نیروهای مرزبانی کشته شدند. - درگیری با گروه انصار الفرقان در چابهار، خرداد ۹۶، که یک نفر از نیروهای وزارت اطلاعات کشته و یک نفر زخمی شد. - درگیری سپاه و جیش العدل در مرز پاکستان منطقه سراوان، تیر ۹۶ که دو کارگر محلی جان خود را از دست دادند. - درگیری نیروهای مرزبانی و سپاه و یک گروه مسلح در مرز میرجاوه حد فاصل پاسگاه چاه لشکر تعدادی، فروردین ۹۷، که چهار کشته و سه زخمی بر جای گذاشت.

## آزادی کشیش برانسون دستاورد دولت ترامپ و دستگاه دیپلماسی ایالات متحده



ملاقات ترامپ و برانسون

ترامپ رویکرد امروز آمریکا در قبال ترکیه را بسیار متفاوت از دیروز دانست و تاکید کرد: «گام بزرگی برای بازگشت به روابط سابق صورت گرفته است.» او همچنین در توییته نوشت: «من برای گروگان‌ها معامله نمی‌کنم. با این حال، از طرف آمریکا بسیار قدر دان هستیم. این کار باعث بهبود روابط و احتمالاً ایجاد یک رابطه عالی بین آمریکا و ترکیه می‌شود.»

ادامه در صفحه ۱۷

گولن و PKK و جاسوسی، که در مجموع به سه سال زندان محکوم شد. او پس از رسیدن به آمریکا مورد استقبال خانواده‌اش قرار گرفت و چند ساعت بعد با دونالد ترامپ در جلسه‌ای که پمپئو و بولتون هم حضور داشتند دیدار کرد. رئیس جمهوری آمریکا ضمن تشکر از رجب طیب اردوغان به خاطر آزادی برانسون گفت که اکنون فرصت برای یک روابط عالی با ترکیه را داریم.

● دونالد ترامپ، مایک پمپئو و جان بولتون با کشیش برانسون دیدار کردند.  
● رئیس جمهوری آمریکا: من برای گروگان‌ها معامله نمی‌کنم. با این حال، از طرف آمریکا بسیار قدر دان هستیم.  
● رجب طیب اردوغان می‌گوید دستگاه قضایی ترکیه مستقل است.

آندرو برانسون کشیش آمریکایی زندانی در ترکیه پس از آزادی و بازگشت به آمریکا، شنبه ۱۳۱۲ اکتبر (۲۱ مهر)، با دونالد ترامپ رئیس جمهوری این کشور ملاقات کرد. دادگاه ترکیه روز جمعه دستور آزادی آندرو برانسون را صادر کرد و او پس از دو سال با لغو حکم حصر خانگی و برداشته شدن حکم ممنوع‌الخروج، شهر ازمیر جایی که ۲۰ ماه در آنجا بازداشت بود را ترک کرد. برانسون ۵۰ ساله با فهرستی از اتهامات روبرو بود: دست داشتن در کودتای نافرجام علیه رجب طیب اردوغان، اتهام همکاری با گروه فتح‌الله

## جیش العدل ۱۱ نیروی بسیج و اطلاعات سپاه را مسموم کرد و ربود!



صفر مرزی ایران و پاکستان

نیروهای هنگ مرزی میرجاوه و ۲ نفر جیش العدل در اطلاعات سپاه هستند (این تلگرامی خود منتشر کرده مسئولیت ربودن این ۱۴ نفر را به عهده گرفته است. سپاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرده علت این حمله «خیانت و تبانی عوامل نفوذی» بوده است. در سال‌های گذشته

۱۱ نفر از نیروهای بسیج هنگ مرزی سیستان و بلوچستان بامداد سه‌شنبه، ۲۴ مهرماه، در منطقه «ریگ ملک» واقع در صفر مرزی لولکدان در ۵۰ کیلومتری شهر میرجاوه ربوده شدند. رسانه‌های داخلی ابتدا خبر دادند که افراد ربوده شده ۱۴ نفر هستند اما ساعاتی بعد خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه خبر داد که شمار ربوده‌شدگان ۱۱ نفر است و بر اساس گمانه‌زنی‌های اولیه ابتدا بر اثر غذای آلوده مسموم شده‌اند. بر اساس آخرین خبرها ۷ نفر از این افراد نیروهای بسیج طرح امنیت، ۵ نفر

● سپاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرده علت این حمله «خیانت و تبانی عوامل نفوذی» بوده است.

● در یک سال گذشته بیش از ۴۰ نیروی نظامی ایران در درگیری‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان با گروه‌های مسلح کشته، زخمی و یا ربوده شده‌اند.

۱۱ نفر از نیروهای بسیج هنگ مرزی سیستان و بلوچستان بامداد سه‌شنبه، ۲۴ مهرماه، در منطقه «ریگ ملک» واقع در صفر مرزی لولکدان در ۵۰ کیلومتری شهر میرجاوه ربوده شدند. رسانه‌های داخلی ابتدا خبر دادند که افراد ربوده شده ۱۴ نفر هستند اما ساعاتی بعد خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه خبر داد که شمار ربوده‌شدگان ۱۱ نفر است و بر اساس گمانه‌زنی‌های اولیه ابتدا بر اثر غذای آلوده مسموم شده‌اند. بر اساس آخرین خبرها ۷ نفر از این افراد نیروهای بسیج طرح امنیت، ۵ نفر

## واشنگتن تایمز: آقازاده‌های رژیم در آمریکا زندگی می‌کنند؛ والدین آنها خواستار نابودی آمریکا هستند



طرح واشنگتن تایمز در مورد حضور آقازاده‌های نظام در آمریکا

۲۰۰ میلیارد دلار نشسته است. گزارش سپس به پسر معصومه ابتکار می‌پردازد و می‌نویسد، عیسی هاشمی دانشجوی دکتری شعبه لس‌آنجلس دانشگاه روانشناسی شیکاگو است. مادرش معصومه ابتکار در مقام معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری اسلامی ایران به کار مشغول است. ابتکار در آغاز انقلاب سخنگوی دانشجویان اشغالگر و گروگانگیران سفارت آمریکا در تهران بود. گروگانگیری‌ای که ۴۴۴ روز طول کشید. آن روزها از او پرسیده شد آیا حاضر است شخصا به سر یکی از گروگان‌ها شلیک کند، معصومه ابتکار بدون تردید پاسخ داد: «بله، بدون

دولت ترامپ تحت تحریم قرار دارد. یکی دیگر از برادران لاریجانی، جواد، در سمت ریاست شورای حقوق بشر قوه قضاییه مشغول است.» با وجود اینکه مقام‌های کلیدی جمهوری اسلامی ایران غالباً آمریکا را «شیطان بزرگ» می‌خوانند، ولی از اینکه اعلام کنند فرزندانشان در سلامت و آزادی در آمریکا زندگی می‌کنند، سر باز می‌زنند. صادق لاریجانی رئیس قوه قضاییه دست کم ۳۰۰ میلیون دلار مال و اموال دارد که با اختلاس از صندوق‌های دولتی به حساب بانکی خودش واریز کرده است. علی خامنه‌ای در رأس یک امپراتوری مالی به ارزش

اظهارات علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی که آمریکا را بزرگترین تهدید برای همه جهان خوانده بود، می‌نویسد: «این اظهارات در حالی مطرح شده که دختر علی لاریجانی فاطمه اردشیر لاریجانی در اوهایو اولین سال دوره رزیدنسی پزشکی خود را در امنیت کامل می‌گذراند. او در دانشگاه پزشکی کلوند که یکی از بهترین دانشکده‌های پزشکی جهان بر اساس رنکینگ دانشگاهی است، تحصیل می‌کند.»

دختر اردشیر لاریجانی یکی از چندین فرزند مقامات ایرانی است که در دانشگاه‌های آمریکا تحصیل کرده و از فرصت بازارهای شغلی آمریکا بهره‌مند شده است. این در حالیست که والدین این فرزندان و آقازاده‌ها دائماً خواستار نابودی آمریکا هستند و همزمان وقتی که دانشجویان آمریکایی به ایران سفر می‌کنند نظیر شیو ونگ دانشجوی دانشگاه پرینستون به اتهام جاسوسی بازداشت می‌شوند. این رسانه به حضور خانواده لاریجانی در سمت‌های عالی جمهوری اسلامی اشاره کرده و نوشته است: «علی لاریجانی قبل از اینکه رئیس مجلس شود، دبیر شورای عالی امنیت ملی و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای بود. یکی از برادران او، صادق آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه است و توسط

● فاطمه لاریجانی دختر رئیس مجلس شورای اسلامی در اوهایو دوره رزیدنسی پزشکی را می‌گذراند.

● عیسی هاشمی پسر معصومه ابتکار دانشجوی دکتری شعبه لس‌آنجلس دانشگاه روانشناسی شیکاگو است.

● علی فریدون مهندس ارشد در یک شرکت ارائه دهنده خدمات آموزشی در نیویورک فرزند حسین فریدون، برادر و دستیار ویژه حسن روحانی است.

روزنامه واشنگتن تایمز در گزارشی با اشاره به فهرست آقازاده‌های مقامات جمهوری اسلامی که در آمریکا زندگی می‌کنند نوشته است که وزارت خارجه آمریکا باید فهرست آنها را شفاف کند چون حضور آنها در آمریکا یک امتیاز است نه یک حق. در این گزارش آمده فرزندان زمامداران جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه‌ها و بازار کار آمریکا حضور دارند و در پی فرصت‌های شغلی تلاش می‌کنند. در حالی که همزمان اقتصاد ایران رو به سقوط است؛ نقض حقوق بشر بطور گسترده ادامه دارد؛ کمبود آب زندگی میلیون‌ها نفر را تهدید می‌کند و ملایان که قدرت را در دست دارند پول‌های کلان به جیب می‌زنند. نویسندگان این گزارش Tzvi Kahn تحلیلگر ارشد امور ایران در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» است. او با اشاره به

برادر حسن روحانی است. واشنگتن تایمز در پایان این گزارش نوشته تعداد آقازاده‌هایی که در آمریکا مشغول اند مشخص نیست. بسیاری از چهره‌های شاخص جمهوری اسلامی مثل محمدجواد ظریف وزیر خارجه و علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی تحصیل‌کردگان دانشگاه‌های آمریکا در دنور و بوستون هستند. حسین پسر ظریف در دانشگاه شهر نیویورک درس خوانده است. حسین موسویان از اعضای پیشین تیم مذاکرات اتمی که در زمان ترور رستوران میکونوس در برلین سفیر جمهوری اسلامی در آلمان بود، اکنون پژوهشگر دانشگاه پرینستون است. مردم ایران با درک این واقعیات متناقض است که همچنان به اعتراضات خود ادامه می‌دهند.

### دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسؤلیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk

Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

## محسن هاشمی رفسنجانی: در همه جای کشور شنود به صورت جدی وجود دارد



● **شهردار تهران از معاون سابق خود شکایت قضایی کرده است!**  
● **«این پرونده به دستگاه قضایی رفته و در آینده مورد بررسی می‌شود تا بر اساس قانون نسبت به کسانی که آن ادعای زشت و پلشت را مطرح کردند، عمل شود.»**  
● **«شنود از صدر اسلام بوده و هست!»**

محمدعلی افشانی شهردار تهران در حالی گفته از کسانی که خبر شنود از مدیران شهرداری توسط وی را منتشر کردند شکایت قضایی کرده است که محسن هاشمی رفسنجانی گفته «در همه جای کشور شنود به صورت جدی وجود دارد. ابزار شنود آنقدر ارزان شده که حتی افراد عادی و زن و شوهرها هم استفاده می‌کنند. شنود از صدر اسلام بوده و هست!»  
در واپسین روزهای مدیریت محمدعلی افشانی موضوع شنود کردن مدیران شهرداری توسط وی جنجال برانگیز شد. حجت‌الله میرزایی معاون سابق برنامه‌ریزی، توسعه شهری و امور شوراهای شهرداری تهران در حاشیه جلسه تودیع خود به خبرنگاران اعلام کرد که افشانی با شنود سخنانش و به دلیل آنچه پشت سر او حرف زدن عنوان شده، این معاون را برکنار کرده است. صبح روز سه‌شنبه ۲۴ مهرماه قبل از شروع مراسم تودیع و معارفه معاون برنامه‌ریزی و توسعه شهری، حجت‌الله میرزایی معاون سابق این معاونت در حاشیه سخن به برخی خبرنگاران درباره دلیل برکناری‌اش گفت که شهردار تهران معاونانش را شنود کرده

و این برکناری حاصل این شنود است. او اظهار داشت: «آقای افشانی گفته‌اند که من تلفن معاونانم را شنود می‌کنم و فهمیدم که برخی از آن‌ها پشت من حرف می‌زنند!»  
وی این کار را غیرقانونی و یک رسوایی بزرگ دانسته و گفته بود که اگر صحبتی هم شده راجع به عملکرد ایشان بوده، ما هیچ‌گاه بر سر ماندن یا نماندن و جایگزین ایشان صحبت نکردیم.»  
محمدعلی افشانی در واکنش به این ادعا، اتهام شنود را کثیف‌ترین اتهامی خواند که در طول دوران خدمتش به او شده و گفت که «به دلیل اینکه این اتهام بسیار زشتی بود، بلافاصله پس از انتشار این خبر، من برای اولین بار در طول دوران خدمتم، به روابط عمومی شهرداری دستور دادم هم از سایت‌هایی که این خبر را منتشر کردند و هم از کسی که چنین ادعایی را مطرح کرده است، شکایت کند تا مراجع حقوقی و قانونی پاسخگو باشند.»  
برای افزایش یا کاهش صدا از

## نعمت‌زاده موضوع بدهکاری دخترش و پرونده قضایی علیه او را تأیید کرد



شبیم و زینب نعمت‌زاده، دختران محمدرضا نعمت‌زاده

خود را نیز به عهده دارد. نعمت‌زاده از سال ۹۱ به بعد عضو هیئت مدیره ۱۸ شرکت بوده است.  
در این میان دختران او نیز عضو هیئت مدیره و سهامدار بسیاری از شرکت‌های پدرشان هستند. شبیم نعمت‌زاده مدیرعامل شرکت «رسا فارمد» است؛ شرکتی که در زمینه مواد غذایی، حیوانی، نباتی، آشامیدنی، محصولات وابسته، نباتات و حیوانات زنده، مواد شیمیایی، پلاستیک، دارویی و محصولات وابسته فعالیت می‌کند. پخش رسا که اکنون بدهی کلانی به شبکه دارویی کشور دارد نیز زیرمجموعه شرکت «رسا فارمد» به شمار می‌رود. شبیم نعمت‌زاده همچنین از واردکنندگان اصلی دارو به ایران است و در حال حاضر عضو هیئت مدیره اتحادیه واردکنندگان مکمل‌های غذایی، رژیمی، ویتامینی و گیاهی ایران است.  
در مرداد سال جاری نیز خبرگزاری مهر گزارش داد انبار احتکار دارویی که در همان ماه در اطراف تهران کشف شد متعلق به دختر یکی از وزرای دولت یازدهم است. اظهار نظر سخنگوی سازمان تعزیرات حکومتی نشان می‌داد که احتمال زیاد این داروهای قاچاق متعلق به شبیم نعمت‌زاده دختر محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنعت دولت نخست حسن روحانی است.

به گفته یکی از سهامداران شرکت شفا دارو، شبیم نعمت‌زاده در مجموع به این شرکت و دو شرکت دیگر بیش از ۳۵۰ میلیارد تومان بدهکار است که این بدهی در زمستان ۹۶ موجب شکایت از او و گشوده شدن پرونده قضایی برای وصول این مطالبات از دختر وزیر سابق شد.  
اما این نخستین بار نبود که فعالیت‌های اقتصادی خانواده نعمت‌زاده تیرتر رسانه‌ها شد. محمدرضا نعمت‌زاده، از نزدیکان حسن روحانی و وزیر صنعت، معدن و تجارت در دولت یازدهم، از جمله ثروتمندان ایران است که بخش بزرگی از ثروت خود را با تکیه به رانت و دور زدن قوانین کشور به‌دست آورده است؛ در این میان دختران او زینب و شبیم نیز از رانت پدر بی‌بهره نبوده و ثروت کلانی به جیب زده‌اند.  
در ابتدای آغاز به کار دولت نخست حسن روحانی و بسایت جهان نیوز به نقل از محمدرضا نعمت‌زاده ثروت او را ۹۳۰ میلیارد تومان و درآمد روزانه او را ۳۶ میلیون و چهارصد هزار تومان اعلام کرد.  
در خرداد ۹۳ اشتغال نعمت‌زاده به بیش از یک شغل مورد توجه دیوان محاسبات کل کشور قرار گرفت و مشخص شد او ضمن اینکه وزیر کابینه روحانی است سرپرستی و مدیریت ده‌ها شرکت در امپراتوری اقتصادی

● **شرکت پخش رسا، متعلق به شبیم نعمت‌زاده بیش از ۳۵۰ میلیارد تومان به شبکه دارویی کشور بدهکار است.**  
● **امرداد سال جاری نیز خبرگزاری مهر گزارش داد انبار احتکار دارویی که در همان ماه در اطراف تهران کشف شد متعلق به شبیم نعمت‌زاده است.**

محمدرضا نعمت‌زاده وزیر سابق صنعت، معدن و تجارت بدهکاری کلان دخترش به شبکه دارویی کشور و وجود پرونده‌های قضایی علیه او را تأیید کرده است.  
ماه‌هاست خبر بدهکاری کلان شبیم نعمت‌زاده دختر محمدرضا نعمت‌زاده در رسانه‌ها مطرح می‌شود اما تا کنون خانواده نعمت‌زاده در این باره سکوت کرده بودند. اکنون محمدرضا نعمت‌زاده بدهکاری کلان دخترش به سیستم دارویی کشور را تأیید کرده است.  
نعمت‌زاده در این باره گفته است: «دخترم در گذشته بر اساس مجوزهایی واردات دارو انجام می‌داد. اما در چند سال گذشته با همکاری فردی یک شرکت پخش راه‌اندازی کرد که در طول یک سال اخیر فروش آن‌ها متوقف شده و مشغول پرداخت بدهی این شرکت است.»  
نعمت‌زاده همچنین مدعی شده که «فرد متخلف در شرکت پخش فرار کرده و دخترم درگیر بازپرداخت بدهی‌هاست.»  
موضوع بدهی شبیم نعمت‌زاده به شبکه دارویی کشور از اسفندماه ۹۶ رسانه‌ای شد. بر اساس خبرهایی که آن زمان منتشر شده بود بدهی شرکت پخش رسا، متعلق به شبیم نعمت‌زاده به شبکه دارویی کشور بیش از ۳۵۰ میلیارد تومان بود که ۶۰ میلیارد تومان از این رقم طلب شرکت سرمایه‌گذاری شفا دارو از شرکت شبیم نعمت‌زاده است.

## مهر ویزیای ورود به ایران در پاسپورت شهروندان اروپایی درج نمی‌شود!



گروگانگیری دو تابعیتی‌ها و تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی از عوامل کاهش توریست خارجی در ایران است

ایران را به سطح دولت‌هایی چون سوریه و سودان کاهش داده است. از سوی دیگر این اقدام حاکی از آن است که جمهوری اسلامی برای کشاندن توریست‌ها به ایران و درآمدزایی بجای اینکه تن به شرایط استانداردهای زندگی سیاسی و اجتماعی بدهد، حاضر است به هر اقدام خفت‌آمیز دست بزند از جمله اینکه از زدن مهر ویزا در پاسپورت خارجی‌ها صرف نظر کند. نکته مهم دیگر این است که این مقام مسئول بر توریست‌های کشورهای اروپایی تأکید کرده است. آنهم در شرایطی که کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه، آلمان و بریتانیا اصلی‌ترین حامیان حفظ برجام‌اند و برای کمک به رژیم تهران در دور زدن تحریم‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند. همین کشورها هستند که بر دولت آمریکا برای مبادلات مالی با رژیم ایران فشار می‌آورند و قصد ایجاد ساز و کار مالی برای ادامه مبادلات تجاری با تهران دارند اما شهروندان این کشورها ترجیح می‌دهند اگر به ایران سفر می‌کنند، مهر ویزا آنها را لو ندهند و موجب سختگیری برای سفر آنها به کشورهای دیگر نشود!

ایران را به سطح دولت‌هایی چون سوریه و سودان کاهش داده است. از سوی دیگر این اقدام حاکی از آن است که جمهوری اسلامی برای کشاندن توریست‌ها به ایران و درآمدزایی بجای اینکه تن به شرایط استانداردهای زندگی سیاسی و اجتماعی بدهد، حاضر است به هر اقدام خفت‌آمیز دست بزند از جمله اینکه از زدن مهر ویزا در پاسپورت خارجی‌ها صرف نظر کند. نکته مهم دیگر این است که این مقام مسئول بر توریست‌های کشورهای اروپایی تأکید کرده است. آنهم در شرایطی که کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه، آلمان و بریتانیا اصلی‌ترین حامیان حفظ برجام‌اند و برای کمک به رژیم تهران در دور زدن تحریم‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند. همین کشورها هستند که بر دولت آمریکا برای مبادلات مالی با رژیم ایران فشار می‌آورند و قصد ایجاد ساز و کار مالی برای ادامه مبادلات تجاری با تهران دارند اما شهروندان این کشورها ترجیح می‌دهند اگر به ایران سفر می‌کنند، مهر ویزا آنها را لو ندهند و موجب سختگیری برای سفر آنها به کشورهای دیگر نشود!

این اقدام مسئولان جمهوری اسلامی در حالیکه وزارت خارجه بریتانیا و فرانسه در ماه‌های اخیر به شهروندان خود هشدار داده‌اند که بطور جدی از سفرهای غیرضروری به ایران خودداری کنند. گمان نمی‌رود که سفر توریستی را بتوان جزو سفرهای ضروری طبقه‌بندی کرد. از جمله اقدامات دیگر جمهوری اسلامی برای جذب سرمایه و کشاندن خارجی‌ها به ایران اعطای اقامت ۵ ساله به شرط ۲۵۰ هزار دلار سرمایه‌گذاری بوده که اگرچه رقم بسیار پایینی است ولی معلوم نیست چنین سرمایه‌گذاری به دلیل کدام جذابیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی باید پول خود را

این اقدام مسئولان جمهوری اسلامی در حالیکه وزارت خارجه بریتانیا و فرانسه در ماه‌های اخیر به شهروندان خود هشدار داده‌اند که بطور جدی از سفرهای غیرضروری به ایران خودداری کنند. گمان نمی‌رود که سفر توریستی را بتوان جزو سفرهای ضروری طبقه‌بندی کرد. از جمله اقدامات دیگر جمهوری اسلامی برای جذب سرمایه و کشاندن خارجی‌ها به ایران اعطای اقامت ۵ ساله به شرط ۲۵۰ هزار دلار سرمایه‌گذاری بوده که اگرچه رقم بسیار پایینی است ولی معلوم نیست چنین سرمایه‌گذاری به دلیل کدام جذابیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی باید پول خود را

## شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان نسبت به ادامه فشار بر آموزگاران هشدار داد



راه بازگشت به منزل بازداشت شد و ساعت‌های متمادی خانواده و اطرافیان ایشان از سرنوشت وی بی‌اطلاع بودند. ایشان توسط وزارت اطلاعات بازداشت شده است و اطلاعات با در اختیار گرفتن اکانت تلگرامی ایشان کانال شورا و ابرگروه تحصن را در اختیار گرفت و تا توانستند تلاش کردند مسیر فراخوانده می‌شوند.  
در این بیانیه همچنین به بازداشت محمدرضا رمضان‌زاده رئیس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و دبیر کانون صنفی معلمان خراسان شمالی توسط وزارت اطلاعات دولت روحانی اشاره شده است: «محمدرضا رمضان‌زاده دبیر انجمن صنفی معلمان خراسان شمالی که ریاست دوره‌ای شورای هماهنگی را عهده‌دار است در

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان یک روز پس از پایان اعتصاب دو روزه آموزگاران در سراسر ایران با صدور بیانیه‌ای، موفقیت آموزگاران در برگزاری اعتصاب دو روزه را تبریک گفته و هشدار داده است اگر روند فشار بر فعالان صنفی ادامه یابد، آموزگاران به برگزاری دور تازه‌ای از اعتراضات فراخوانده می‌شوند.  
در این بیانیه همچنین به بازداشت محمدرضا رمضان‌زاده رئیس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و دبیر کانون صنفی معلمان خراسان شمالی توسط وزارت اطلاعات دولت روحانی اشاره شده است: «محمدرضا رمضان‌زاده دبیر انجمن صنفی معلمان خراسان شمالی که ریاست دوره‌ای شورای هماهنگی را عهده‌دار است در

● **یک مقام مسئول در ایران می‌گوید با توجه به تحریم‌ها گردشگران خارجی نگرانند اگر مهر ایران در پاسپورت آنها زده شود از مرادوات آنها با آمریکا جلوگیری شود.**  
● **علت عدم اعلام رسمی این خبر توسط دولت و نهادهای مسئول چیست؟ آیا مقامات مسئول اروپایی از این اقدام تهران مطلع‌اند؟**

رئیس انجمن دفاتر مسافرتی ایران اعلام کرده با توجه به اینکه توریست‌های برخی از کشورهای اروپایی دغدغه در نشدن مهر ویزیای ایران در پاسپورتشان را دارند، این موضوع برای آنها «عملیاتی» شد!  
حرم‌الله رفیعی با اعلام این خبر به اینستاگرام نوشت: «این اقدام هنوز تأثیری در افزایش ورود گردشگران خارجی به ایران نداشته» و تأثیر درج نشدن مهر ویزیای پاسپورت گردشگران چند ماه طول خواهد کشید.  
جمهوری اسلامی در حالی تصمیم گرفته مهر ویزای پاسپورت اروپایی‌ها را از مهر ویزیای بسیاری از کشورهای دنیا در پاسپورت افراد یک اعتبار محسوب می‌شود! به عنوان مثال اعتبار محسوب می‌شود! به عنوان مثال اعتبار محسوب می‌شود! به عنوان مثال اعتبار محسوب می‌شود! به عنوان مثال اعتبار محسوب می‌شود!

او توضیح داده «این اقدام هنوز تأثیری در افزایش ورود گردشگران خارجی به ایران نداشته» و تأثیر درج نشدن مهر ویزیای پاسپورت گردشگران چند ماه طول خواهد کشید.  
جمهوری اسلامی در حالی تصمیم گرفته مهر ویزای پاسپورت اروپایی‌ها را از مهر ویزیای بسیاری از کشورهای دنیا در پاسپورت افراد یک اعتبار محسوب می‌شود! به عنوان مثال اعتبار محسوب می‌شود! به عنوان مثال اعتبار محسوب می‌شود! به عنوان مثال اعتبار محسوب می‌شود! به عنوان مثال اعتبار محسوب می‌شود!

## شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان نسبت به ادامه فشار بر آموزگاران هشدار داد



شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان یک روز پس از پایان اعتصاب دو روزه آموزگاران در سراسر ایران با صدور بیانیه‌ای، موفقیت آموزگاران در برگزاری اعتصاب دو روزه را تبریک گفته و هشدار داده است اگر روند فشار بر فعالان صنفی ادامه یابد، آموزگاران به برگزاری دور تازه‌ای از اعتراضات فراخوانده می‌شوند.  
در این بیانیه همچنین به بازداشت محمدرضا رمضان‌زاده رئیس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و دبیر کانون صنفی معلمان خراسان شمالی توسط وزارت اطلاعات دولت روحانی اشاره شده است: «محمدرضا رمضان‌زاده دبیر انجمن صنفی معلمان خراسان شمالی که ریاست دوره‌ای شورای هماهنگی را عهده‌دار است در

## جشنواره سینمایی سلیمانیه در تسخیر سینماگران ایرانی



ویدئو

«برای دیدن ویدئوهای روی عکس ها کلیک نموده و به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

جشنواره که ۱۶ اکتبر به پایان  
احمد رفت گزارشی از این خواهد رسید، تهیه کرده است.

با ۲۶ فیلم بلند و کوتاه، داستانی، مستند و انیمیشن، سینماگران ایرانی در سومین جشنواره سینمایی سلیمانیه در اقلیم کردستان عراق شرکت دارند. رضا درمیشیان، شهپیار اسدی و حسن نقاشی نیز در هیئت‌های داوران این جشنواره حضور دارند. سومین جشنواره بین‌المللی سینمایی سلیمانیه، در اقلیم کردستان عراق، میزبان ۲۶ فیلم بلند و کوتاه، مستند، داستانی و انیمیشن از سینماگران ایرانی است. در هیئت‌هایی که باید بهترین‌های چهار بخش این جشنواره را که ۱۰ اکتبر آغاز به کار کرده است انتخاب کنند، سه سینماگر ایرانی، رضا درمیشیان کارگردان، شهپیار اسدی فیلمبردار و حسن نقاشی مستندساز، حضور

## منیژه حکمت: ساز و کاری بنیاد نهاده‌اید که فساد می‌زاید و سینما را نابود می‌کند



منیژه حکمت کارگردان و تهیه‌کننده سینما

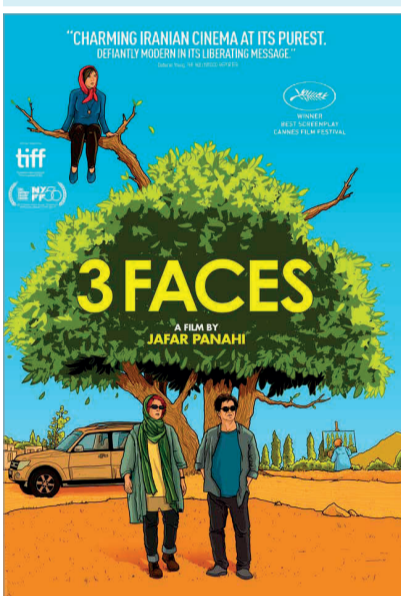
او در این باره نوشته: «مسئله ظهور یک روند معیوب و فسادآور است که باعث شده فیلم‌های جدی ما در محاق قرار بگیرند. این شما را به فکر نمی‌اندازد؟ نمی‌خواهید فکری به حال این موضوع بکنید؟ از من می‌خواهید مدرک ارائه کنم. چه مدرکی؟ که چه چیزی را بر شما ثابت کند؟ روابط ناسالم پخش و اکران را؟ شما تبعات تصمیم‌های این شوراها را نمی‌بینید؟ عوارض این نابرابری و به حاشیه راندن سینمای جدی را مشاهده نمی‌کنید؟»

کارگردان «جاده قدیم» همچنین اضافه کرده است: «فرض کنید من مدرکی بیاورم که نشان دهد سالی را ناروا از من گرفته‌اند یا فیلم مرا در ستان‌های مرده نمایش داده‌اند، آنوقت شما چه می‌کنید؟ یک نمایش در یک سینمای خوب به من صدقه می‌دهید؟ اینطور عدالت برقرار می‌شود؟» وی در نامه خود خواستار پایان این روند شده و نوشته: «این نمایش مضحک ارائه مدارک و اسناد را تمام کنید. پول فاسد سینما را فرا گرفته، آیا شما مدرکی دارید؟ سینما به نفع یک جریان انحصارطلب مصادره شده است. آیا سندی وجود دارد؟ اگر همچنان برای بهبود اوضاع منتظر سند و مدرک هستید، به شما بگویم بیهوده به انتظار نشسته‌اید. سندی وجود ندارد و اگر هم باشد، قطعاً دست امثال من به آن نمی‌رسد.»

منیژه حکمت کارگردان و تهیه‌کننده سینما در نامه‌ای سرگشاده‌ای به مسئولان سینمایی از ظهور یک روند معیوب و فسادآور در اکران فیلم‌ها ابراز نگرانی کرده و نوشته است و مدرکی برای اثبات این فساد وجود ندارد و یا اگر وجود دارد قطعاً دست امثال او به آن نمی‌رسد.

حالا دیگر سینمای ایران چنان درگیر فساد مالی و باندهای پیچیده شده که تهیه‌کنندگان قدیمی، آنها که گفته می‌شد دستی بر آتش دارند نیز لب به شکایت گشوده‌اند و از باندبازی‌های مخوف سینمای امروز جمهوری اسلامی ایران گلایه می‌کنند. این فساد نه فقط در روند تولید بلکه در مناسبات اکران نیز گریبان سینماگران مستقل و بی‌بهره از رانت را گرفته و برای داشتن یک اکران منصفانه آثارشان با مشکلات بسیاری مواجه‌اند، چون سینما در تصرف اکران فیلم‌های بساز و بفروش و کمدهای مضحک و سرپالی شده است! منیژه حکمت تهیه‌کننده سینما و کارگردان فیلم «جاده قدیم» در نامه‌ای به مسئولین سینما از اکران نامناسب فیلمش به شدت انتقاد کرده و نوشته که این شورا از او سند و مدرک خواسته تا اثبات کند سالن سینما را از او گرفته‌اند و ستان‌های مرده به فیلمش داده‌اند.

## آقای پناهی، لطفاً از زنان سینماگر ایران دفاع نکنید!



پناهی، دچار عذاب وجدان می‌شود، کار و مسئولیت و قرار فیلمبرداری با منیژه حکمت را فراموش می‌کند و پریشان و مضطرب همراه کارگردان فیلم «تاکسی»، کوه و دشت و دمن را پشت سر می‌گذارد تا به ده زادگاه مرضیه برسد و احتمالاً او را از مرگ نجات دهد.

پناهی شخصیت این هنرپیشه پرکار را که دست‌کم تجربه بازی در ۴۰ فیلم سینمایی و اجرای نقش در بیش از ۳۰ سریال تلویزیونی را در کارنامه خود دارد، تا حد یک شاگرد مدرسه ناوارد

سینما تقلیل داده و او را به تصویری کلیشه‌ای از زن بدل کرده است: جعفری در طول فیلم نه نظریه فنی حرفه‌ای (که برای پیشبرد داستان ضروری است و همیشه از سوی پناهی مطرح می‌شود) عنوان می‌کند و نه ذره‌ای هوش، درایت و ابتکار از خود نشان می‌دهد. اغلب دیالوگ‌های او با این جمله شروع می‌شود: «آقای جعفری! حالا این (فیلم ویدئو) واقعه یا نیست؟ آقای پناهی حالا چی کار کنیم؟ آقای پناهی بریم؟ برگردیم؟...»

تنها موردی که بهناز جعفری مستقل عمل می‌کند، هنگامی است که به نقشه‌ی صحنه‌سازی ویدئویی مرضیه مزور پی می‌برد و در نقش یک پلنگ وحشی با مشت و لگد و ناسزا و توهین، به جان همکار احتمالی آتی خود می‌افتد و سرانجام او را زخمی و خون‌آلود میان مزرعه‌های رها می‌کند، بدون آنکه به توضیحات، درخواست‌ها، ضجه‌ها التماس‌هایش ترتیب اثر داده باشد. در واقع بهناز جعفری در فیلم، کاری که برادر مرضیه قصد انجام آن را داشته، عملی می‌سازد؛ اینکه خواهرش را «به محض اینکه پناش به خونه رسید، لت‌وپار» کند.

این رُخ عصبی و بی‌منطق، هر چند بعدتر از کار خود پشیمان می‌شود، ولی تنها در پی نصیحت کارگردان پرعاطفه در صدد دلجویی از مرضیه برمی‌آید. او به رخ دوم می‌گوید: «حالا که برمی‌گردیم حسابی از دلش درآر.» ادامه در صفحه ۱۷

مردی دهاتی که در قهوه‌خانه کنارش نشسته، او را «روشن می‌کند». شهرزاد در فیلم‌نامه‌ی کیمیایی، سهیلا فردوس نام دارد و نقش «زنی بدنام» را بازی می‌کند. در فیلم «سه رُخ» صدای یک سینماگر زن نام‌آشنای دیگر نیز شنیده می‌شود: منیژه حکمت، کارگردان کارآمدی که بهناز جعفری در فیلم بدون خبر او را «قال گذاشته» و برنامه فیلمبرداری آخرین صحنه فیلمش را در هم می‌ریزد.

### رُخ اول: دروغگو و تزویرگر در «کات حرفه‌ای» کارگردان

حلقه‌ی واسطه‌ی این جمع نامنجم، مرضیه رضایی است که به عنوان زنی دروغگو و مزور معرفی می‌شود. او با دوربین یک گوشی، از صحنه‌ی خودکشی خود فیلم می‌گیرد و آن را از طریق جعفری پناهی با کمک منیژه حکمت برای بهناز جعفری می‌فرستد.

در این ویدیو مرضیه که در کنکور سینما قبول شده، پیش از آنکه خود را در غاری با طنابی آویخته به یک تکه چوب پوسیده و نازک حلق‌آویز کند، از بهناز جعفری گله می‌کند که درخواست‌های قبلی او را بی‌پاسخ گذاشته است. او در پیام‌های پیشین خود از جعفری به عنوان هنرپیشه‌ای موفق که شهره‌ی خاص و عام است، خواسته بود که با خانواده‌اش تماس بگیرد و آنان را متقاعد سازد تا اجازه‌ی تحصیل در رشته‌ی مورد علاقه‌اش سینما را به او بدهند. از آنجا که جعفری به این درخواست‌ها بی‌اعتنا مانده، مرضیه تصمیم می‌گیرد خود را دار بزند! جعفری پناهی با دریافت این ویدیو، کنجکاو می‌شود و راه زادگاه مرضیه را که دهی دور دست در شمال غربی ایران است، در پیش می‌گیرد تا از واقعیت ماجرای خودکشی دانشجوی ناکام سر در بیاورد.

او به عنوان کارگردانی کارکشته مطمئن است که ویدیو، واقعی است: «نه، این نمی‌تونه صحنه‌سازی باشه. کات آخرش خیلی حرفه‌ایه.»

### رُخ دوم: ناوارد و وحشی

رُخ دوم فیلم یعنی بهناز جعفری به محض دریافت خبر از سوی

بهجت امید - فیلم «سه رُخ»، چهارمین اثری است که جعفری پناهی، کارگردان ایرانی، آن را «بدون مجوز» ساخته و روانه‌ی جشنواره‌های اروپایی کرده است. این فیلم برای نخستین بار در فستیوال کن سال ۲۰۱۸ به نمایش درآمد و جایزه‌ی فیلم‌نامه‌ی برتر را از آن خود ساخت. دومین اکران «سه رُخ» در چارچوب جشنواره‌ی فیلم شهر کلن در اکتبر به نمایش درآمد. این فیلم که با امکانات بسیار محدودی ساخته شده، قرار است به زودی به سینماهای آلمان راه یابد. پناهی در این اثر، برای اولین بار به مسائل زنان و جایگاه آنان در سینمای ایران پرداخته است. اغلب فیلم‌های این دستیار پیشین کارگردان زنده‌یاد عباس کیارستمی، روابط و مناسبات نابسامان اجتماعی - سیاسی در ایران را به تصویر می‌کشند.

### رُخ‌های واقعی

پناهی در فیلم تازه‌ی خود وضعیت سینماگران زن ایران را در گذشته، حال و آینده دستمایه قرار می‌دهد. او با بازتاباندن شرایط کنونی آنان، جایگاهی را که در نظام پیشین داشتند، مطرح می‌کند و سرانجام مرتبه‌ای که احتمالاً در آینده کسب خواهند کرد را رقم می‌زند. نمایندگان این ۳ نسل، به نام‌های مرضیه (مرضیه رضایی - رُخ اول)، بهناز جعفری (رُخ دوم) و شهرزاد (رُخ سوم)، شخصیت‌هایی واقعی هستند: مرضیه در دهی دورافتاده در آذربایجان زندگی می‌کند و سودای بازیگر شدن را در سر می‌پروراند. بهناز جعفری، هنرپیشه‌ای سرشناس و موفق است که با وجود بیماری همچنان در عرصه سینما حضوری فعال دارد. شهرزاد نیز که نام هنری کبری سعیدی است، در سینمای زمان شاه از جمله در فیلم‌هایی چون «قیصر» و «دانش‌آکل»، ساخته‌ی مسعود کیمیایی، هنرنمایی کرده است. فیلم بلندی با عنوان «مریم و مانی» نیز به کارگردانی او در سال ۱۳۵۹ به نمایش درآمد. البته پناهی در فیلم خود، این هنرپیشه را که حضور نیمه‌برهنه و رقص‌اش در «قیصر» در سال ۱۳۴۸ جنجال‌برانگیز شد، به یاد نمی‌آورد و

## آنا برنز برنده جایزه من بوکر شد



آنا برنز و کامیلا دوشس کورنوال

هستند و با عنوان خاص از آنها یاد می‌شود.

کوندم آنتونی اپیگ فیلسوف و رئیس هیات داوران این دوره از جایزه «من بوکر» در بیانیه‌ای گفت: «هیچ‌کدام از ما تا به حال چنین کتابی را قبلاً نخوانده‌ایم. آنا برنز کاملاً متمایز به چالش‌های متداول تفکر را شکل می‌دهد و در نثر غافلگیر کننده است.»

در ادامه این بیانیه آمده که «این داستانی از خشونت، تجاوز جنسی و مقاومت است، با طنزی تلخ در جامعه‌ای که علیه خود دسته‌بندی شده است. این رمان کاوش می‌کند

آنا برنز نویسنده‌ای از ایرلند شمالی جایزه «من بوکر» در سال ۲۰۱۸ را برای رمان «مرد شیری» دریافت کرد. این نخستین بار است که نویسنده‌ای از ایرلند شمالی این جایزه را از آن خود می‌کند.

آنا برنز نویسنده‌ی اهل ایرلند شمالی جایزه «من بوکر» سال ۲۰۱۸ را برای سومین رمان بلندش «مرد شیری» دریافت کرد. مهمترین جایزه ادبیات انگلستان در گیلدهال در لندن توسط کامیلا، دوشس کورنوال همسر پرنس چارلز به وی اهدا شد.

آنا برنز اولین نویسنده ایرلند شمالی است که جایزه «من بوکر» شامل ۵۰ هزار پوند را بدست آورد. داستان این کتاب درباره دختر جوانی است که توسط یک مرد مورد آزار جنسی قرار گرفته است.

سومین رمان این نویسنده ۵۶ ساله توسط یک دختر ۱۸ ساله ناشناس به نام خواهر وسطی نقل می‌شود که توسط یک شبه نظامی با عنوان «مرد شیری» تعقیب می‌شود. شخصیت‌های این کتاب بی‌نام

### «مرد شیری» روایتی از تجاوز، خشونت و اختلافات فرقه‌ای در کشور ایرلند شمالی است.

### شخصیت‌های این کتاب بی‌نام هستند و داستان نیز در شهری نامعلوم می‌گذرد.

به این دلیل نیز قربانی توهین‌های رکیکی شدم که معمولاً به‌پایان را در شبکه‌های اجتماعی هدف می‌گیرد. یک حساب توییتر عکس مرا در کتاب سال دبیرستانم منتشر کرد و نامه‌ام به یک سردبیر در سال ۱۹۹۱ را پیدا کرد که در آن به جنگ خلیج فارس اعتراض کرده بودم. او اینها را شاهدهی بر این دانسته بود که من زمانی خوب و یک دختر معصوم بوده‌ام، قبل از آنکه توسط بودجه آمریکا فاسد شوم! خبرگزاری مشرق در داخل ایران همین عکس را منتشر کرد و این حساب توییتر را «منبع» عکس معرفی نمود. تابناک، وبسایتی که متعلق به محسن رضایی است، همان ویدئوی دستکاری شده را پخش کرد. صفحه‌ی ویکی‌پدیای من هم دستکاری شد و همگی مرا به عنوان حامی تهاجم نظامی آمریکا معرفی کردند.

«توانا»، مرکزی که من آن را تأسیس کرده و مدیریت می‌کنم نیز مورد حمله قرار گرفت چون از دولت آمریکا بودجه دریافت می‌کند. ما کاملاً در این زمینه شفاف و قهرمان این کمک مالی از زمان تأسیس در سال ۲۰۱۰ بوده‌ایم. با این وجود، این مسئله مانع از این ترواها نشد که وانمود کنند که گویا به کشف راز رسواکننده‌ی نائل آمده‌اند. حسین درخشان، پژوهشگر مرکز شورش‌نشین در دانشگاه هاروارد، که در میان مخالفین دموکراسی خواه ایرانی به همکاری با دستگاه اطلاعاتی حکومت ایران معروف است، در حساب خودش صورتحساب مالیاتی ۵۰۱ سی مؤسسه ما را به عنوان سند فساد ما منتشر کرد!

از وقتی کارزار بدنام کردن من دور بیشتری گرفت، حساب‌های توییتری که چند روز از باز شدن آنها نمی‌گذشت و فقط چند دنبال‌کننده داشتند دست به فشار نخبگان ایرانی که برخی در «توانا» تدریس کرده بودند زدند. آنها توانستند برخی روشنفکران من تراراضی یا با تهدید مجبور به محکوم کردن سخنرانی من و «توانا» حذف کنند، در میان این افراد مهرانگیز کار فعال حقوق بشر، و محمدرضانیکفر محقق دیده می‌شوند! مخالف باسابقه‌ی جمهوری اسلامی، حشمت‌الله طبرزدی هم به این موج خشم پیوست اما بعد از اینکه دریافت ماجرا از چه قرار است مطالبش در این زمینه را حذف کرد. و بالاخره نخبگان جمهوری اسلامی وارد ماجرا شدند و هنگامی که مصطفی تاجزاده، لات انقلابی که حالا «اصلاح‌طلب» شده، ویدئوی دستکاری شده را منتشر نمود و ادعا کرد من چهره‌ی طرفدار ترامپ هستم که به دلیل منافع شخصی از تهاجم آمریکا دفاع می‌کنم، تعدادی از فعالین برجسته و روشنفکران لیبرال در دفاع از من قلم به دست گرفتند اما تعدادشان اندک و پراکنده بود.

آنچه بیش از همه در مورد این اتفاق هشداردهنده است میزان تأثیرگذاری آن است آنهم با اینکه نسخه‌ی دستکاری نشده‌ی این ویدئو به صورت آزاد در اینترنت موجود و در دسترس است! حقیقت اما همیشه دیر یا زود در میان غبار سنگین دروغ و کذب پدیدار خواهد شد. هدف کارزارهای شبکه‌های اجتماعی مثل آنهایی که توسط رژیم ایران اجرا می‌شوند وادار کردن مخالفین به سکوت است، و هنگامی که بطور گسترده پخش می‌شوند، می‌توانند کاملاً کارا و مؤثر باشند. تحمل یک توفان ضد اطلاعاتی در شبکه‌های اجتماعی که توسط حکومت حمایت می‌شود بسیار دشوار است. بدنام کردن مخالفین در کل به حمله‌ای وحشیانه علیه شهرت و اعتبار هر کسی که به این کارزار اعتراض کند می‌انجامد. با این وجود، اگر قرار است با چنین کارزارهایی مقابله و علیه‌شان مقاومت کرد، باید آنها را شناخت و افشا کرد. تنها آن زمان است که مبارزه برای ارزش‌های لیبرال و جامع آزاد علیه استبداد می‌تواند ادامه داشته باشد.

\*مریم معمار صادقی یکی از مؤسسين و مدیران توانا آموزش‌شده جامعه مدنی ایران است. او مدافع ارزش‌های لیبرالیسم، حقوق زنان، آموزش مدنی، و آزادی اینترنت بخصوص در جوامع اسلامی است.

\*منبع: Quillette  
\*ترجمه‌ی فارسی بطور اختصاصی در اختیار کیهان لندن قرار گرفته است.



## نکاتی در باب حمله‌های سایبری توسط عوامل دولتی سرکوبگر

ایران بیش از هر زمان دیگری نگران بقای خویش است. اندکی پس از این مصاحبه با بی‌بی‌سی، کارزار دومی از ضد اطلاعات توسط ارتش سایبری جمهوری اسلامی شروع شد که من هدف اصلی آن بودم. ابتدا ترواها و بات‌ها روی این مصاحبه تمرکز کردند. توهین‌ها و حملات از نوعی بود که بدانها عادت داشتیم. اما بعدتر تعدادی از حساب‌ها یک بخش ویرایش شده از یک سخنرانی سال ۲۰۱۵ من در اجتماع سالانه به‌پایان را منتشر کردند. با ترکیب سخنرانی من و اتهام‌ها و برجسب‌هایی، این حساب‌های توییتری آتشی را شعله‌ور کردند که تمام شبکه‌های اجتماعی را در بر گرفت. حجم زیادی از پیام و منش در یافت کردم که مرا جنگ‌طلب مزدور، خائن آمریکایی، و بدبخت و بیچاره نامیدند!

حال آنکه موضوع سخنرانی من در اجتماع به‌پایان «صلح» بود! صحبت من متمرکز بر جنگ عادلانه و مداخله‌ی بشردوستانه بود. در آن سخنرانی من استدلال کردم که نبود صلح واقعی نشده است، و برآیند برخی از جنگ‌ها - مثل جنگ جهانی دوم یا جنگ داخلی آمریکا - می‌تواند باعث تغییرات بزرگی در آزادی و پیشرفت بشر بشود. ما همه دارای وظیفه‌ای هستیم که به وجدان‌مان گوش کنیم و نظاره‌گر نسل‌کشی یا وقوع جرایم علیه بشریت نباشیم. گاهی مداخله‌ی نظامی توسط دولت‌های آزاد می‌تواند به کشتار جمعی پایان دهد.

تمرکز و تأکید سخنرانی من بر ارزش صلح واقعی بود. در آن سخنان من هرگز به سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران اشاره نکردم، و تنها موقعی به ایران اشاره کردم که از شرم خود از عدم دفاع از حقوق به‌پایان سخن گفتم. من متوجه این موضوع بودم که بر عواقب جنگ حتی در شرایطی که موجبه شمرده می‌شود نیز تأکید کنم. با این وجود، نسخه‌ی دستکاری و تحریف شده بطور هدفمند به گونه‌ای ارائه شد که من مشوق تهاجم آمریکا هستم!

در عرض چند ساعت، تعداد بی‌شماری در توییتر این ویدئوی دستکاری شده را بازنشر کردند و هشتگی برای اسم من طراحی کردند که مرا به جنگ‌طلبی متهم می‌کرد. برخی از اینها از بقیه خلاق‌تر بودند و جلوه‌های بیماری نیز به آن می‌افزودند. بقیه تهیه‌ی به‌خشونت و همچنین توهماتی خیالی علیه من پخش می‌کردند، مثلاً همکاری داوطلبانه‌ام برای کمیتة نجات بین‌المللی در کوزووا را جاسوسی برای آمریکا قلمداد کردند. بسیاری گمان کردند که من بهایی هستم و

من نیز به بی‌بی‌سی فارسی دعوت شدم تا درباره رشته توییتم بحث کنم که در آنها توجه مخاطبان را به ماهیت گزارش الجزیره و بازنشر زیاد آن جلب کرده بودم. در این برنامه من با یک پژوهشگر ساکن تهران بحث کردم که ادعای الجزیره را تکرار می‌کرد: هشتگ‌های ضد رژیم که خواسته‌هایی دموکراتیک دارند عملیات‌های مخفی هستند که منعکس‌کننده‌ی خواسته‌ی مردم نیستند. این فرد تذکر ظریف به توییتر را ستود و از ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی توسط حکومت ایران دفاع کرد به این دلیل که حاوی گفتمانی ناسالم هستند! این ادعای او در حالیتی که رهبر و مسئولین دیگر نظام همچون ظریف از همین رسانه‌ها به نفع خود استفاده می‌کنند.

در یک مباحثه‌ی داغ با او این موضوع



مریم معمار صادقی

را مطرح کردم که استفاده‌ی ایرانیان از توییتر و دیگر شبکه‌ها، حکومت را با چالش جدی همزمان با حضور بی‌سابقه‌ی خیابانی مردم معترض مواجه می‌کند. من نشان دادم چطور قابل تصور است که یک رژیم تمامیت‌خواه به دنبال سانسور، تحریف، ایجاد تردید و مشروعیت‌زدایی از قدرت بیان و اعتراض در شبکه‌های اجتماعی باشد. همچنین تأکید کردم که این دروغ‌ها در ارتباط با فعالیت ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی بیانگر دروغ اساسی‌تری از سوی حکومت ایران است و آن این ادعاست که انگار مردم ایران کاملاً راضی هستند که در یک دین‌سالاری فاسد و سرکوبگر زندگی کنند و هیچ علاقه‌ای به سرنگون کردن آن هم ندارند! تحریف هدفمند نارضیاتی عمومی هم برای مخاطبان فارسی‌زبان و هم انگلیسی‌زبان نشان‌دهنده‌ی تلاشی‌ست برای تحمیل ایرانیان و تسلیم آنان آنهم در شرایطی که رژیم

محققین و گزارشگران آمریکایی نیز همزمان شروع به تبلیغ این گزارش الجزیره کردند! حتی شگفتی‌آور است که گلناز اسفندیاری گزارشگر رادیو «اروپای آزاد» نوشت که این گزارش «همان چیزی را تأیید کرد که خیلی از ما مدت‌ها به آن شک کرده بودیم!» اسفندیاری روزنامه‌نگاری قابل احترام در یک رسانه‌ی افتخارآمیز دولت آمریکا است و به همین علت خام دستی‌اش بطور ویژه دل‌سردکننده است. هدف رادیو «اروپای آزاد» گفتن حقایق به مردم‌نایست که تحت سانسور حکومتی زندگی می‌کنند و در طی جنگ سرد برای خود شهرت و سابقه‌ای با افتخار در مقابله با پروپاگاندا‌ی شوروی ایجاد کرد. با اینهمه، گزارشگر همین رسانه در شرایط کنونی ترجیح می‌دهد بدون

اشاره‌ی نمی‌کند. در حقیقت گزارش حاوی هیچ گفتگویی با فعالین حقوق بشر ایرانی نیست.

کارشناسانی که در این برنامه‌ی الجزیره صحبت کردند، یکی تریتا پارسا از ناپاک بود و دیگری آزاده معاونی روزنامه‌نگار که مثل همیشه هر دو روایت حکومت را بازگو کردند. گزارشگر این برنامه هم ویل یانگ بود که خود پیشتر برای تلویزیون دولتی ایران کار می‌کرد. این گزارش در مورد بات بودن کاربران ضد رژیم هیچ مدرکی ارائه نکرد و ادعایش کاملاً بر اساس حدس و گمان بود. مثلاً مارک اوون جونز استاد تاریخ خاورمیانه در دانشگاه اکستر، در این برنامه ادعا می‌کند که تعداد زیادی از حساب‌های مخالفین در یک دوره‌ی چهار ماهه ثبت شده‌اند، و این زمانبندی مشکوک، به گمان او، شاهدهی برای این است که این حساب‌ها جعلی هستند! او هیچ مدرکی در اثبات این ادعا ارائه نکرد و اصلاً لازم ندید که ادعای خود را مستند کند.

بر اساس شواهد، یک توضیح منطقی در مورد این افزایش ناگهانی کاربران در چهار ماه یادشده وجود دارد. در این چهار ماه که جونز به آن اشاره می‌کند، حامیان روحانی در انتخابات ریاست جمهوری به توییتر هجوم آوردند تا برای گزینش مجدد کاندیدای مورد نظرشان تبلیغ کنند. پس از آن، بسیاری از همین ایرانیان به توییتر و خیابان‌ها آمدند تا ناامیدی‌شان از روحانی و «معتدلین» خودخوانده را ابراز کنند زیرا در برآورده ساختن وعده‌هایشان شکست خورده‌اند و وضع اقتصادی مردم نیز بدتر شده است. تمام این ناکارآمدی‌ها با وجود توافق هسته‌ای ایران و سرازیر شدن دلار به جیب این رژیم بوده است. به عبارت دیگر، واقعاً لازم نیست به توهمات و تئوری‌های توطئه همچون هجوم ترواها متوسل شویم تا حضور فعال نه چندان عجیب کاربران ایرانی در توییتر را هنگام انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ و چرخش قابل پیش‌بینی آنها علیه رژیم را توضیح دهیم.

کاملاً روشن است که گزارش الجزیره بخشی از تبلیغات رسانه‌ای و پروپاگاندا‌یی بوده که در پی آن است که مخالفین دموکراسی خواه ایرانی را در اوج بسیج مدنی‌شان و همزمان با سقوط ریال، بی‌اعتبار نشان دهد. این مسئله که این گزارش بلافاصله پس از انتشار توسط طریق در توییتر بازنشر شد خود - حداقل در میان روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و ناظران مسائل ایران - تعجب‌برانگیز است.

هدف کارزارهای شبکه‌های اجتماعی مثل آنهایی که توسط رژیم ایران اجرا می‌شوند وادار کردن مخالفین به سکوت است، و هنگامی که بطور گسترده پخش می‌شوند، می‌توانند کاملاً کارا و مؤثر باشند. تحمل یک توفان ضد اطلاعاتی در شبکه‌های اجتماعی که توسط حکومت حمایت می‌شود بسیار دشوار است. بدنام کردن مخالفین در کل به حمله‌ای وحشیانه علیه شهرت و اعتبار هر کسی که به این کارزار اعتراض کند می‌انجامد. با این وجود، اگر قرار است با چنین کارزارهایی مقابله و علیه‌شان مقاومت کرد، باید آنها را شناخت و افشا کرد. تنها آن زمان است که مبارزه برای ارزش‌های لیبرال و جوامع آزاد علیه استبداد می‌تواند ادامه داشته باشد.

مریم معمار صادقی - هنگامی که توییتر بالاخره تصمیم گرفت حساب‌های بی‌شمار بات‌هایی (روبات‌های اینترنتی) را ببندد که گردش و امنیت اطلاعات را به مخاطره می‌انداختند، نتیجه‌ی آن در فالوورهای رهبران و زمامداران حکومت‌های سرکوبگر با کاهش فوری آنها مشاهده شد. تقریباً همزمان محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در توییتر از توییتر خواست تا کاربرانی را که با هشتگ تغییر رژیم در ایران (#IranRegimeChange) فعالیت می‌کنند محدود کند.

این هشتگ - و چند هشتگ دیگر - از دی‌ماه گذشته مورد استقبال کاربران قرار گرفته است. از همان زمانی که ایرانیان در سراسر کشور دست به تظاهرات، اعتصابات و مقاومت مدنی در برابر رژیم زدند. این اعتراضات گسترده‌ترین و پایدارترین قیام علیه استبداد مذهبی حاکم بر ایران از به قدرت رسیدن این حکومت در ۱۳۵۷ بوده است. حالا، همانطور که انتظار می‌رفت، ظریف ناگهان حساب‌های ضد رژیم را جعلی می‌خواند! او نه تنها از حساب‌های جعلی بسته شده توسط توییتر دفاع می‌کند، یعنی همان بات‌ها و کاربران «فیک» که دنبال‌کنندگان خود ظریف و دیگر سران رژیم بوده‌اند، بلکه حتی آنها را ایرانیان واقعی می‌نامد که قربانی این کمپانی آمریکایی شده‌اند.

در واکنش به این ادعای وزیر خارجه جمهوری اسلامی، شهروندان ایران با هشتگ ظریف یک دروغگوست (#ZarifIsALiar) به او پاسخ دادند و او را که مسئول اصلی پروپاگاندا‌ی بین‌المللی حکومت است با هشتگ من یک بات نیستم (#WeAreNotBots) به سخره گرفتند. اما هشدار که ظریف در برابر چشم همه به مدیر توییتر جک دورسی داد یک اقدام تصادفی نبود. در نگاهی دقیق، این حرکت بیشتر شبیه پیش‌درآمد دور جدیدی از جنگ اطلاعاتی است که از تاکتیک‌های معمول کمپین‌های ضد اطلاعاتی به نفع رژیم بهره می‌برد: تکنیک‌های انکار، رد، تحریف، و منحرف کردن. این تاکتیک‌ها بطور مؤثری توانست بعضی از نمایندگان نهادهای خوشنام آمریکایی را به دام بیناندازد، افرادی که انتظار می‌رود این روش‌ها را بهتر بشناسند.

توییت ظریف حاوی گزارش مغرضانه‌ی الجزیره بود که آشکارا از این ادعا حمایت می‌کند که کاربران ضد رژیم (ولاش اینترنتی) هستند که توسط عوامل حامی ترامپ و سازمان مجاهدین خلق کنترل می‌شوند. این گزارش به خود زحمت نمی‌دهد به همزمانی بحران‌های متعددی که تمامیت‌جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند اشاره‌ای کند. این گزارش حتی به این واقعیت که بیشتر فعالین ایرانی مجبورند از ترس سرکوب هویت‌شان را مخفی کنند، یا فعالین شجاعی که با نام واقعی خود از داخل ایران فعالیت می‌کنند، نیز هیچ

## تجمع اعتراضی دانشجویان همزمان با حضور روحانی در دانشگاه تهران: صدامون را بریدن، بارای مومون پز می دن!



سخت باشد. من هم وقتی در روزنامه و فضای مجازی چند انتقاد می خوانم می گویم امروز بس است و آن را کنار می گذارم. چون هم وقت بیشتری ندارم و هم نقد بیش از حد می تواند مفید نباشد.

حسن روحانی که به نظر می رسد دیگر حتی قادر به بیان سخنانی، که نشاندهنده برنامه های ولو ناکارآمد باشد، نیست گفت: «ما از این راه عبور خواهیم کرد. حتی اگر غصه زیاد بخوریم باز عبور می کنیم. خوشحال هم که باشیم باز رد می شویم. امید داشته باشیم یا ناامید باشیم باز از این شرایط عبور خواهیم کرد. منتها اگر در انتظار شرایط بهتر و روزهای بهتر باشیم ساده تر و کم هزینه تر از این مسیر عبور می کنیم.»

حسن روحانی همچنین مدعی شد که جمهوری اسلامی در ماه های گذشته توانسته آمریکا را شکست دهد. «در بسیاری از جاها ما می توانیم آمریکا را شکست دهیم. کسی ممکن است بگوید آقا چرا شعار می دهید، آمریکا ابرقدرت است و این همه نفوذ دنیا دارد، شما که یک کشور در حال رشد و توسعه هستید چطور آمریکا را شکست می دهید؟ خب من از شما سؤال می کنم از لحاظ سیاسی در این چند ماه آمریکا شکست خورده است یا پیروز بوده در برابر جمهوری اسلامی ایران. این نه قضاوت من یا شما بلکه قضاوت جهان است.»

رئیس دولت دوازدهم در بخش دیگری از سخنانش مردم و توطئه های خارجی را مسئول بحران کنونی اقتصادی کشور دانست و گفت: «مدام دوربین ها می روند از قفسه های خالی عکس می گیرند در حالی که این قفسه های برای تامین مایحتاج یک ماه مردم بوده است و در سه روز خالی شده است در حالی که دوباره آن کالاها باید تامین شوند. چه کسی این کارها را انجام می دهد آیا مشکل از دولت است یا مردم و یا از توطئه های خارجی. البته من قصد ورود به این مسئله را ندارم!»

روحانی در دروغ دیگری را به کارنامه دروغ هایش اضافه کرد و بدون اشاره به فیلتر شدن تلگرام در دولتش گفت دولت او فضای مجازی را ایجاد کرده است: «این فضای مجازی ضمن همه خوبی هایی که دارد دولت یازدهم و فضای دوازدهم این فضا را ایجاد کرد، یعنی فضای باز مجازی را خود ما دنبال بودیم که به خاطر علم و دانشگاه دنبالش بودیم.»

جالب اینکه روحانی بدون اشاره به دانشجویانی که در ماه های گذشته بازداشت، زندانی و محروم از تحصیل شدند و حتی بدون اشاره به جو امنیتی شدیدی که امروز و همزمان با حضور او در دانشگاه تهران برقرار شده بود گفت: «دانشگاه امن می خواهیم دانشگاه امنیتی نمی خواهیم!»

در مجموع سخنان روحانی شامل تکرار برخی ادعاها و وعده های تکراری و بی عمل پیشین بود و البته برخی جملات بی سر و ته او نشان داد خودش نیز دیگر آمیدی ندارد دولت او و نظام بتواند بحران گسترده سیاسی و اقتصادی سایه انداخته بر کشور را جمع کند و از گسترده شدن اعتراض ها و انتقادات دچار هراس شده است.

و دانشجویانی که قرار بود در سالن سخنرانی حضور پیدا کنند را از پیش انتخاب کرده بودند.

بر اساس گزارش ها در این تجمع دانشجویی، دانشجویان اصلاح طلب نیز که پیشتر به حسن روحانی رای داده و حامی او بودند حضور داشتند. دانشجویان معترض همچنین به راهپیمایی در محوطه دانشگاه پرداختند و شعار سر دادند.

در همین حال فضای امنیتی شدیدی در اطراف دانشگاه تهران از سوی نیروی انتظامی حاکم شده و حرس دانشگاه نیز قدم به قدم داخل محوطه دانشگاه ایستاده بودند.

کیوان سلیمانی دبیر مجمع دانشجویان عدالتخواه دانشگاه تهران در رابطه با حضور حسن روحانی در دانشگاه تهران گفته بود فقط ۲۰ نفر از دانشجویان حق حضور در این مراسم را دارند که به هر یک از تشکل های دانشگاه تنها یک سهمیه داده شده است.

سجاد رئوفی دبیر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران هم در گفتگو با رسانه های داخلی گفته است: «در آستانه حضور آقای رئیس جمهور در دانشگاه تهران شاهد برقراری تدابیر و فضای امنیتی هستیم که با برپایی حفاظهایی جلوی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران این جو امنیتی شدید شده است و کاملاً قابل مشاهده است که آقای رئیس جمهور هیچ اعتمادی به امنیت فضای آکادمیک دانشگاه تهران ندارد.»



حسن روحانی

این فعال دانشجویی همچنین افزوده بود که «واقعا آقای روحانی از چه می ترسد که این همه حفاظ برپا می کنند برای حضور چند ساعته؟ تنها عبارتی که قابلیت وصف فضای دانشگاه است، فضای پادگانی است.»

در این مراسم فرمایشی حسن روحانی مانند همیشه ادعاهای عجیب و غریبی از عملکرد دولت خود و احساس مردم نسبت به دولتش بیان کرد و گفت «ما در دولت یازدهم پیشرفت کردیم.»

او در بخشی از سخنانش مدعی شد: «در سال ۹۲ من انتخاب شده بودم دو ماه دیگر بنا بود دولت را تشکیل دهیم. به محض انتخاب قیمت دلار پایین افتاد، به محض انتخاب بازار آرام شد، به محض انتخاب امیدها بالا رفت!»

روحانی همچنین از منتقدین خود خواست که اگر بخواهند انتقادات خود را به گوش رئیس جمهور برسانند به جای مطرح کردن نظرات انتقادی خود در رسانه ها، آن را در نامه ای به خود منعکس کنند و افزود: «گاهی وقت ها برای انسان ممکن است از لحاظ عاطفی پذیرش انتقاد زیاد

● **برنامه سخنرانی اورهان پاموک در نشر ققنوس و مجله بخارا لغو شد.**

● **«بیکاری، گرانی، جواب بده روحانی»، «دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد» و «صدامون را بریدن، بارای مومون پز می دن» از جمله شعارهای دانشجویان بود.**

● **حسن روحانی در حالی در دانشگاه تهران سخنرانی کرد که تنها چند دانشجویان اجازه یافتند در این سخنرانی حضور پیدا کنند!**

● **روحانی از منتقدین خود خواست که اگر بخواهند انتقادات خود را به گوش رئیس جمهور برسانند به جای مطرح کردن نظرات انتقادی خود در رسانه ها، آن را در نامه ای به وی منعکس کنند.**

تعدادی از دانشجویان تهران امروز و همزمان با سخنرانی حسن روحانی در دانشگاه تهران تجمع اعتراضی برگزار و شعارهایی علیه حکومت سر دادند.

حسن روحانی روز یکشنبه ۲۲ مهرماه با حضور در دانشگاه تهران و در مراسمی به مناسبت آغاز سال تحصیلی دانشگاه ها و مراکز آموزشی

به سخنرانی پرداخت اما همزمان تعداد زیادی از دانشجویان با حضور پشت درهای سالن سخنرانی تجمع اعتراضی برگزار و شعار سر دادند.

دانشجویان معترض همچنین پلاکاردهایی در دست داشتند که نوشته های روی آنها انتقاد به عملکرد دولت روحانی به ویژه در زمینه اقتصاد بود.

«مشکل اقتصادی با سخنرانی حل نمی شود»، «مدیر کاخ نشین درد مردم را نمی فهمند» و «رویکرد اقتصادی غلط مساوی است با افزایش فاصله طبقاتی» از جمله نوشته های روی پلاکاردهای معترضان بود.

دانشجویان با کوبیدن پا بر روی زمین، شعارهایی از جمله «بیکاری، گرانی، جواب بده روحانی»، «دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد» و «صدامون را بریدن، بارای مومون پز می دن» سر دادند.

جالب اینجاست که دست اندرکاران برگزاری این مراسم در دانشگاه تهران از حضور اعضای تشکل های دانشجویی منتقد دولت در نشست سخنرانی روحانی جلوگیری کرده

## زیباکلام: پس از تحریم اوضاع کشور بهتر می شود، مرعشی: مردم آماده ریاضت اقتصادی شوند؛ میرسلیم: دولت دست در جیب مردم می کند



از راست: میرسلیم، مرعشی و زیباکلام

یک روی سکه است. حسین مرعشی عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران در گفتگو با ایلنا هشدار داده دوران سختی پیش روی کشور است و مردم باید برای ریاضت اقتصادی آماده شوند.

مصطفی میرسلیم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، درباره نوسانات اخیر در بازار ارز و تأثیر آن بر قیمت کالاهای اساسی به خبرنگاری مهر گفت: «نابسامانی ارز که منجر به متزلزل شدن ارزش پول ملی شد کاملاً طراحی شده بود و هدف آن رساندن اقتصاد کشور به فروپاشی است.» میرسلیم تأکید کرده «دولت روحانی دست در جیب مردم می کند.»

محمد رضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس می گوید قیمت کالاهای اساسی ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش داشته است. ناصر موسوی لارگانی عضو دیگر این کمیسیون هشدار داده از سال گذشته تا کنون ارزش ریال به یک چهارم خودش رسیده و حقوق بگیران قدرت خریدشان کاهش پیدا کرده و سفره های مردم روز به روز خالی تر می شود.

حشمت الله فلاحت پیشه رییس کمیسیون امنیت ملی پیشنهاد داده برای عبور از بحران با «جریان ضد تحریم» و مخالفان ترامپ در آمریکا مذاکره شود و باید با آنها همکاری کنیم.

بعد از انسداد نفتی دومین نگرانی

را در برابر طرای سیاه به جمهوری اسلامی قالب می کنند. آیا مقامات رژیم ایران این بدبختی را نمی دانند یا اینکه مخاطبان را نادان فرض کرده اند؟!

جهانگیری در بخشی از سخنان خود گفته که نفت ایران بشکه ای ۸۰ دلار شده و در ادامه افزود اگر نصف گذشته هم نفت بفروشیم به همان میزان درآمد خواهیم داشت.

بر اساس گزارش وبسایت رسمی شرکت ملی نفت، ایران در سال ۲۰۱۷، روزانه دو میلیون و ۱۲۰ هزار بشکه نفت خام صادر کرد و درآمد نفتی ایران در این سال حدود ۴۱ میلیارد دلار بود.

با محاسبات جهانگیری ایران اگر حدود یک میلیون و ۵۰ تا یک میلیون و ۱۰۰ بشکه در روز فروش کند کمی بیش از ۴۰ میلیارد دلار درآمد خواهد داشت. با این محاسبات تخیلی، آمریکا نه تنها با تحریم ها نمی تواند جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهد بلکه به «نظام مقدس» کمک کرده تا با تولید نفت کمتر درآمد خود را حفظ کند! در چنین شرایطی باید پرسید چرا جمهوری اسلامی نگران تحریم هاست و تلاش می کند به هر شکل ممکن آن را بی اثر نشان داده و یا دور بزند؟!

در این میان صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در گفتگو با خبرنگاری ایرنا در لاف زنی یک سور به جهانگیری زده و ادعا کرده «پس از ۱۳ آبان که دور جدید تحریم ها

● **جهانگیری: نفت ایران به بشکه ای بالای ۸۰ دلار رسیده، اگر نصف نفت گذشته را صادر کنیم، به همان میزان درآمد خواهیم داشت!**

● **وضعیتی که استمرار طلبان برای آینده مردم بعد از شروع تحریم های نفتی ترسیم می کنند متفاوت است.**

● **مصطفی میر سلیم می گوید هدف دشمن رساندن اقتصاد کشور به فروپاشی است.**

اسحاق جهانگیری روز یکشنبه، ۲۲ مهرماه، در سخنانی با اشاره به تحریم های آمریکا گفت با وجود اینکه برخی مشتریان در ماه های اخیر و پیش از فرا رسیدن ۱۳ آبان آزمون اعمال تحریم های نفتی، خرید نفت را متوقف کردند اما توانستیم شرکای جدیدی برای فروش پیدا کنیم.»

آنطور که معاون اول حسن روحانی ادعا کرده جمهوری اسلامی برای پیدا کردن راهکارهای دور زدن تحریم ها با شرکای سنتی خود وارد مذاکره شده است. او تأکید کرده «آمریکایی ها باید بدانند کشوری که تحریم می شود، راهکارهایی را پیدا می کند.»

رئیس ستاد اقتصاد مقاومتی می گوید یکی از اتفاقاتی که آمریکا نمی خواست بیفتد و افتاد، بالا رفتن قیمت نفت بود. او توضیح داد ترامپ فکر می کند سعودی ها و دیگر کشورها قادرند با جایگزینی نفت ایران، نگذارند بهای نفت افزایش یابد اما می بینید با اینکه هنوز به موعد اعمال تحریم ها نرسیده ایم، نفت ایران به بشکه ای بالای ۸۰ دلار رسیده، یعنی اگر نصف نفت گذشته را صادر کنیم، به همان میزان درآمد خواهیم داشت... همان کشورهایی که خرید نفت از ایران را صفر کردند، به دنبال راهکارهایی هستند که بطور غیرمستقیم نفت ما را بخرند.»

جهانگیری با این حال هشدار داده «هدف دشمن این است که از طریق این فشارها به مردم، آنها را وادار کنند که علیه حاکمیت و نظام اعتراض کنند.»

او تأکید کرده «اصلی ترین منبع درآمد ما نفت است و برخی کشورها هم با آمریکا همکاری می کنند که از ما نفت نخرند و در همین روزهایی که به ۱۳ آبان نرسیده ایم خرید نفت خود را از ایران به صفر رسانده اند و تلاش بر این است که بتوانیم با همه این فشارها میزان صادرات نفت خود را در حد قابل قبولی حفظ کنیم.»

آنچه جهانگیری در مورد وضعیت فروش نفت نقل کرده پر از تناقض است. اگر امکان دور زدن تحریم های آمریکا برای مقام های جمهوری اسلامی فراهم باشد چرا تا این حد روی آن تأکید می شود؟ مگر نه این است که باید برای حفظ این روزه ها از آشکار شدن آنها جلوگیری کرد؟! از طرف دیگر خریداران احتمالی نفت ایران نیز از فشار تحریم ها برای بسیار ارزانه تر خریدن نفت از ایران استفاده کرده و یا به جای پول، به دلیل تحریم مبادلات بانکی، کالاهای بنجل خود



اسحاق جهانگیری

عمده کارگزاران رژیم انسداد کامل سوئیفت است. فلاحت پیشه به ایرنا گفته «بخشی از این جریان نظرات متفاوت دو موسسه مالی و پولی بزرگ آمریکا یعنی سی تی گروپ و جی پی مورگان است که رسماً اعلام کردند با سیاست ترامپ مخالف هستند و معتقدند که ایران باید بتواند از دسترسی های پولی و مالی سوئیفت برخوردار شود.»

از همین اظهار نظرها نیز پیداست آنطور که مسئولان دولت و نظام جلوه می دهند اوضاع در کنترل نیست. آینده ای که خامنه ای و جهانگیری و امثال زیباکلام همسو ترسیم می کنند و می کوشند با شعار و تبلیغات نظام را مسلط بر امور نشان دهند با واقعیت هایی که امروز به چشم می خورد متفاوت است. چه چیز باعث می شود وقتی در درون خود نظام سخن از ترس و نگرانی نسبت به «تغییر رژیم»، «فروپاشی»، «ریاضت اقتصادی» و «بالا گرفتن اعتراض ها»، ست، گروهی دیگر از بهتر شدن اوضاع آنهم بر اساس تحریم سخن بگویند؟!

آغاز می شود اوضاع کشور بهتر خواهد شد! البته او عادت دارد چند روز بعد از یک اظهار نظر، مصاحبه دیگری می کند و آنچه قبلاً گفت را به پای «برداشت اشتباه مردم» می گذارد و چیز دیگری می گوید.

حسن روحانی نیز در سخنرانی خود از دانشگاه تهران گفت «مردم نگران ۱۳ آبان نباشند، همه اش تبلیغات است.» او تأکید کرد آمریکا به دنبال تغییر رژیم است و می خواهد این کار را با جنگ اقتصادی و گرفتن مشروعیت نظام انجام دهد.

در همین گیر و دار علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی برای نشان دادن اینکه همچنان زمام امور را در دست دارد برای بررسی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فراخوان داده و گفته با تحقق این سند «طلیعه مبارک تمدن نوین اسلامی ایرانی» رخ خواهد نمود!

اصرار مقامات و وابستگان رژیم بر اینکه در ۱۳ آبان اتفاق خاصی نخواهد افتاد و ادعاهای آنان با زبان «احمدی نژادی» در اینباره که تحریم ها به فرصت تبدیل خواهد شد



زن روز



پروین اعتصامی

بلبل آهسته به گل گفت شبی که مرا از تو تمنائی هست من به پیوند تو یک رای شدم گر ترا نیز چنین رائی هست گفت فردا به گلستان باز آی تا ببینی چه تماشائی هست گر که منظور تو زیبایی ماست... هر طرف چه چهره زیبایی هست... هیچکس را سر بدخونی نیست همه را میل مدارائی هست گفت رازی که نهان است بین اگر ت دیده بینائی هست هم از امروز سخن باید گفت که خبر داشت که فردائی هست



نکاتی مهم درباره ریزش مو

از دست دادن مو در بیش از ۶۰ درصد مردان و در حدود ۱۰ درصد از زنان رخ می دهد. اگر چه کمبود موی سر پوست به طور بالقوه خطر ابتلا به آسیب های فعال و سرطان پوست را افزایش می دهد، طاسی الگوی مردانه و زنانه، شرایطی است که به استثنای چند مورد به طور عادی درمان می شوند. جراحی برای درمان ریزش مو (یعنی پیوند مو) شایع ترین روش جراحی زیبایی در مردان است. کاشت مو به صورت یک عمل سرپایی و بدون بیهوشی همراه با بی حس موضعی بوده و شخص متقاضی کاشت مو در حین عمل هیچگونه دردی را حس نمی کند. پس از اتمام یک جلسه کاشت مو (که حدود ۳-۸ ساعت طول میکشد) به مدت یک روز پانسمان مناسبی روی سر گذاشته میشود و بیمار فردای آن روز جهت تعویض پانسمان و ویزیت جراح و شستشوی سر مراجعه می کند. با این حال، بازار برای پیوند مو ناشی از بازار بزرگ برای محصولاتی است که درمان ریزش مو بدون عمل جراحی است. این محصولات که شامل شامپو، لوازم آرایشی برای مراقبت از مو، ماساژهای پوست سر، شانه های لیزری و بسیاری دیگر هستند، هیچ اثری اثبات شده ای ندارند، به جز اینکه توانایی موقت افزایش حجم مو موجود را داشته باشند. برای میلیون ها نفر، یک مشکل عمده در ارتباط با ریزش مو، از دست دادن اعتماد به نفس، ناامیدی و حتی افسردگی است. سر کامل، شامل حدود ۱۰۰۰۰۰ مو است. از دست دادن ۳۰ درصد کل موها از تعداد موجود در اوج نوجوانی، که در اواسط ۵۰

به نوزاد خود شیر سالگی اتفاق می افتد، بخشی از روند ما در زمانهای بدهید. شیردهی به نوزاد به مدت حداقل یک سال ریسک ابتلا به بیماری سرطان سینه را در زنان کاهش می دهد. **۹- نشانه‌ها را بشناسید** حقیقت این است که اطلاعات درباره نشانه‌های ظاهری سرطان پستان به خصوص در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه به خاطر دانش کمتر و مسائلی مثل مذهب و حجب و حیا بسیار کمتر است. به همین دلیل در سال ۲۰۰۳ جنبشی به نام «لیموی خود را بشناس» در ۱۶ کشور جهان به راه افتاد که اتفاقاً در کشورهایی مثل ترکیه، لبنان مورد استقبال زنان قرار

زنان شاخص



پری زنگنه (۱۳۱۸ - کاشان)

جهان از جمله تالار الیس تالی در لینکن سنتر نیویورک، هریست در سانفرانسیسکو، دانشگاه هاروارد در بوستون، سل گو در پاریس، هرکولس در مونیخ، و تالارهایی در سرتاسر ژاپن پخش شده است. از اجراهای معروف زنگنه سولیت بودن در سمفونی شماره ۹ بتهوون است که توسط ارکستر سمفونی فورت لادرلد در فلوریدا اجرا شد. بازسازی علمی ترانه‌های بومی و محلی ایران و اجرای آن به سبک کلاسیک از کارهای شاخص او به شمار می‌رود.

پریخ شاه‌یلانی مشهور به پری زنگنه فارغ‌التحصیل شاخه اپرا از هنرستان عالی موسیقی است. زنگنه تحصیلات مقدماتی خود را در تهران گذراند و نخستین درسهای آواز را نزد استاد نصرالله زرین پنجه در ردیف آوازهای ایرانی فراگرفت، سپس به هنرستان عالی موسیقی رفت. به علت داشتن صدای «لیریکو اسپینتو» نزد خانم اولین باغچه بان اپرا آموخت و بعد از آن برای تکمیل آموخته‌های خود به کشورهای ایتالیا، آلمان، و اتریش سفر کرد و از چندین آکادمی فارغ‌التحصیل شد. علاوه بر خوانندگی، پری زنگنه در سفر تحصیلی خود به ژاپن، متوجه استعداد خود در هنر گل‌آرایی هم شد و آن را فراگرفت و در بازگشت به ایران نمایشگاه‌های گل‌آرایی نیز برگزار کرد. در سال ۱۳۵۰ در یک حادثه ساده رانندگی و پرتاب خرده شیشه‌های اتومبیل پیکان، بینایی خود را از دست داد. اما تنها پس از وقفه کوتاهی به فعالیت‌های خود ادامه داد. صدای او در محافل هنری مهم

۱۰ توصیه کاربردی و آسان برای پیشگیری از بیماری سرطان سینه در زنان

سرطان سینه پنج روز در هفته و هر روز به مدت ۳۰ دقیقه پیاده‌روی کنید. **۴- الکل ممنوع** نوشیدن الکل ریسک ابتلا به بیماری سرطان سینه را در زنان افزایش می‌دهد. تحقیقات اخیر بنیاد جهانی پژوهش‌های سرطان حاکی از آن است که نوشیدن روزانه یک لیوان کوچک شراب (حدود ۱۰ گرم الکل) خطر ابتلای زنان یائسه به سرطان سینه را تا ۹ درصد افزایش می‌دهد. **۵- هورمون تراپی نکنید** هورمون تراپی به همان هورمون درمانی به خصوص برای کاهش علائم و مشکلات دوران یائسگی خطر ابتلا به سرطان سینه را در زنان افزایش می‌دهد. در صورت اجبار در مصرف داروهای حاوی پروژسترون، مصرف این داروها را به مدت زمانی کمتر از سه سال محدود کنید. روش‌های جایگزین

آیا می‌دانستید فقط کمتر از ۱۵ درصد زنانی که به بیماری سرطان سینه مبتلا می‌شوند آن‌هایی هستند که در میان افراد درجه یک فامیل‌شان سابقه ابتلا به سرطان سینه وجود داشته است؟ این بدان معناست که ۸۵ درصد مبتلایان به بیماری سرطان سینه در اثر فاکتورهایی به جز سابقه بیماری در افراد درجه یک فامیل و وراثت به بیماری سرطان سینه مبتلا شده‌اند. بنابراین هر زن بالاتر از سی سال، فارغ از وجود سابقه بیماری و وراثت، باید در مورد راه‌های پیشگیری از بیماری سرطان سینه آگاهی داشته باشد. بدن ما همزمان به بالا رفتن سن دچار تغییر و تحول می‌شود و از این امر گریزی نیست. عوامل زیادی در ابتلا به سرطان پستان مؤثرند که از جمله آنها می‌توان به سبک زندگی، میزان هورمون‌ها در بدن و عوامل ژنتیکی و بیولوژیکی اشاره کرد. با این همه آگاهی از روش‌های پیشگیری از سرطان سینه می‌تواند ریسک ابتلا به بیماری را در دهه‌های مختلف زندگی را کاهش دهد.

**۱- اضافه وزن ممنوع** اضافه وزن و چاقی ریسک ابتلا به بیماری سرطان سینه را در زنان به خصوص بعد از یائسگی افزایش می‌دهد. در حقیقت در دوره یائسگی احتمال ابتلا به بیماری سرطان سینه افزایش پیدا می‌کند. برای پیشگیری از ابتلا به بیماری سرطان سینه شاخص توده بدنی را زیر ۲۵ نگه دارید. به گزارش مرکز تحقیق سرطان بریتانیا، تنباکو بزرگترین عامل ابتلا به سرطان است که باعث بروز ۲۳ درصد موارد سرطان در مردان و بیش از ۱۵۶ درصد در زنان می‌شود. دلیل بدنی نخوردن میوه و سبزیجات توسط مردان و اضافه وزن در زنان است. **۲- سالم غذا بخورید** سالم‌خوری یکی از بهترین راهکارها برای پیشگیری از بیماری سرطان سینه در زنان است. در رژیم غذایی روزانه خود سبزیجات به خصوص کلم و اسفناج و میوه‌ها را بگنجانید و از مصرف بیش از حد نوشیدنی‌های گازدار، کربوهیدرات‌های تصفیه‌شده و غذاهای چرب خودداری کنید. نیاز بدن به پروتئین را از طریق خوردن ماهی و گوشت سینه‌ماکیان رفع تأمین کنید. به جای خوردن چربی‌های حیوانی، روغن‌های گیاهی و آجیل و مغزها را استفاده کنید و غلات کامل بخورید. **۳- فعالیت کنید** فعالیت فیزیکی و جسمانی داشته باشید. طبق نتایج تحقیقات صورت گرفته افزایش فعالیت بدنی حتی در دوران یائسگی ریسک ابتلا به سرطان سینه را ۱۰ تا ۳۰ درصد کاهش می‌دهد. برای پیشگیری از بیماری



هورمون تراپی مثل هورمون‌های طبیعی برای هورمون تراپی و نیز کرم‌ها و ژل‌های هورمونی از نظر ایمنی بهتر و سالم‌تر از هورمون‌های تجویزی ندارند و از مصرف آن‌ها هم باید اجتناب کرد. **۶- مکمل‌های موضعی مسدود کننده استروژن مصرف کنید** بهتر است دارو یا مکمل مسدود کننده استروژن مصرف کنید. زنانی که سابقه خانوادگی ابتلا به سرطان سینه را دارند یا زنان یائسه بالای ۶۰ سال بهتر است با پزشک خود در مورد مزایا و معایب داروهای مسدود کننده استروژن مانند تاموکسیفن و رالوکسیفن مشورت کنند. **۷- دخانیات ممنوع** به گزارش مرکز تحقیق سرطان بریتانیا، تنباکو بزرگترین عامل ابتلا به سرطان است که باعث بروز ۲۳ درصد موارد سرطان در مردان و بیش از ۱۵۶ درصد در زنان می‌شود. این در حالی است که ترک سیگار و کنترل وزن بهترین روش پیشگیری از بیماری سرطان سینه در زنان است. **۸- به نوزادان شیر بدهید** تا آن جایی که ممکن است (۲ سال)

گرفت. دلیل این نامگذاری این است که توده سرطانی در پستان مثل دانه لیمو سفت و چسبیده است. **۱۰- ماموگرافی را جدی بگیرید** نکته مهم در مورد تشخیص بیماری سرطان سینه این است که بدانید زنان باید از سایر نشانه‌های هشداردهنده آگاه باشند تا بتوانند در صورت لزوم برای درمان سریع اقدام کنند. به گفته پزشکان علائمی مثل ورم زیر بغل یا عفونت در بافت سینه باید توسط پزشک معاینه شود. بسیاری از زنان از این حقیقت بی‌خبرند که سرطان سینه ممکن است به شکل‌های مختلف و نه فقط توده‌ای در سینه بروز کند. بیماری سرطان پستان هر چه سریع‌تر تشخیص داده شود شانس درمان آن هم بیشتر می‌شود. اگرچه تشخیص پزشک احتمال ابتلا شما به سرطان سینه ۵۰-۵۰ است، حتماً از سن ۵۰ سالگی به بعد هر یک یا دو سال یک بار ماموگرافی سینه انجام دهید. این در حالی است که انجمن سرطان آمریکا بهترین سن برای انجام ماموگرافی سینه را اوایل دهه ۴۰ زندگی تعیین کرده است.

چیزهایی از کسب و کار و ویکتوریا بکهام نمی‌دانید

بیاورد، البته در یک بسته‌بندی منحصر بفرد. او در سال ۲۰۱۷ گفته بود که فرآیند توسعه و بسته‌بندی را دوست دارد. «دوبود فکر می‌کند که صحبت کردن من از جعبه‌ها و خرت و پرت‌ها مرا خیلی کسالت‌بار است.» **برند و ویکتوریا سطح بالا، متوسط و سطح پایین دارد** مجموعه ویکتوریا بکهام در حال حاضر برای شیک‌پوش‌ها تا بازارهای نه چندان گران‌قیمت و لوکس هم کالا دارد. خط تولید سطح بالا و آیت‌هایش مشخصاً برای نورچشمی‌ها است. محدوده متوسط این تولیدات به طبقه کمی بالاتر از متوسط تعلق دارد؛ کسانی که نمی‌توانند جزو آدم‌های خیلی معروف دسته‌بندی کرد اما می‌توانند اجناس خوبی را تهیه کنند. او سال ۲۰۱۷ مجموعه کاملی از لباس‌های خود را در اندازه‌ها رده‌های مختلف به حراج گذاشت. **سلب‌بیتی‌ها تأییدش کردند** خود را خندان در روی صحنه



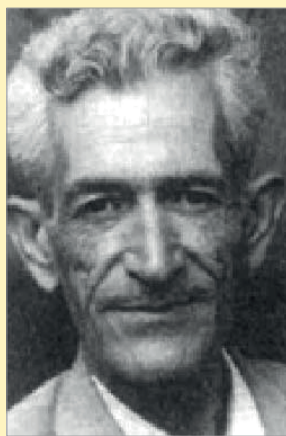
از نیروی کار منسجم بهره می‌برد در پایان سال ۲۰۱۷، برند ویکتوریا بکهام در تمام مراحل طراحی، تولید و فروش حدود ۱۸۰ نفر را شامل می‌شود. این برند فقط با سه نفر کارش را شروع کرد. حالا، محصولاتش در بیش از ۵۰ کشور از طریق حدود ۴۰۰ فروشگاه در سراسر جهان فروخته می‌شود. **وارد دنیای لوازم آرایش شد** ویکتوریا بکهام در کنار غول دنیای لوازم آرایشی استی لادر، در اواخر سال ۲۰۱۷ دو مجموعه آرایشی خود را عرضه کرد؛ همکاری مناسب با شرکتی که توسط زنی با اشتیاق و تعهدی مشابه ویکتوریا راه‌اندازی شده است. استی لادر با تولید محصولاتش در آشپزخانه خانه‌اش در دهه ۱۹۴۰ شروع به کار کرد. با برندهای ورزشی همکاری می‌کنند همکار او این بار بیشتر با Reebok انجام می‌شود. همکاری بین ویکتوریا بکهام و Reebok به تازگی اعلام شده است. انتظار می‌رود طیف جدیدی از لباس‌های برند ویکتوریا در اواخر سال ۲۰۱۸ برای زنان طراحی‌هایی داشته باشد. به نظر می‌رسد این لباس‌ها راحت و خودمانی و ورزشی باشند.

**دو کتاب از ویکتوریا منتشر شد** ویکتوریا بکهام داستان زندگی خود را در سال ۲۰۰۱ با عنوان «آموختن پرواز» را منتشر کرد. این کتاب درباره زندگی شخصی و زندگی اجتماعی‌اش بود. کتاب «تیم اینج» اضافی: مو، کفش پاشنه‌دار و همه چیزهای بین آنها» را در سال ۲۰۱۶ منتشر کرد. این کتاب داستانی درباره زیبایی و مد است. هردو کتاب سرگرم‌کننده و خنده‌دار هستند و جزو کتابهای پرفروش دوران خود بودند. **یک عشق کیف است** همه ما عاشق کیف هستیم و ویکتوریا بکهام هم یکی از ماست. به غیر تعداد بی‌شماری از کیف‌های دستی از برند خودش، کیف‌های دولچه گابانا، اسپری و شتل را بدست می‌گیرد. گفته می‌شود کیف هرمس و ویکتوریا بکهام دو میلیون دلار ارزش دارد. **می‌خندد** شخصیت فردی و اجتماعی ویکتوریا بکهام، با هم متفاوت است. اغلب اوقات در عکس‌ها لیخن می‌زند و به گفته خودش شوخ طبع هم هست. به عنوان مثال طراحی T را در سال ۲۰۱۷ برای ۱۵۰ دلار با شعار «مد لیخن مرا به سرقت برد» راه‌اندازی کرد.

رفت. در طول چند سال بعد، او یک چهره شناخته شده در کمپین‌های تبلیغاتی بود و برای برندهای مختلفی چون دولچه گابانا، امپوریو آرمانی، راکوایر، روبرتو کوالی و مارک جاکویر لباس پوشید و روی صحنه رفت. **اولین مجموعه پوشاک او کوچک اما تأثیرگذار بود** اولین مجموعه لباس‌های او کوچک بود. قبل از انتشار این مجموعه در سپتامبر ۲۰۰۸، منتقدان دنیای مد، آن را یک پروژه غم‌انگیز از یک ستاره سابق موسیقی پاپ توصیف کردند. این مجموعه با ارائه ۱۵ لباس ارائه شد. نظرسنجی‌های نشان داد که نظر منتقدان مثبت است. همچنین روزنامه‌نگاران در تشریاتی چون تایمز، پورتر و ووگ درباره‌اش نوشتند. **مدیری پای کار است** ویکتوریا بکهام با طراحی همکاری می‌کند و فقط یک نام تجاری برای یک برند تجاری نیست. گرچه او آموزش دیده نیست ولی چشم‌اندازی را به ارمان می‌آورد که می‌خواهد تیم‌اش برای زندگی مدرن به همراه



## مردان شاخص



### نصرالله زرین پنجه (۱۳۶۰ - ۱۲۸۵)

نصرالله زرین پنجه، نوازنده سرشناس تار و آهنگ ساز بود. او همچنین در نواختن سه تار، برپت و ترومپت مهارت داشت. در ۱۳ سالگی نزد ربیع خان برادر درویش خان به نواختن تار مشغول شد و سپس به خدمت موزیک نظام درآمد. بعدها از خدمت موزیک نظام استعفا داد و فرصتی یافت تا هنر خویش را تکمیل کند. مدتی نزد مرتضی نی داوود و یحیی زرینجه و علی اکبر شهنزایی تعلیم گرفت تا این که با موسی معروفی آشنا شد و ردیفی را که او روایت کرده بود، نواخت. نصرالله زرین پنجه در سال ۱۳۱۳ از موسیقی دلسرد شد و تار را کنار گذاشت و عهده دار سمت‌هایی در وزارت دارایی شد. در سال ۱۳۲۰ که علی نقی وزیری به هنرستان موسیقی بازگشت، دوباره نزد حسین سنجری به آموختن تار مشغول شد و در اثر تشویق روح‌الله خالقی از وزارت دارایی به وزارت فرهنگ منتقل شد. وی ضمن تدریس در هنرستان موسیقی ملی در تدوین کتاب‌های مقدماتی

تار و سه تار نقش ارزنده‌ای ایفا کرد. زرین پنجه سال‌ها با رادیو همکاری داشت و رهبر ارکستر سازهای ایرانی رادیو بود و آهنگ‌های بسیاری ساخته برای هنرجویان بسیار مفید است. این تمرین‌ها شامل ابوعطا، بیات ترک، چهارگاه و بیات اصفهان است که در کتاب سوم تار و سه تار هنرستان به کوشش حسین علیزاده به چاپ رسیده‌اند. وی حدود ۵۰ آهنگ ساخته و آموزگار موسیقی در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران بود.



### فوتبال بازی کردن و ریسک بروز حمله قلبی

عده ای از ورزشکاران و فوتبالیست‌ها در محیط ورزشی به دلیل ایست قلبی جان خود را از دست داده اند و مشخص شده است فوتبال بازی کردن ممکن است باعث بروز بیماری های قلبی شود. محققان دریافته اند فوتبال بازی کردن به طور منظم ممکن است موجب تغییرات ساختاری در قلب و افزایش ریسک اختلال در ضربان قلب در سنین بالاتر شود. مطالعه نشان می دهد افرادی که فوتبال بازی می کنند ۵.۵ بار بیشتر در معرض ابتلا به فیبریلاسیون دهلیزی، از جمله سایر نشانه های امواج الکتریکی غیر طبیعی قلب، در مقایسه با افراد غیر ورزشکار هستند. فیبریلاسیون دهلیزی باعث تپش قلب، سرگیجه و درد قفسه می شود و خطر سکته مغزی، حمله قلبی و نارسایی قلبی را افزایش می دهد. «درموت فلان»، سرپرست تیم تحقیق از کلینیک کلیولند اوهایو، در این باره می گوید: «ما می دانیم که فعالیت ورزشی موجب افزایش طول عمر می شود و فواید متعددی برای سیستم قلبی-عروقی دارد، اما یافته های جدید نشان می دهد این گروه از ورزشکاران حرفه ای در سنین بالا گرفتار برخی مشکلات قلبی هستند.» محققان این مطالعه ۴۶۰ بازیکن سابق لیگ ملی فوتبال را مورد بررسی قرار دادند. آنها نتایج را با ۹۲۵ فرد از جمعیت عمومی با شرایط سنی و نژادی مشابه مقایسه کردند. همچنین بازیکنان فوتبال در مقایسه با افراد غیر ورزشکار دارای ضربان قلب پایین تری در حال استراحت هستند که معمولاً نشانه

ممکن است سلامت قلب و عروق است و می تواند علائم می گویند وقت آن رسیده فیبریلاسیون دهلیزی را پنهان نسل زنبور عسل باشد که در مورد رابطه خود تجدیدنظر کنید. دوستی باید شادی و الهام را به ارمغان بیاورد و باید در هر دو مورد عمل کند. ضروری است که به دوستانتان کمک کنید و از آنها حمایت کنید، اما شما باید این کار را درست انجام دهید: سعی کنید به یک شخص کمک کنید تا احساس قربانی بودن را کنار بگذارد پیشنهاد خوب بدهید یا نگرانی خود را بیان کنید خانواده و آرامش روحی خود را فراموش نکنید

**۲- به خواستها و آرزوهایتان**

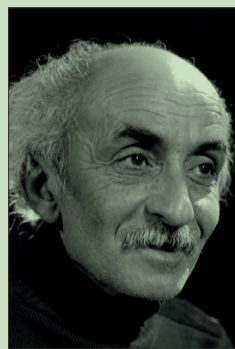
بشر هم منقرض خواهد شد. بیشترین فایده زنبور عسل تولید عسل یا انگبین است؛ یک ترکیب بسیار غلیظ فندی و اسیدی محلول در آب که به خاطر شیرینی حالت اسیدی آن چندان احساس نمی شود. این ترکیب فندی غلیظ تقریباً شامل ۶۰۰ عنصر مختلف است که زنبور عسل آن‌ها را جمع کرده، شکل‌شان را تغییر داده و در کندو نگهداری می‌کند.

**۱- پیشگیری از ابتلا به سرطان و بیماری‌های قلبی**

عسل سرشار از فلاونوئید و انتی‌اکسیدان است که ریسک ابتلا



### مرد روز



نیما یوشیج

بر سر قایقش اندیشه کنان قایق بان  
دائماً میزند از رنج سفر بر سر دریا فریاد:  
اگرم کشمکش موج سوی ساحل راهی  
میداد.

سخت طوفان زده روی دریاست  
نا شکیباست به دل قایق بان  
شب پر از حادثه. دهشت افزاست.

بر سر ساحل هم لیکن اندیشه کنان  
قایق بان  
نا شکیب‌تر بر می شود از او فریاد:  
کاش بازم ره بر خطه ی دریای گران  
می افتاد!

## ۹ رفتار خودخواهانه که نباید شرمندehاش باشیم

اگر چه "خودخواه" نامیده شدن ممکن است توهین‌آمیز باشد، اما این بدان معنی نیست که فرد خودخواه کار اشتباهی انجام داده است. این احتمال بیشتری دارد که این افراد دیگر خجالتی‌بودن را کنار گذاشته‌اند و یاد گرفته‌اند تا برای خودشان زندگی کنند. پس این کیفیت زندگی بسیاری از مردم را تحریک می‌کند تا به این جور آدمها خودخواه بگویند.

در اینجا به ۹ رفتار به اصطلاح خودخواهانه اشاره می‌کنیم که نشانه رشد شخصیت و بالغ شدن افراد است و نه خودخواهی.

**۹- ادعای خسارت کردن**  
بد کوتاه شدن موها در آرایشگاه، سوپ بیش از حد شور و یا کالاهای معیوب و خراب، دلایل خوبی برای شکایت دارند. متخصصین توصیه می‌کنند که ناراضیاتی خود را از

**۸- کاری انجام نده**  
هنگامی که یک نفر به علت کمبود بهره‌وری یا عدم توانایی در رساندن کاری در مهلت مشخص، احساس گناه می‌کند، نشانه‌ای از اعتماد به نفس کم و احساس مسئولیت قوی است. مقالات بسیاری درباره افزایش بهره‌وری در عملکرد وجود دارد که می‌توانیم بخوانیم ولی اغلب ما فراموش می‌کنیم که گاهی اوقات نیاز به توقف همه چیز، استراحت کردن و صرف زمان برای خودمان داریم.

**۷- نادیده گرفتن شایعات**  
شایعه‌پراکنی در محل کار و یا در جمع دوستانه یک عادت همه‌گیر است و امتناع از شرکت در آن ممکن است منجر به درگیری و ناراحتی شود. برای صلح و آرامش خاطر خود، بهتر است نظرتان را به

## ۱۰ خاصیت عجب درمانی عسل برای سلامت بدن و طبقه‌بندی انواع عسل

وجود آنزیمی است که زنبورها هنگام درست کردن این ماده شیرین به آن اضافه می‌کنند و این دقیقاً همان آنزیمی است که در ترکیب آب اکسیژنه وجود دارد.

**۷- تنظیم کننده قندخون**  
نوع طبیعی عسل یک درمان موثر برای تنظیم کردن قندخون است. حتی اگر این ماده شیرین یک خوراکی بسیار شیرین هم باشد اما یکی از بهترین مواد غذایی طبیعی برای تنظیم قندخون است. قند این ماده خوراکی شیرین متشکل از فروکتوز و گلوکز است که به بدن برای تنظیم سطح قندخون کمک می‌کند.

**۸- درمان جای زخم و سوختگی**  
خواص درمانی کاردستی زنبورها فقط روی اندام‌های داخلی بدن موثر نیست. عسل طبیعی یکی از بهترین مرهم‌ها برای درمان جای زخم و سوختگی (حتی زخم‌های عمیق)

می‌دانستید در زمان یونان باستان ورزشکارانی که می‌خواستند در بازی‌های المپیک شرکت کنند برای افزایش توان فیزیکی و نمایش بهتر، عسل و انجیر خشک می‌خوردند؟ در حال حاضر نتایج مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته نشان می‌دهد که خوردن مواد غذایی مثل عسل و انجیر خشک سطح «گلیکوژن» را در بدن بالا نگه می‌دارد و مدت زمان ریکاوری را نسبت به سایر خوراکی‌های شیرین بهبود می‌بخشد.

**۴- مقوی و انرژی‌زا**  
می‌دانستید در زمان یونان باستان ورزشکارانی که می‌خواستند در بازی‌های المپیک شرکت کنند برای افزایش توان فیزیکی و نمایش بهتر، عسل و انجیر خشک می‌خوردند؟ در حال حاضر نتایج مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته نشان می‌دهد که خوردن مواد غذایی مثل عسل و انجیر خشک سطح «گلیکوژن» را در بدن بالا نگه می‌دارد و مدت زمان ریکاوری را نسبت به سایر خوراکی‌های شیرین بهبود می‌بخشد.

**۵- ضد سرفه و التهابات گلو**  
اگر دچار آنفولانزا شدید یا سرما



است و این تاثیر درمانی به خاطر خواص آنتی‌باکتریال و ضد میکروبی آن است که سبب می‌شود زخم عفونت نکند و سریع‌تر خشک شود. از سوی دیگر این خوراکی شیرین و مفید سرعت تکثیر سلول‌های پوست را افزایش می‌دهد و به این ترتیب به سلول‌های جدید، انرژی مورد نیاز را برای جایجایی در عرض زخم می‌دهد.

**۹- پروبیوتیک است**  
سرشار از باکتری‌های مفید و درمانگر است. این باکتری‌های مفید شامل ۶ باکتری لاکتوباسیلی و ۴ باکتری بیفیدوباکتری هستند. وجود همین باکتری‌های مفید و درمانگر موجود در نوع طبیعی این خوراکی خود بیانگر همه چیز در مورد اثرات شگفت‌انگیز درمانی آن است.

**۱۰- تقویت کننده سیستم ایمنی بدن**  
سرشار از فلاونوئید و آنتی‌اکسیدان‌های مختلف است و همین امر سبب تقویت سیستم ایمنی بدن می‌شود.

خورده‌اید و سرفه‌های خشک امان‌تان را بریده، عسل بخورید. طبق تحقیقی که روی ۱۰۵ کودک انجام شده، تاثیر یک دوز عسل طبیعی معادل تاثیر یک دوز شربت «دکسترومتورفان» به عنوان شربت ضدسرفه برای کاهش سرفه و درمان سرماخوردگی، تشخیص داده شده است. علاوه بر این کودکان تحت درمان بعد از خوردن این خوراکی درمانگر شیرین خواب راحت‌تری داشته‌اند، این در حالی است که دکسترومتورفان تاثیرات خواب‌آور دارد.

**۶- درمان ناتوانی جنسی و لاغر کننده**  
طبق تحقیقاتی که کارشناسان طب سنتی هندی موسوم به «آیورودا» حدود ۴۰۰۰ هزار سال پیش در مورد تاثیر عسل بر بدن انسان نخستین انجام دادند مشخص شد نوع طبیعی آن تاثیر شگرفی بر تقویت بینایی، کاهش وزن و لاغری، درمان ناتوانی جنسی و انزال زودرس، بی‌اختیاری و تکرر ادرار، برونشیت و آسم، اسهال و حالت تهوع و استفراغ دارد. بد نیست

به انواع سرطان و بیماری‌های قلبی را کاهش می‌دهند. این فلاونوئیدها و آنتی‌اکسیدان‌ها سیستم ایمنی بدن را تقویت می‌کند و خطر ابتلا به سرطان‌ها مختلف را کمتر می‌کنند.

**۲- کاهش خطر ابتلا به زخم معده و سایر بیماری‌های معده**  
تحقیقات اخیر پزشکی حاکی از آن است که عسل خالص و طبیعی بسیاری از مشکلات و بیماری‌های مربوط به معده و دستگاه گوارش مثل زخم معده، نفخ معده و سایر امراض مربوط به معده را درمان می‌کند. از سوی دیگر این ماده اسیدی شیرین به خاطر خاصیت آنتی‌اکسیدانی که دارد برای افرادی که مبتلا به «فلاکس معده» یا همان ترش کردن در اصطلاح عامیانه هستند، بسیار مفید است. فلاکس به خاطر ضعیف شدن بافت «اسفنکتر» مری رخ می‌دهد و عسل قادر است این بافت را قوی کند.

**۳- آنتی‌باکتریال و ضد قارچ**  
تمام انواع عسل خاصیت آنتی‌باکتریال و ضد قارچ دارند. این خواص به خاطر

**عمل کنید**  
زندگی کردن برای دیگران ممکن است شما را فردی نجیب نشان دهد ولی می‌تواند منجر به عواقب ویرانگری شود. بلوغ روانی به این معنی است که یک فرد می‌تواند خواسته‌ها و آرزوهای واقعی خود را ایده‌ها و خواسته‌های دیگران تفکیک کند و می‌تواند رویاهای خود را تحقق بخشد. علاوه بر این، روانشناسان ادعا می‌کنند که تنها افرادی که دارای اعتماد به نفس کافی هستند و توانایی انجام کاری برای خود را دارند، می‌توانند یک خانواده شاد بسازند و والدین خوبی باشند.

**۱- از قضاوت و افکار عمومی نترسید**  
توانایی بیان آزادانه احساسات و عقیده یکی از ویژگی‌های اصلی شخصیتی قوی است. مردم قوی خجالت نمی‌کشند و می‌گویند نه! آنها به یک جلسه یا ارتباط با فردی که علاقه‌مند نیستند، تن نمی‌دهند و نظر خود را بیان می‌کنند.



شما مجبور نیستید این کار را انجام دهید اگر نمی‌خواهید! شما همچنین مجبور نیستید برای رفتار خود عذر بدهانید بیاورید. در کل، اگر دیگری قصد داشته باشند که صندلی مناسبی داشته باشند، باید از قبل آن را رزرو کنند.

**۴- پیشرفت را طلب کنید**  
سندرم مهاجم می‌تواند شما را دچار تردید کند که شما به اندازه کافی برای موقعیت فعلی‌تان مناسب هستید و از ارتقاء خودداری کنید. با این حال، شما همیشه باید از رئیس خود بخواهید که ارتقاء درجه شما را در نظر بگیرد؛ اگر احساس می‌کنید که قادر به انجام یک کار سخت‌تر هستید و با همکارانتان ارتباط قوی دارید. البته، فقط اگر شما علاقه‌مند به موقعیت بالاتری هستید، آن را انجام دهید.

**۳- دست از شانه‌ای برای گریه بودن بردارید**  
اگر دوست شما هر روز تماس می‌گیرد تا از زندگی‌اش شکوه و گلایه کند و این امر سالهاست که اتفاق می‌افتد،

## جاکوویچ قهرمان مسابقات شانگهای شد



نواک جاکوویچ

رده‌بندی سقوط کرده بود. او در گراند اسلم ویمبلدون امسال نیز قهرمان شد. در مسابقات دو نفره شانگهای ۶ بر ۴ و ۶ بر ۲ باختند و دوم شدند. جیمی موری و برانو سوارز در بازی فینال به لوکاس کابوت و مارسلو ملو ۶ بر ۴ و ۶ بر ۲ باختند و دوم شدند.

نواک جاکوویچ تنیس‌باز صرب و نفر اول پیشین رده‌بندی مردان جهان، روز یکشنبه ۲۲ مهرماه در فینال مسابقات استادان شانگهای با پیروزی بر برنا کورویچ تنیس‌باز ۲۱ ساله اهل کرواسی با حساب ۶ بر ۳ و ۶ بر ۴ برای چهارمین بار قهرمان این تورنمنت ۱۰۰۰ امتیازی شد. این مبارزه جالب یک ساعت و ۳۷ دقیقه طول کشید. کورویچ در مرحله نیمه نهایی راجر فدرر را مغلوب کرده بود. این هجدهمین برد جاکوویچ ۳۱ ساله و برنده ۱۴ گراند اسلم تنیس بعد از باخت به فدرر در مسابقات تنیس راجرز کاپ در ماه اوت امسال است.

جاکوویچ در بیش از یک سال گذشته به دلیل ناراحتی آرنج و عدم حضور در چند تورنمنت و باخت در تعدادی از مسابقات به پایین جدول

## تازه‌ترین رده‌بندی تیم‌های فوتبال جهان: ایران سی و سومین در جهان و نخستین در آسیا



تیم ملی فوتبال ایران

تیم ملی اخیراً اردوهای چند مرحله‌ای خود را برای آمادگی و حضور در مسابقات جام ملت‌های آسیا آغاز کرده است.

تیم ملی فوتبال ایران در جدیدترین رده‌بندی تیم‌های فوتبال جهان که از سوی «فیف» اعلام شده است در رده اول آسیا و سی و سوم جهان قرار گرفته است.

تیم‌های اول تا دهم جهان عبارتند از: ۱- بلژیک، ۲- فرانسه، ۳- برزیل، ۴- کرواسی، ۵- اروگوئه، ۶- انگلیس، ۷- پرتغال، ۸- سوئیس، ۹- اسپانیا و ۱۰- دانمارک.

رتبه‌بندی تیم‌های آسیا نیز از این قرار است: ۱- ایران، ۲- استرالیا، ۳- ژاپن، ۴- کره جنوبی و ۵- عربستان. تیم فوتبال ایران هفته پیش در ورزشگاه صد هزار نفری تهران ۲ بر یک تیم بولیوی را شکست داد و با کسب این امتیاز به مکان نخست آسیا بازگشت.

## سازمان عفو بین‌الملل از نادال و جاکوویچ خواست به عربستان نروند



سازمان عفو بین‌الملل از رافائل نادال و نواک جاکوویچ نفرات اول و دوم تنیس مردان جهان خواسته است در مسابقات تنیس نمایشی در عربستان شرکت نکنند. مسئولان عفو بین‌الملل معتقدند هدف از برگزاری این بازی‌ها که قرار است در ماه دسامبر در جدّه برگزار شود، انحراف افکار عمومی از جنایتی است که حکومت آل سعود با قتل فجیع عدنان خاشقچی روزنامه‌نگار اهل عربستان که در آمریکا زندگی می‌کرد، مرتکب شده است.

سازمان عفو بین‌الملل از رافائل نادال و نواک جاکوویچ نفرات اول و دوم تنیس مردان جهان خواسته است در مسابقات تنیس نمایشی در عربستان شرکت نکنند.

مسئولان عفو بین‌الملل معتقدند هدف از برگزاری این بازی‌ها که قرار است در ماه دسامبر در جدّه برگزار شود، انحراف افکار عمومی از جنایتی است که حکومت آل سعود با قتل فجیع عدنان خاشقچی روزنامه‌نگار اهل عربستان که در آمریکا زندگی می‌کرد، مرتکب شده است.

خاشقچی از منتقدان جدی حکومت پادشاهی عربستان بود که با رسانه‌های آمریکا از جمله نشریه واشنگتن پست همکاری می‌کرد. سازمان عفو بین‌الملل از نادال و جاکوویچ که اهل اسپانیا و کرواسی هستند تقاضا کرده با استفاده از شهرت و محبوبیت بین‌المللی خود توجه جهانیان را به رفتار ضد انسانی رژیم عربستان و نقش آن در این ماجرا آشنا کنند. نکته مهم در رابطه با این مسابقات

## ایران دو - بولیوی یک؛ کیروش: بازیکنان از حضور خانواده خود در ورزشگاه لذت بردند



ایران با گل‌های ترابی و جهانبخش بولیوی را شکست

همچنین خوشحالم مجید حسینی به عنوان یک بازیکن جوان در جام جهانی درخشید و معتقدم این دو بازیکن استحکام خط دفاع تیم ملی را در ده سال آینده تضمین خواهند کرد. کیروش در مورد حضور بانوان در استادیوم برای تماشای این بازی نیز گفت: «بازیکنان خیلی خوشحالند که اعضای خانواده آنها در ورزشگاه بازی آنها را از نزدیک تماشا کردند. البته این یک مسئله اجتماعی است و شروع این اتفاق خوب است و جهان به آن احترام می‌گذارد.»

او همچنین افزود: «بازی امشب در سطح دیگری بود.» کیروش گفت: «وقتی از من خواسته شد قرارداد را تمدید کنم،

تیم ملی فوتبال ایران سه‌شنبه شب در یک بازی تدارکاتی تیم بولیوی را در ورزشگاه صد هزار نفری تهران ۲ بر ۱ شکست داد. این مسابقه را تعدادی خانم نیز از نزدیک تماشا کردند.

گل‌های ایران را علیرضا جهانبخش در دقیقه ۱۷ و مهدی ترابی در دقیقه ۶۷ وارد دروازه بولیوی کردند. گل تیم بولیوی را هم کاردوسو در دقیقه ۵۵ به درون دروازه ایران فرستاد.

کارلوس کیروش سرمربی تیم ایران در پایان مسابقه گفت: «لذت بازیکنان از حضور خواهران و مادرانشان در ورزشگاه وصف ناشدنی بود.»

وی گفت: «در این بازی شاهد یک فوتبال مدرن بودیم و مطمئن هستم تماشاچیان از دیدن بازی لذت بردند.» او افزود: «می‌توانستیم چهار گل وارد دروازه حریف کنیم، البته نتیجه بازی‌های تدارکاتی مهم نیست حفظ هماهنگی و شخصیت تیمی اهمیت دارد.» و گفت «امیدوارم تا بازی‌های جام ملت‌های آسیا بتوانیم دو بازی دوستانه دیگر برگزار کنیم.»

او ادامه داد: «با وجود مصدوم بودن پورعلی گنجی و روزبه چشمی خط دفاع تیم خوب عمل کرد.» کیروش افزود: «سعی خواهیم کرد دیدارهای آینده تیم ملی را در شهرهای دیگر هم برگزار کنیم.»

وی اضافه کرد: روزبه چشمی قبلاً در میانه زمین بازی می‌کرد و من بعداً از او در خط دفاع استفاده کردم.

### رئیس فدراسیون جودو:

## اگر من همراه تیم بودم مارال محروم نمی‌شد



بین‌المللی المپیک یا شورای المپیک آسیا برگزار می‌گردد. فدراسیون جهانی جودو شرکت دختران را با حجاب ممنوع اعلام کرده و فدراسیون جودو ایران در هیچ یک از مسابقاتی که از جانب فدراسیون جهانی برگزار می‌شود نماینده خانم نداشته است اما در تورنمنت‌هایی که توسط کمیته بین‌المللی المپیک یا کمیته المپیک آسیا صورت می‌گیرد قوانین و مقررات متفاوت است و به همین دلیل در بازی‌های آسیایی اندونزی ۲۰۱۸ که اخیراً برگزار شد دو دختر جودو کار ایران با حجاب اسلامی حضور داشتند.

در مسابقات جودو جوانان جهان که در آرژانتین در حال برگزاری است به مارال مردانی دختر جودوکار ایران به خاطر استفاده از حجاب اجازه داده نشد با حریفش که اهل دومینیکن بود مبارزه کند و از مسابقات جهانی حذف شد.

به دنبال این اتفاق محمد درخشان رئیس فدراسیون جودو که در این سفر همراه تیم نبود گفت: «اگر من در آنجا بودم مارال محروم نمی‌شد چون با مسئولان فدراسیون جهانی آشنایی دارم و می‌دانم چگونه باید با آنها مذاکره کرد.»

سرپرستی تیم جودو ایران را در این مسابقات صالحی امیری رئیس کمیته ملی المپیک ایران به عهده دارد. درخشان گفته صالحی امیری فرد با نفوذی در فدراسیون‌های جهانی نیست. من در دوره قبل این رقابت‌ها مشکل دختران محجبه تیم ایران را به دلیل آنکه عضو فدراسیون جهانی هستم حل کردم.

بعد از اظهارات درخشان، کمیته ملی المپیک نامه‌ای را با امضای رئیس فدراسیون جهانی جودو که در آنها با صراحت بر ممنوعیت شرکت دختران جودوکار با حجاب اسلامی در مسابقات تأکید شده منتشر نمود. در این نامه آمده است که علت دیگر

## ولیعهد عربستان در اندیشه خرید باشگاه منچستر یونایتد



شاهزاده محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی که در حال حاضر اداره آن کشور را به عهده دارد، چندین تصمیم گرفته یکی از موفق‌ترین تیم‌های فوتبال دنیا را خریداری کند و بعد از مدتی مطالعه و بررسی قرعه به نام تیم منچستر یونایتد از قدیمی‌ترین و پرطرفدارترین تیم‌های حال حاضر جهان افتاد. خرید تیم فوتبال مدتیست در بین ثروتمندان عرب مرسوم شده، صاحبان تیم‌های فوتبال منچستر سیتی و پاریس سنت ژرمن نیز از شاهزادگان ابوظبلی و قطر هستند.

شیخ سلمان که این روزها به دلیل ناپدید شدن جمال خاشقچی روزنامه‌نگار سعودی تبار مقیم آمریکا و مخالف رژیم آن کشور در کنسولگری عربستان در استانبول از سوی آمریکا و کشورهای اروپایی در مظان اتهام است، ترجیح می‌دهد به جای خریدن چند سهم، کل باشگاه را از خانواده گلیرز صاحب کنونی آن خریداری کند. گلیرزها نیز به فروش باشگاه به قیمت ۳ میلیارد پوند بی‌ترغبت نیستند. آنها

## نخستین هفته کورس پاییزه آق‌قلاییدی؛ سامین و پانتی قهرمان شدند



در نخستین هفته مسابقات اسب دوانی کورس پاییزه آق‌قلا ۵۶ اسب در گروه‌های مختلف شرکت داشتند. در دور اول اسب‌های سایروس قیدار، ادهم مختار و پویان مخومقلی اول تا سوم شدند. در دور دوم اسب‌های لیدی، ملسه و ویندا به ترتیب به خط پایان رسیدند. در دور سوم اسب پانتی زودتر از رقیبانش از خط پایان عبور کرد و اسب‌های اسکای کوبین و اریس دوم و سوم شدند. در دور چهارم اسب وال دایوراستار به مقام نخست رسید و اسب‌های ارتکا و آسنا خانم رتبه دوم و سوم را بدست آوردند.

در پنجمین دور اسب سامین جایزه اول را و اسب‌های جانام وانجوی عنوان دوم و سوم را به خود اختصاص دادند. در دوره ششم اسب‌های کارکو، بوی سان و هامون اول، دوم و سوم شدند و آخرین دور این رقابت‌ها اسب لن‌دی برنده شد و اسب‌های ماکان و پرکار عنوان دوم و سوم را کسب کردند.

## دادستان کل کشور: حضور زنان در ورزشگاه تکرار شود، برخورد قانونی می‌کنیم!



حضور زنان در ورزشگاه آزادی

تماشای بازی ایراد ندارد اما گناهی که صورت می‌گیرد جای اشکال است.» منتظری از حضور دیروز زنان در ورزشگاه آزادی گلایه کرده و گفته که «نظام ما اسلامی است، ما مسلمان هستیم، وقتی خانمی به ورزشگاه می‌رود و با مردانی که با لباس ورزشی می‌پیند گناه می‌کند، برخی دنبال این هستند که حریم‌ها را بشکنند.»

دادستان کل کشور در عین حال تأکید کرده که «با حریم خصوصی مردم کاری نداریم اما در مجامع عمومی کسی حق ندارد حریم عمومی را آسیب بزند!» وی همچنین تهدید کرد: «با هر مدیری که بخواهد بستر حضور بانوان در ورزشگاه را با بهانه‌های مختلف فراهم کند برخورد می‌کنیم.»

حجت‌الاسلام منتظری گفته که «قرار نیست در منظر عمومی هر کس هر جور خواست لباس بپوشد و یا رفتار کند.» او به مسئولان ورزشی نصیحت کرد که «حرمت دینی را حفظ کنید و اجازه ندهید گناه صورت گیرد.» دادستان کل کشور بیان کرد: «قرار نیست ۴ نفر با هر هدفی حریم‌ها را بشکنند و ما ساکت بمانیم، ابتدا نصیحت می‌کنیم بعد برخورد می‌کنیم.»

● دادستان کل کشور: نظام ما اسلامی است، ما مسلمان هستیم، وقتی خانمی به ورزشگاه می‌رود و با مردانی که با لباس ورزشی و نیمه‌لخت مواجه می‌شود و آنها را می‌پیند گناه می‌کند، برخی دنبال این هستند که حریم‌ها را بشکنند. ● «قرار نیست ۴ نفر با هر هدفی حریم‌ها را بشکنند و ما ساکت بمانیم، ابتدا نصیحت می‌کنیم بعد برخورد می‌کنیم.»

دادستان کل کشور در واکنش به حضور محدود و گزینشی زنان در مسابقه فوتبال دیروز ایران-بولیوی در ورزشگاه آزادی، آن را اقدامی آسیب‌زننده و غیرشرعی خوانده و گفته که اگر بخواهد ادامه پیدا کند برخورد می‌کنیم!

حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور به حضور محدود و گزینشی زنان در ورزشگاه آزادی برای تماشای بازی ایران-بولیوی واکنش منفی نشان داده و گفته که «حضور زنان در ورزشگاه آزادی یک آسیب است و هیچ توجیه شرعی ندارد!»

این درحالیست که شاهدان عینی می‌گویند حضور دیروز زنان در ورزشگاه آزادی محدود و گزینشی بوده و اکثریت جمعیت ۲۰۰ نفره زنان را اعضای تیم‌های ملی زنان، بازیکنان باشگاهی و کارمندان فدراسیون و چهره‌های هنری و ورزشی و همچنین اعضای خانواده‌ی بازیکنان تشکیل می‌داده‌اند.

یک کاربر وبسایت «کافه سینما» در تشریح حضور زنان در مسابقه فوتبال دیشب نوشته: «حوالی ظهر متوجه شدم که منظور از بانوان، قشر خاص و به تعبیری اهالی ژن خوب مد نظر بوده و نه همه زنان و دختران سرزمین!

## حضور گزینشی زنان در استادیوم آزادی با بوقچی‌های خاص!



دختران ملی‌پوش و کارکنان فدراسیون که بطور خاص حق ورود به استادیوم را پیدا کردند اغلب با مقتعه متمایز هستند یک «آقای خاص» هم از بالا از آنها فیلم می‌گیرد

روز چهارشنبه، ۲۵ مهرماه، «یک‌گام به پیش درهای استادیوم به روی زنان باز شد» عکس و تیتراول روزنامه اعتماد است. «سلام آزادی به زنان ایران» نیز تیتراول روزنامه شرق! البته خواننده اگر به امید خواندن گزارش در مورد ورود زنان به استادیوم، گزارش اعتماد را بخواند چیزی به دست نمی‌آورد چون با تیتراول عکس مربوط به زنان فقط کاربرد تبلیغاتی دارد متن گزارش اما مربوط به آنالیز مسابقه فوتبال است. در واقع الیاس حضرتی در روزنامه‌اش نقش بوقچی حضور گزینشی زنان در استادیوم را دارد.

دختران ملی‌پوش و کارکنان فدراسیون که به‌طور خاص حق ورود به استادیوم را پیدا کردند اغلب با مقتعه متمایز هستند یک «آقای خاص» هم از بالا از آنها فیلم می‌گیرد مسئولان وعده داده‌اند بازی پرسپولیس و السد قطر نیز با «حضور زنان» برگزار خواهد شد. گرچه قابل پیش‌بینی است حتی حضور زنان به صورت خاص هم در استادیوم ادامه‌دار نخواهد بود چون با توجه به حریمی که مسئولان برای سکوهای زنان ایجاد کرده‌اند صدها سکو «باید» خالی خواهد ماند و این مسئله از نظر فروش بلیت بسیار مشکل‌ساز است مگر اینکه مقامات بلیت جاهای خالی را بخزند! یا این نمایش‌های مصنوعی و تبلیغاتی گرهی حضور آزادانه‌ی زنان در ورزشگاه‌ها باز نخواهد شد.

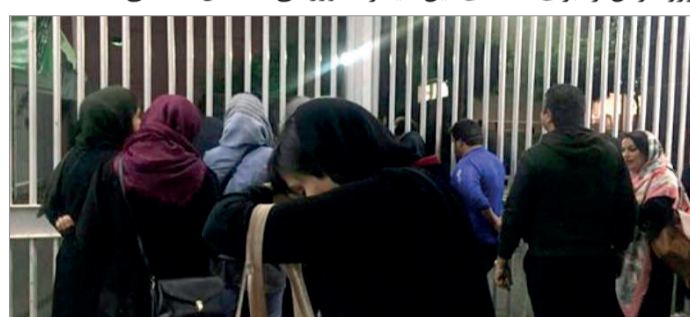
● مردان و زنان خاص با حفظ حریم ایمن دیدار ایران و بولیوی را در استادیوم تماشا کردند.

● مامور نیروی انتظامی زن با چادر مشکی و لباس ورزشی آدیداس، نمی‌دانست دست بزند و تشویق کند یا چادرش را بالای سر حفظ کند.

سه‌شنبه شب، ۲۴ مهرماه، تیم ملی فوتبال ایران در یک دیدار دوستانه در استادیوم آزادی با نتیجه دو بر یک تیم فوتبال بولیوی را شکست داد.

این بازی ساعت ۱۹:۳۰ و در حضور حدود ۱۰ هزار تماشاگر برگزار شد و مسئولان برگزاری آن مجبور بودند با فشار جهانی اینفانتینوریس فیفا اجازه ورود زنان را برای تماشای این دیدار

انتظامی زن با چادر مشکی و لباس ورزشی آدیداس که نمی‌دانست دست



گروهی از زنان که که پارتی نداشتند حق ورود به داخل استادیوم را نیافتند و پشت در ماندند، تعدادی از آنها با همسران خود به استادیوم آمده بودند

صادر کنند. گروهی از زنان توانستند مجوز ورود به سکوها را بگیرند اما نه با شرایط عادی. از ساعتی قبل از آغاز بازی به بازیکنان تیم ملی زنان فوتسال و فوتبال ایران اعلام کرده بودند که برای حضور روی سکوها آماده باشند و کمتر از یک ساعت مانده به آغاز این دیدار، شورای تأمین استان تهران اجازه ورود آنها را به ورزشگاه صادر کرد.

با این وجود پلیس تهران در اطلاعیه‌های رسمی اعلام کرده بود مجوزی برای حضور زنان در استادیوم آزادی صادر نشده است.

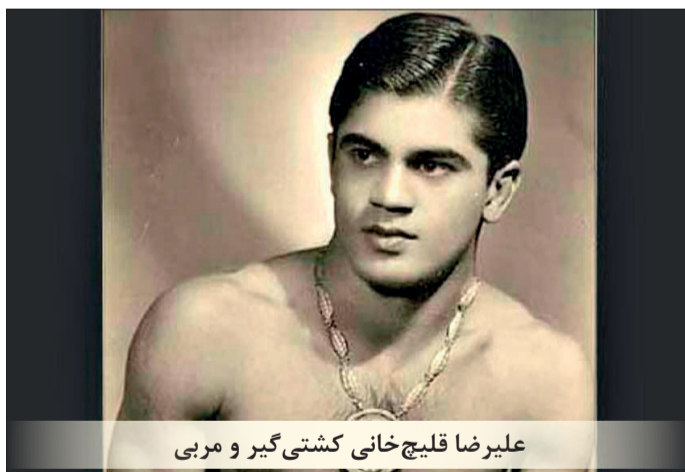
اغلب زنانی که از نزدیک این بازی را تماشا کردند و شمارشان به حدود ۲۰۰ نفر می‌رسید یا بازیکنان رده‌های سنی مختلف تیم‌های ملی زنان و چند بازیکن باشگاهی و کارکنان فدراسیون فوتبال بودند و یا شماری از هنرمندان و دوستان و آشنایان آنها و همچنین خانواده‌ی بازیکنان. همچنین در مورد حق ورود زنان به داخل استادیوم نیز اطلاع‌رسانی عمومی صورت نگرفته بود.

با وجود این محدودیت‌ها، باز هم زنان تماشاگر اجازه نداشتند در کنار مردان بنشینند و بازی را تماشا کنند. استادیوم مثل هیات‌های مذهبی و اماکن زیارتی زنانه و مردانه بود. ماموران انتظامی تمام مردان را به سکوهای روبروی جایگاه هدایت کردند و ماموران نیروی انتظامی از دو طرف و داخل تونل‌ها اطراف آنها نشستند تا مبادا نزدیک سکوهای کنار جایگاه شوند که زنان در آنها جای گرفته بودند. البته باید تأکید کرد مقامات مسئول و افراد خاص که در جایگاه ویژه VIP نشسته بودند، درست از سکوی کناری این زنان بازی را تماشا می‌کردند.

بین سکوهایی که زنان و مردان نشستند از چپ و راست هر کدام هشت تا ۱۰ جایگاه به عنوان حریم ایمن خالی بود و چند لایه مامور انتظامی و سرباز در آنها مستقر بودند تا مبادا بین تماشاگران زن و مرد اختلاط صورت گیرد!

زنان فقط از یک ورودی اجازه داخل شدن به ورزشگاه را داشتند که دور تا دور آن سرباز و ماشین پلیس مستقر بود. مقابل ورودی سرویس‌های بهداشتی و توالت‌هایی که زنان از آنها استفاده می‌کردند ماموران زن با چادر مشکی مستقر شده بودند. دور تا دور سکوهایی که زنان روی آن نشستند نیز زنان پلیس با چادر مشکی حضور داشتند تا مبادا زنان از محدوده‌ای که برای آنها در نظر گرفته شده خارج شوند! در استادیوم‌ها تیم‌ها و تماشاگران لیبر و بوقچی‌های خاص خود را دارند. برای این زنان هم لیبر مخصوص در نظر گرفته شده بود. یک مامور نیروی

## علیرضا قلیچ‌خانی اولین مدال آور کشتی فرنگی ایران در گذشت



علیرضا قلیچ‌خانی کشتی‌گیر و مربی

● علیرضا قلیچ‌خانی متولد سال ۱۳۱۶ بود که پس از تحصیلات مقدماتی به باشگاه تاج رفت و فنون کشتی را آموخت. قلیچ‌خانی علاوه بر کشتی، در ورزش‌های والیبال و فوتبال هم فعالیت می‌کرد.

علیرضا قلیچ‌خانی پیشکسوت و اولین مدال‌آور کشتی فرنگی کشور در سن ۸۱ سالگی درگذشت. او فرزند محمدتقی قلیچ‌خانی یکی از نامداران ورزش باستانی بود که فرزندش را به سمت کشتی هدایت کرد. علیرضا قلیچ‌خانی افتخارات بسیاری در زمینه کشتی فرنگی کسب کرد که کسب مدال برنز کشتی فرنگی در مسابقات ۱۹۶۱ یوکوهاما ژاپن یکی از آنهاست. مدال برنزی که علیرضا قلیچ‌خانی در این مسابقات کسب کرد، نخستین مدال کشتی فرنگی ایران بود. او مدتی مربی تیم ملی کشتی فرنگی بود ولی پس از مدتی کنار گذاشته شد و امکان بازگشت به عرصه مربیگری را نیافت. قلیچ‌خانی در سال ۱۳۹۲ دچار عارضه مغزی شد و سالیهای پایانی عمرش را در بستر بیمارستانی سپری کرد. در این سالیان کمتر کسی سراغ او را گرفت و رسانه‌ها هم درباره‌اش ننوشتند.

## سرنخ بزرگترین فساد تاریخ فوتبال بلژیک در دست یک ایرانی تبار

نیز دستگیر و به قاضی پرونده معرفی شد. اما پس از بسر آوردن یک شب در زندان، آزاد شد.

بازرسی‌ها و دستگیری‌های مرتبط با فساد بزرگ در فوتبال بلژیک به این کشور محدود نشده بلکه عملیات در شش کشور دیگر نیز پیگیری شده است. بنا به تایید دادستان کل بلژیک از جمله یک واسطه مظنون صربستانی نیز دستگیر شده و دادستانی بلژیک انتظار تسلیم او به این کشور را می‌کشد.

### درباره مجی بیات چه می‌دانیم؟

رسانه‌های بلژیک درباره هویت مجی بیات اطلاعات چندانی منتشر نکرده‌اند. تنها یک نشریه آلمانی‌زبان به نام «گرنز اکو» روز دهم اکتبر ضمن انتشار عکسی از او نوشته است: «مجی بیات نه تنها شناخته‌شده‌ترین دلال فوتبال‌بلیست‌های کشور است بلکه چهره‌ای خیره‌کننده در فوتبال بلژیک هم هست. چنان‌خیره‌کننده که دادگستری بلژیک برای بازجویی دست به بازداشت موقت این شهروند ۴۴ ساله زد. از قرار معلوم سرنخ یک فساد عظیم به مجی بیات می‌رسد.»

در ویکی‌پدیا، مجی بیات متولد ۲۴ ژوئن سال ۱۹۷۴ در تهران و مدیر باشگاه «اسپرتینگ شارلروی» در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ معرفی شده است. در همین‌جایی خوانیم که او از سال ۲۰۱۰ فعالیت خود را در زمینه دلالی برای خرید و فروش فوتبال‌بلیست‌ها آغاز کرده و آنتونی لیمبومبه، کاوه رضایی، اوبی اولاره، لوکاس تئودورسیک، ماسیمو برونو، آدرین تربیل، ساموئل کالو، بوپاکار زانه و توماس فوکت از جمله ستارگانی بوده‌اند که او زمینه‌ی انتقال آنها را به تیم‌های مختلف فراهم کرده است. \*منبع: اسپیکل آن‌لاین، گرنز اکو، ویکی‌پدیا \*ترجمه و تنظیم: جواد طالعی



مجی بیات

«این ایرانی تبار یکی از ۲۹ نفری است که روز چهارشنبه ۱۲ اکتبر در یک عملیات بزرگ دادستانی بلژیک بطور موقت بازداشت شده‌اند. ۹ تن از آنها هنوز در بازداشت بسر می‌برند که بیات در میان آنها است. او به پولشویی و توطئه متهم شده است.»

دو همکار بیات به اسامی دجان ولیکوویچ و کریم مجیاتی نیز همچنان در بازداشت هستند. ولیکوویچ متهم شده که در مرحله پایانی فصل فوتبال گذشته با پرداخت رشوه به داور مانع سقوط تیم «ک فامشلتن» بلژیک شده است. دو متهم دیگر به اسامی بارت فرتنتن و سباستین دلفریه در این فصل در جام قهرمانی اروپا حضور داشته‌اند و پس از ایراد اتهام از سوی دادستان‌ها بلژیک برکنار شده‌اند.

### بازرسی و دستگیری در کشور دیگر

در جریان عملیات بزرگ پلیس بلژیک از جمله مراکز باشگاه‌های فوتبال بروژ، «ار اس ت اندرلشت»، «استاندارد لوتیش» و «روپال آنتورپن» نیز مورد بازرسی قرار گرفتند. در جریان همین بازرسی‌های ایوان لکو سرمربی تیم «بروژ» که این تیم را فصل گذشته در برابر «بروسیا دورتموند» هدایت می‌کرد

مجی بیات دوست ندارد او را مشاور فوتبال‌بلیست‌ها معرفی کنند. او، عنوان «مشاور باشگاه» را ترجیح می‌دهد. این واسطه‌ی ایرانی تبار باشگاه‌های بلژیک، درباره خودش گفته است: «هدف من این است که به باشگاه‌های بلژیک کمک کنم تا بازیکنان خود را به بالاترین قیمت ممکن بفروشند.»

مجی (مجی‌بی؟) بیات، آنطور که اشپیکل آن‌لاین روز ۱۲ اکتبر نوشته است، چهره مرکزی رسوایی بزرگی است که به تازگی در فوتبال بلژیک افشا و منجر به تشکیل یک پرونده قطور از سوی دادستانی کل این کشور شده است. در چارچوب این پرونده که اتهاماتی مثل پولشویی، فساد و جرائم سازمان یافته را در بر می‌گیرد، ۲۹ تن دستگیر و علیه ۱۹ تن از آنان اعلام جرم شده است. چهره مرکزی این گروه یک ایرانی تبار به نام مجی بیات است که رسانه‌های بلژیک از او به عنوان «قیصر» نام می‌برند. ضمناً این لقبی است که تا کنون به خاطر نفوذ فوق‌العاده‌ی بکن باوئر فوتبال‌بلیست معروف آلمان به او اختصاص داشته است.

بر اساس گزارش روزنامه بلژیکی «هت لانتسه نیوز» یا «چال‌ان»، مجی بیات تا کنون ۹۰ درصد بازار فوتبال بلژیک را تحت کنترل داشته است. خبر بازداشت وی در رأس یک گروه ۲۹ نفره برای نخستین بار روز جمعه ۱۲ اکتبر در رسانه‌های بلژیک منتشر شد. نشریه «د تیجد» بلژیک با توجه به تأثیر شگرف مجی بیات از او به عنوان «قیصر» نام برده، اما هم‌زمان تأکید کرده که شاید عنوان «پدرخوانده» برای او مناسب‌تر باشد. به نوشته اشپیکل آن‌لاین، بیات باید چهره کلیدی رسوایی تقلب و فساد در باشگاه فوتبال بلژیک را به لرزه در آورده است. اشپیکل آن‌لاین می‌نویسد:



داریوش همایون

(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به بازنشر گلچینی از آثار داریوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

داریوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌ای نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از

## دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۹۱)

(کیهان لندن شماره ۱۲۷۲)

### احمد احرار

مخفف (North Persia Force) به ژنرال آبرونساید محول شده بود. در دیداری که نورمن و آبرونساید با مشیرالدوله داشتند متفقاً خواستار آن شدند که آبرونساید روسی فرماندهی برکنار و جای صاحبمنصبان روسی قزاقخانه به افسران انگلیسی سپرده شود. وزیر مختار انگلیس در گزارش محرمانه و فوری خود به لندن (۲۵ اکتبر ۱۹۲۰) از جمله می‌نویسد:

«وضع و احوالی که به‌هنگام ارسال تلگراف قبلی من وجود داشت (و به مشکلات متعدد ناشی از عزل فوری ژنرال آبرونساید اشاره کرده بودم) در نتیجهٔ حوادث شمال ایران بکلی از بین رفته و وضع به‌صورتی درآمده است که من و ژنرال آبرونساید هر دو عقیده داریم فرصتی مطلوب برای حل این قضیه به‌دست آمده است که نباید آن را از دست داد زیرا تقریباً حتمی است که چنین فرصتی دیگر به‌دست نخواهد آمد.

از همین رو، ژنرال آبرونساید و من متفقاً به دیدار رئیس‌الوزرا رفتیم و پس از تشریح اوضاع شمال، او را تشویق کردیم که ژنرال آبرونساید را بی‌درنگ از مقام خود برکنار و یک افسر ارشد ایرانی را

پرچم سرخ در رشت به‌هتزاز درآمد. انگلستان نیز به دو هدف مهم خود - عزل آبرونساید و سقوط کابینهٔ مشیرالدوله - دست یافت.

وزیر مختار انگلیس در ایران طی گزارش خود به لندن (مورخ یازدهم سپتامبر ۱۹۲۰) می‌نویسد: «دشمنان ما در حال حاضر حداکثر کوشش خود را برای ایجاد این شبهه به‌کار می‌برند که ما نیروهای بالشویک روسیه را عمداً برای منهدم ساختن لشکر قزاق ایران به‌کار گرفته‌ایم و پس از تکمیل این قسمت از مقاصد خود خیال داریم افسران روسی این لشکر را اخراج کنیم و خود در ایران فعال مایشاء شویم. حتی ایرانیان بر این باورند که ما در خفا کمک‌های مالی به بالشویک‌های مهاجم می‌رسانیم و برای رسیدن به هدفهای فوق‌الذکر با آنها همدستیم.»

در پی این گزارش، نورمن به مذاکراتش با آبرونساید اشاره می‌کند و آنچه که دربارهٔ شکست قزاقان از زبان وی شنیده است:

«فترات و افسران تحت فرمان من در این جنگ عملاً برای حفظ منافع انگلستان در ایران می‌جنگیدند در حالی که در تمام این مدت از این حقیقت یأس‌آور اطلاع داشتند که انگلیسی‌ها تصمیم دارند به‌محض

قوای دولتی در آستانهٔ ورود به بندر انزلی با آتش توپخانه کشتی‌های جنگی روسیه مواجه شد.

پس از آن که رشت به‌تصرف قوای دولتی درآمد، رهبران دولت موقت به انزلی گریختند و قصد داشتند با کشتی روسی که در ساحل ایران لنگر انداخته بود خود را به بادکوبه برسانند. اما فرمانده کشتی متعذر شد که چنین دستوری ندارد.

در حقیقت، فرماندهان روسی دستور داشتند که از جای خود نجنبند و منتظر قوای کمکی باشند زیرا دولت روسیه نمی‌خواست به‌آسانی در برابر قشون اعزامی تسلیم شود و از گیلان دست بکشد. به‌زودی، قوای امدادی از راه رسید و کشتی‌های جنگی روسیه قزاق‌های ایرانی را هدف آتش توپخانه قرار دادند.

قزاق‌ها چنین برخوردی را انتظار نداشتند. آترپاد آر دبیل و اصفهان که آبرونساید مأمور تصرف انزلی و پایان دادن به کار «متجاسرین» کرده بود، در فاصله یک ساعت از هم پاشید. تلی از اجساد کشته و زخمی زمین را پوشاند و هفده تن از صاحبمنصبان قزاق که دستگیر شده بودند به‌دستور احسان‌الله خان بلافاصله اعدام شدند. در همین حال ناگهان هواپیماهای انگلیسی نیز در آسمان ظاهر گشتند



به‌جای او تعیین کند که اسماً فرمانده لشکر قزاق باشد ولی عملیات نظامی را به کمک افسران انگلیسی انجام دهد. آبرونساید برای مشیرالدوله توضیح داد که اگر کار به همین نحو انجام شود نوسازی لشکر قزاق و پس گرفتن شهر رشت از بالشویک‌ها کاری نسبتاً آسان خواهد بود و پس از آن می‌توان راههای تدارکاتی دشمن را قطع و او را مجبور به تخلیهٔ انزلی کرد... رئیس‌الوزرا همچنان که انتظار داشتیم با گماردن افسران انگلیسی به‌جای افسران روسی، با این استدلال که چنین اقدامی مغایر با سیاست جاری دولت است، مخالفت کرد و گفت راه حل دیگری باید در نظر گرفته شود و پیش از اتخاذ تصمیم قطعی در این خصوص ناچار است با شخص شاه و برخی همکاران نزدیکش مشورت کند. ژنرال آبرونساید و من متفقاً پاسخ دادیم که راه حل دیگری وجود ندارد و غیر عملی بودن برخی راههای دیگر را که مشیرالدوله پیشنهاد می‌کرد تذکر دادیم. در عین حال یک بار دیگر خاطر نشان ساختیم که دولت بریتانیای کبیر از این پس هیچگونه تعهد مالی برای تأمین احتیاجات نیروی قزاق ایرانی برعهده نخواهد گرفت مگر این که پیشنهادهایش پذیرفته شود...»



ژنرال آبرونساید ۱۹۲۰ در ایران

برطرف شدن خطر حملهٔ بالشویک‌ها به تهران، تشکیلات قزاق را از بین بردند. وقوف بر این سرنوشت تلخ، از ایمان و حرارتشان برای دفع حملهٔ بالشویک‌ها کاسته بود به‌طوری که همه‌شان با آکراه می‌جنگیدند در حالی که مسلک بالشویزم در چشم سرباز عامی و بیسواد ایرانی مفهومی جز مخالفت با استعمار انگلستان نداشت و به‌همین دلیل از نظر آنها امری محبوب و دلپسند شمرده می‌شد.

سیاست لندن در این مورد از نظر افسران روسی قزاقخانه پنهان نبود زیرا لرد کرزن بی‌وقفه برای برکناری آبرونساید و کوتاه کردن دست فرماندهان روسی فشار می‌آورد و نورمن، با آن که موافق سیاستهای کرزن نبود، نظرات لندن را به رئیس‌الوزرا و از طریق وی به شاه ایران منعکس می‌ساخت. شکست قزاقها در لشکرکشی به گیلان، نورمن را نیز با کرزن در مورد کنار زدن آبرونساید هم‌عقیده ساخت. در این ایام فرماندهی قوای انگلیس در شمال ایران (نور پر فورس

و زمین را زیر آتش گرفتند. برخی ناظران، این رویداد را ناشی از تبانی روس و انگلیس به منظور از بین بردن قوای قزاق (باقی ماندهٔ قزاق‌های تزاری در ایران) دانسته‌اند، از آن جمله، حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی نوشته است: «اردوی دولتی پس از توقف مختصر در رشت، بی آن که سرنوشت خود را درست مطالعه کند و بی آن که از نقشه دشمن و تهیه‌ای که از پیش رو و عقب سر برای او دیده شده است آگاه باشد به‌هوای این که متجاسرین را به دریا بیزد به‌جانب انزلی روانه می‌گردد. اینجاست که لب‌های به‌مصلحت روپیم گذارده شدهٔ نظامیان انگلیس در اطراف قزوین به خنده گشوده می‌شود و دیدگان اردوی دولتی در سایهٔ غرور و اغفال صاحبمنصب روسی به گریه می‌افتد چه، در مردابهای انزلی اردو پیش می‌رود که ناگهان از دریا گلوله‌های توپ‌های دور زن از سر اردو گذشته صحرا را پر آتش می‌کند و با گلوله‌های شصت‌تیر که از اطراف می‌رسد، جوانان ایرانی مانند برگ خزان به خاک می‌ریزند و از این بلا بدتر بلای بمباردمان طیاره‌های انگلیسی است که از طرف قشون مقیم بکندی (نزدیک قزوین) بر سر آنها می‌شود. آیا این وضعیت اجازه نمی‌دهد که انسان تصور نماید آن عقب‌نشینی بی‌صدای بالشویک‌نمایان تا لب دریا و کشاندن اردوی دولتی به مردابهای انزلی و آتشباری بر آنها از دریا و صحرا و بمبارده کردن طیاره‌های جنگی همه از روی یک نقشه و با یک فرمان و برای یک مقصود بوده باشد؟»

تئوری توطئه را به‌آسانی نمی‌توان پذیرفت ولی این واقعه از یک طرف روسیه و از طرف دیگر انگلستان را خرسند کرد. روسیه پایگاههای خود را در شمال ایران حفظ کرد و بار دیگر

## سیاست شانزده ساله‌ها

کیهان لندن شماره ۱۱۷۰ - ۱ شهریور ماه ۱۳۸۶

### بازنشر

بزرگی برسند. آنها آنچه را که رفتار مؤدبانه good manners می‌نامند به عرصه عمومی نیز راه دادند. آموختند که خود و دیگران را بشناسند و سرمشق بسیاری دیگر شدند. من بحث‌های پارلمان بریتانیا را از نزدیک دیده‌ام. دو سوی بحث در مخالفت با هم، در میل سوزان وارد کردن ضربت‌های خرد کننده بر یکدیگر از هیچ کس در جهان کم ندارند، و مانند همه سیاستگران مسوول در جامعه‌هایی که مردم مانند حیوانات به جان هم نمی‌افتند، در گیر مسائل واقعی جامعه‌اند، اموری که مستقیماً بر زندگی میلیون‌ها تأثیر می‌گذارد. اما ادب و احترام و شوخ طبعی مشهور بریتانیایی نمی‌گذارد کار به دشمنی و بی‌زاری برسد و هم‌آوردان به آسانی

اصلاً گرفته نشده است. باز هر موضوع مایه اختلافی، همه ضعف سیاسی ایرانی و گرایش خودویرانگر آن را پدیدار می‌کند. تفاوت نمی‌کند که موضوع، پاک کردن حساب با یک رقیب سیاسی باشد یا مسأله نامربوطی مانند ۲۸ مرداد (برای مردمی که نمی‌دانند فردا چگونه در چشم فرزندان گرسنه خود نگاه کنند) یا اموری که می‌تواند با موجودیت ایران سروکار داشته باشد - اینکه ایرانیان از هر گروه قومی (زبانی) چگونه با هم به عنوان ایرانی زندگی کنند. بحث سیاسی، جنگ با وسائل دیگر است، به همان قصد کشت - اگر واژه‌ها را می‌شد بجای کار به کار برد. هنگامی که پاره‌های نوشته‌ها را می‌خوانیم، با زهری که از هر جمله

در سیاست ایران، مانند روانشناسی ایرانی، عواطف تند بالاترین جا را داشته است، بالاتر از واقعگرایی، مصلحت ملی، حتی سود شخصی در تنگترین تعبیر آن. ما مردمی هستیم که زود برانگیخته می‌شویم، به زبان دیگر تعادل خود را از دست می‌دهیم، زیرا انسان هر چه از بلوغ عاطفی دورتر باشد زودتر و بیشتر دستخوش عواطف تند است. عاطفه تند (یا شور) را در اینجا از نداشتن معادل بهتر به معنی passion می‌آوریم که، چنانکه هیوم به ما آموخت، زمینه اصلی روان آدمی است. خرد و انтелکت که ما می‌گوییم که چگونه با عواطف خود کنار آئیم و آنچه را که خاطر خواه آنهاست به عمل درآوریم. از اینجاست که بلوغ عاطفی از بلوغ عقلی بسیار مهمتر است. انسانی



پارلمان بریتانیا

می‌توانند با هم بنشینند و جامی برزند. ما لازم نیست در زندگی سیاسی خود ادبی را که در زندگی شخصی گاه به افراط به کار می‌بریم کنار بگذاریم. عرصه عمومی نیز خوبشونداری و رعایت حال دیگری را لازم دارد. متمم شدن یعنی پذیرفتن مخالفت و تفاوت، به عنوان بخش دیگری از آنچه تعادل اجتماعی را می‌سازد. جامعه متعادل یک شکل نیست؛ چندگرا و چند گونه است.

هیچ چیز غم‌انگیزتر از گرایش به بریدن همه رشته‌ها، به ناممکن کردن هر توافقی اگر چه به سود همگان، در گفتار و کردار بسیاری از سیاستاران نیست. آنها لذتی را که از راندن طرف مقابل به کینه و دشمنی می‌برند نمی‌توانند پنهان کنند زیرا خود در چنان فضایی می‌ریزند. ایرانی در نابسندگی عاطفی‌اش عادت کرده است. جهان را در خود خلاصه و کوچک کند. حق با اوست و دیگر همه چیز رواست. ولی مردمان می‌توانند به پایگاهی برسند که خود را با جهان یکی کنند، بکوشند که با جهانشان بزرگ شوند. این معنی واقعی رشد همه‌سویی شخصیت است. ما از اینگونه مردمان بسیار داشته‌ایم. گاه و بیگاه یکی از آنها توجه جهانیان را به خود می‌گیرد. در سده نوزدهم خیام بود که نگاه تردید آمیزش را بر باورهای ریشه دار و از آسمان به زمین انداخت؛ از اواخر سده بیستم مولوی، رومی، شده است که از مذهبی متعصب آغاز کرد و به پروازهای بلند رسید. پیش از آنها در سده‌های میانه این ابن‌سینا بود که آغازگر بیرون آمدن اروپائیان از قرون وسطا شد. شاید به پیش‌بینی یک نویسنده تاجیک، نسل‌های آینده به زرتشت روی کنند که از همه بیشتر به کار ساختن این جهان از روی نمونه ناشناخته جهان میونی می‌آید.

گاهگاهی اندیشیدن به این سرمشق‌ها در میان غوغای مبتدل روزانه نمی‌باید چندان دشوار باشد.

می‌تراود، به خوبی می‌توانیم تأسف می‌نویسند که چرا واژه‌ها را نمی‌توان مانند کارد به کار برد دراییم؛ چنین است که در زیر رژیمی که به دشمنی و کشیدن مرزهای خون و آتش میان خود و دیگری، دیگری را حد کمترین تفاوت، زنده است، آن دیگران نیز، همه از مخالفان و رنج‌دیدگان همان رژیم، بی‌دریغ هیزم یک سو نگرى در تنور تنفر و دشمنی می‌ریزند.

رساندن هر اختلاف نظر به دشمنی تا جایی که هیچ راهی برای گفت و شنود و برخورد باز نماند، هر روز دیوارهای ستبرتری را میان گروه‌های بیشتری بالا می‌برد. اندک اندک می‌توان از این بیمناک شد که، به سخن ریمون آرون درباره فرانسه دهه سی، ایران تنها در تنفری که ایرانیان از هم دارند وجود داشته باشد.

برای کسانی که مانند دشمنان کنونی و دوستان پیشین خود در اردوی اسلامی، عمری را در دشمنی و کینه خواهی گذرانده‌اند شاید دیگر دیر شده باشد ولی بقیه ما، اکثریتی که کشور و اجتماع را برای زندگی بهتر همکاران، از جمله مخالفان و دگران‌دیشان، می‌خواهند می‌باید بازنگری سراسری در رفتار و رویکرد خود بکنیم. اینهمه میدان دادن به پست‌ترین، به‌معنی غیر اجتماعی‌ترین عواطف، ما را به کجا خواهد برد؛ کدام جامعه بشری توانسته است با معایب اجتماعی خود پایدار بماند، و کدام عیب بدتر از ناتوانی زیستن در کنار دیگری است که به ناچار و بنا بر تعریف نمی‌تواند همانند ما باشد؟

بریتانیایی‌ها که به خشم و کین و رفتن تا پایان خشم و کین شناخته‌اند (هیچ زبانی مانند انگلیسی کار اسلحه را نمی‌کند) پس از آنکه شصت سال سده هفدهم را در جنگ داخلی و کشاکش‌هایی که ما هنوز به شدت و ژرفایش نمی‌رسیم بسر بردند، و پس از سده‌های خونبار پیش از آن، آموختند که چگونه با هم بزیند و کار کنند و به

که به بلوغ عاطفی برسد می‌تواند تعادل در رفتار داشته باشد و سود شخصی روشنی‌ای به خود را بازشناسد. تعادل در رفتار یک عنصر فرزانگی است و فضای اجتماعی را قابل زندگی‌تر می‌کند؛ و سود شخصی روشنی‌ای به هر کس بخشی از خیر همگانی است و از این رو، سود شخصی برتری است. آنکه جنگل را بی‌دریغ می‌برد خودش نیز، اجتماع به کناره، از آنکه جنگل را در همان حال باز می‌کارد زیانکارتر خواهد بود. هوشیهر (IQ) و انتلکت اگر بار شد عاطفی همراه نباشد می‌تواند در خدمت زشتی و بدی قرار گیرد و فرد و پیرامونش را به ویرانی کشد.

گذشته نزدیکتر ما نشان می‌دهد (رفتن به دورترها لازم نیست) که جامعه ما از نظر رشد عاطفی رویهم‌رفته با یک نوجوان شانزده ساله قابل قیاس بوده است: کینه و خشمی که همواره از زیر پوست بیرون می‌جهد، زود رنجی از کمترین خلاف انتظار، و بی‌اختیاری در بر آوردن خواست‌ها بلکه هوس‌ها؛ سستی و زودبآوری از یک سو و آشتی‌ناپذیری و سرسختی در برابر واقعیت‌ها از سوی دیگر؛ آمادگی برای هر زیاده‌روی؛ شتابزدگی در تصمیم‌گیری و قضاوت؛ انداختن هر مسؤلیتی از گردن خود؛ نه عیبی در خود دیدن، نه هیچ نظر خطا‌پوشی به دیگری انداختن. در ستایش به بت سازی رسیدن و در نکوهش تا نابودی همه چیز رفتن.

این فهرست را درازتر هم می‌توان کرد و رفتار ناپخته و غیر مسوول بخش بزرگ و نگران کننده‌ای از طبقه سیاسی ایران جانی برای استئنا کردن سرامدان نیز نمی‌گذارد. اگر ما صدسال گذشته را که دوران بیداری، دوران تجدد و ریاست ما به کاروان جهان پیشرفته بود به این نکتی‌نویسانده‌ایم که معلوم نیست بیرون آمدن از آن چه نکت دیگری در پی داشته باشد، از همین نارسیدگی جامعه ایرانی بوده است. بدتر از همه، گویی آنچه در سدها قبول کردنش می‌ارزد...»



درباره شورش

۱۵ خرداد ۱۳۴۲  
۱۶ نوامبر ۱۹۶۳ - ۲۵ آبان ۱۳۴۲

«... تلقی و ارزیابی من از اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران تا حدودی با مال شما فرق دارد و حتی در مواردی با [ارزیابی] رفقای تهران نیز فرق پیدا کرده، یعنی آنها، حادثه پانزدهم خرداد [۱۳۴۲] را نوعی تفسیر می‌کند که به نظر من، تصور واهی است» (نامه‌ها، ص ۱۳۹)

۱۳ دسامبر ۱۹۶۳ - ۲۲ آذر ۱۳۴۲  
«... پس از ۱۵ خرداد [۱۳۴۲] هیچ تازه‌ای مهم، پیش نیامده. تفسیر اوضاع ۱۵ خرداد به نظر من، همان است که من کرده بودم. رفقای تهران نیز کم کم دارند به همان نتیجه می‌رسند» (ص ۱۵۲)  
در نامه انتقادی به «جامعهٔ سوسیالیست‌های ایران در اروپا» (آوریل ۱۹۶۳ = فروردین ۱۳۴۲)  
«... این که نوشته‌اید: در ایران جنبش‌های انقلابی را به مناسبت حسن روابط ایران و شوروی در هم خواهند کوبید، باید به عرضتان برسانم که در نتیجهٔ ندانم کاری‌های جبههٔ ملی [دوم] و دنباله روی ما و شما از آنها، متأسفانه جنبش انقلابی‌ای در ایران باقی نمانده است تا کوبیده شود. در ایران، فعلاً یک جنبش واقعی ارتجاعی وجود دارد که به اصلاحات نیم بند کنونی نیز عقیده ندارد و فتودال‌ها و برخی از روحانیون واپس گرا، آن جنبش را بوجود آورده‌اند و می‌خواهند رژیم شاه را وادار به تجدید نظر دربارهٔ اصلاحات نیم بند (که چیزی بیشتر از ریشخند است) کنند (۱) و متأسفانه جبههٔ ملی [دوم] نیز از این جنبش ارتجاعی جانبداری می‌کند، در حالی که مانند گذشته، این جبههٔ ملی نخواهد بود که از این همکاری بهره برداری کند، بلکه ارتجاعیون خواهند بود که با الت کردن جبههٔ ملی [دوم] از اوضاع بهره برداری خواهند کرد. (نامه‌ها، ص ۱۱۶)

مهم‌ترین ویژگی «جامعهٔ توده وار» (Société de Masse)، فقدان طبقات و تشکل طبقاتی است. برخلاف جامعهٔ مدنی (Société civile)، در «جامعهٔ توده وار»، شکست‌ها و ناکامی‌ها و اشتباهات خانمانسوز روشنفکران و رهبران سیاسی، جانی مندرج یا متمرکز نیست. «کارنامه» ای نیست تا ارائه و ارزیابی گردد، لذا آگاهی‌های سیاسی-اجتماعی جامعه، سیال یا غیرمتمرکز است. در واقع، «جامعهٔ توده وار» فاقد حافظهٔ تاریخی است. (میرفطروس، برخی منظره‌ها...، ص ۱۶۴)  
در چنین شرایطی است که روشنفکران و رهبران سیاسی نیز-در پیوند با «توده‌ها»- زمینه ساز قدرت خودکامگان و حکومت‌های جبار می‌شوند. در واقع، پوپولیسم، فاشیسم و توتالیترایسم محصول مشترک «توده‌ها» و روشنفکران است.

خلیل ملکی همواره از «روح توده‌ای»، از وجود یک «توده بی شکل» نگران بود و آن را زمینه ساز حکومت‌های جبار می‌دانست:  
«... در توده‌های بدون تشکل (شکل؟)، یک «روح توده‌ای» به وجود می‌آید که قضاوت‌ها و اعمال آن «روح توده‌ای» با قضاوت و اعمال فرد فرد آنها متفاوت و احیاناً متناقض است. افراد باهوش و با قضاوت صحیح، در حین توده‌ای گردیدن، شخصیت خود را از دست داده و در توده، منحل شده و هرگونه شخصیت و قضاوت صحیح خود را از دست می‌دهند. در عصر حاضر، قدرت‌های توتالیتر بطور مصنوعی این «روح توده‌ای» را به وجود آورده و آن را در خدمت هدف‌ها و تبلیغات خود قرار داده‌اند... هر کس، وقتی در توده، منحل شود، یک احمق از آنها ساخته می‌شود...» (نامه‌ها، ص ۱۲۰ و ۳۵۴).

انقلاب اسلامی سال ۵۷ نشان داد که آن «روح توده‌ای» که خلیل ملکی همواره نگران بود و ظهورش را هشدار می‌داد در «روح الله» (خمینی) متجلی شد و شگفتا که -باز- رهبران جبههٔ ملی، زمینه سازان قدرت و حکومت این «روح خدا» بودند و ... در آغاز، «سیاست» را «هنر تحقق

# دکتر محمد مصدق؛ آسیب شناسی یک شکست

باز نشر

بخش (۱۳)

علی میرفطروس

\* نگاهی به کارنامهٔ سیاسی دکتر محمد مصدق

\* دکتر جلال متینی \* ناشر: شرکت کتاب، آمریکا، ۱۳۸۴

● دکتر صدیقی خطاب به دکتر مصدق: «شما می‌خواهید وزیر و دستگاه دولت، نوکر شما باشد!»

● باطمینان می‌توان گفت که مصدق از هر نخست وزیر دیگری در تاریخ مشروطیت ایران، اقتدار و قدرت بیشتری داشت.

● چاپ محرمانه ۳۱۲ میلیون تومان اسکناس اضافی توسط دکتر مصدق و ترس از استیضاح نمایندگان، مصدق را وادار به انحلال مجلس کرده بود.

محمدعلی موحد می‌افزاید: ملاحظه دیگری که مصدق را به فکر انحلال مجلس انداخت این بود که دولت به قطع و یقین، موقعیت خود را در میان نمایندگان از دست داده بود. مصدق به خوبی می‌دانست که در میان ۸۰ نفر نمایندگان مجلس، هواداران واقعی او یعنی اعضای فراکسیون نهضت ملی، در اقلیت بودند. دیگران، یا رسماً و علناً با او مخالفت می‌کردند و یا اگر به ظاهر خود را مستقل و بی طرف وانمود می‌کردند در درون با او خوش نبودند... مصدق مطمئن بود که اگر کار استیضاح به جوابگویی دولت و درخواست رای اعتماد می‌انجامید، بارای منفی اکثریت مجلس مواجه

در ۶ ماه گذشته، تغییر و دگرگونی شدیدی در پشتیبانی از مصدق میان رهبران سیاسی صورت گرفته است. اکثر عناصر اولیه جبهه ملی اینک در حال مخالفت آشکار و پنهان با مصدق می‌باشند... نشانه‌ها حاکی از برخورد میان مصدق و حزب ایران (یکی از آخرین سازمان‌های تشکیل دهنده جبهه ملی) است. به نظر می‌رسد که بیشترین اتکای مصدق، به نیروهای امنیتی و انتظامی است که او - خود به من گفته - اعتمادی به آنان ندارد» (هندرسون، مه ۸، ۱۹۵۳، شماره تلگراف ۵/۷۸۸، ۱۱/۵/۳۰۵۳).

## اندیشه انحلال مجلس



با آغاز حکومت مصدق، کمک‌های آمریکا به ایران از ۵۰۰ هزار دلار به ۲۳ میلیون دلار افزایش یافت

می‌شد. از یادداشت‌های مهندس حسینی (یار وفادار مصدق) بر می‌آید که در داخل اردوی هواداران مصدق نیز تفرقه و تشتت حکمفرما بود. بنا به نوشته مورخ ۱۳ تیرماه وی، وکلای نهضت آجیهه ملی با دکتر غلامحسین صدیقی - وزیر کشور- درافتاده بودند و صدیقی - در حضور خود مصدق - گفته بود: «شما می‌خواهید وزیر و دوستگاه دولت، نوکر شما باشد!»

مهندس حسینی در همین ایام از شیوع احساس عدم رضایت در میان وکلای طرفدار دولت مصدق سخن می‌گوید. (موحد، ج ۲، ص ۷۶۱-۷۶۲).

گفتیم که در حکومت‌های پوپولیستی، قانونی شدن اراده عمومی و «مصلحت ملی»، قانونی می‌گردد و تحقق خواست‌ها و تمایلات «پیشوا» به هدف اصلی جنبش بدل می‌شود. از نظر «پیشوا» جوهر جنبش او در نص قوانین موضوعه (خصوصاً قانون اساسی) نیست بلکه در درک و تفسیری است که «پیشوا» می‌تواند از قوانین داشته باشد. بهمین جهت، او در موارد اساسی، به «روح قانون» و «مصلحت اجتماعی» (که در واقع، روح و مصلحت خود او است) استناد می‌کند و حضور هیجانی «توده مردم» را ملاک درستی عمل و «قوه تمییز و تشخیص مردم» می‌داند. کسب اختیارات فوق العاده ۶ ماهه و سپس یکساله، تحقیر و تهدید نمایندگان مجلس، بی توجهی به اراده

دکتر مصدق در خاطرات خود می‌نویسد که دو چیز او را به انحلال مجلس واداشت، اول: انتخاب مکی به عضویت هیأت نظارت بر اندوخته اسکناس از سوی مجلس. (خاطرات، ص ۲۵۴)  
مصدق در این مدت که از عواید نفت خبری نبود و مخارج دستگاه نفت هم سربار هزینه‌های دیگر دولت بود، امور کشور را با چاپ محرمانه سیمصد و دوازده میلیون تومان اسکناس اضافی اداره کرده بود و از آن می‌تسید که مکی - بعد از حضور در جلسات هیأت نظارت و دسترسی به اسناد و مدارک - پرده از آن راز بردارد. افشاکری مکی - البته - به افزایش نرخ تورم در قیمت‌ها می‌انجامید و ناراحتی و نارضایتی حاصل از مضیقه اقتصادی را دامن می‌زد. مکی در ۶ مرداد ۳۲ گفت: «بطوری که شنیده ام و در بعضی از جراید هم منتشر شده است، آقای نخست وزیر از انتخاب این جانب به سمت نظارت بانک ملی خیلی عصبانی هستند. علت عصبانیت ایشان خیلی واضح است، زیرا از دو حال خارج نیست، یا دولت اسکناس اضافی منتشر کرده یا نکرده است. اگر منتشر کرده باشد بیم آن دارد که اگر من از آن مسأله خبردار شوم، ملت ایران را در جریان خواهم گذاشت. پس لایذ فعل و انفعالی صورت گرفته که دولت از انتخاب من تا این حد نگران است.» (روزنامه اطلاعات، ۶ مرداد ۳۲، به نقل از موحد، ج ۲، ص ۷۶۱)

مکی در نامه‌ای به دکتر نصیری - مدیر کل بانک ملی ایران که رونوشت آن را به رئیس دیوان عالی کشور و دادستان تهران فرستاد - تأکید کرد که «از نظر اجرای قانون، هر نوع فعل و انفعالی در نشر اسکناس و همچنین هر نوع فعل و انفعالی در پشتوانه اسکناس به عمل آید باید با نظارت کامل این جانب باشد.»  
«چنانچه دولت آمریکا در اجرای این برنامه اصلاحات به وی اعتماد ندارد، او حاضر است که با هر شخص دیگری که بتواند این اصلاحات را به ثمر برساند، همکاری کند و وی را مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد و از کوشش‌های خود برای رسیدن به نخست وزیری، منصرف گردد» (گزارش ۲۰ مه ۱۹۵۳ = ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۲).  
روند و قتل سرلشکر افشارتوس (رئیس شهربانی هوادار دکتر مصدق) و شکنجه دستگیرشدگان جهت اعتراف به مشارکت دکتر بقائی در قتل وی، اقدام مصدق برای سلب مصونیت پارلمانی از دکتر بقائی و سپس استیضاح دکتر مصدق در مجلس توسط علی زهری (درباره شکنجه و زجر و آزار متهمان به قتل افشارتوس) فضای سیاسی و پارلمانی ایران را آشفته‌تر ساخت. در این میان احضار سرلشکر زاهدی و تحصن وی در مجلس شورای ملی، زاهدی را به مرکز توجه مخالفان سیاسی مصدق تبدیل کرد بطوری که با استقبال و پذیرائی نمایندگان مجلس از زاهدی، روز به روز افراد و اعضاء مهم جبهه ملی بیشتر از مصدق فاصله گرفته و به صف مخالفان وی پیوستند آنچنانکه بزرگترین متحد سیاسی دکتر مصدق (آیت‌الله کاشانی) در ۱۵ تیر ماه ۱۳۳۲ در اعلامیهٔ شدیدالحنی، دکتر مصدق را «هیواد آزادی ایران» و «باغی طاعنی» خواند که «در کشور مشروطه ایران، په خیال خداوندگاری افتاده است» (موحد، ج ۲، صص ۷۴۴-۷۴۵ و ۷۵۹).  
هندرسون در گزارش ۸ مه ۱۹۵۳ = ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۲ می‌نویسد: «... این حقیقت که سرلشکر زاهدی - بهنگام تحصن در مجلس - مورد استقبال دوستانه نمایندگان مجلس قرار گرفته، نشان دهنده کاهش نفوذ و اعتبار دکتر مصدق در مجلس است.

ممکنات» تعریف کردیم و گفتیم آنانی که خواسته‌اند تا در هاله‌ای از آرمان‌گرایی، مطلوب خواهی و شهامت طلبی عمل کنند، نه تنها خود، بلکه جامعه ایران را به پرتگاه‌های بی بازگشت سوق داده‌اند. در واقع، بسیاری از دولتمردان و سیاستمدارانی که در میان دو سنگ آسیاب قدرت‌های استعماری انگلیس و روسیه، زیسته بودند، کوشیدند تا با درک «هنر تحقق ممکنات»، سیاست ورزی کنند و مشکلات جامعه را به پیش برند. دکتر مصدق که رضاشاه و رزم آرا و دیگران را بخاطر چنین سیاستی، «خیانتکار» نامیده بود، اینک خود، در زیر سنگ آسیاب شرایط و در

عوامل حساسیت‌ها و احساسات و عوام‌پسندی و حفظ «جاهت ملی»، می‌کوشید تا راهی به ساحل عافیت بیابد. مصدق که مسأله مالی با شرکت نفت ایران و انگلیس را به یک مسأله سیاسی تبدیل کرده بود، اینک با بن بست یا شکست در «جنگ خارجی» (مذاکرات نفت)، جنگ داخلی (مبارزه با شاه و مخالفان سیاسی خود) را برجسته کرده بود.  
باطمینان می‌توان گفت که مصدق از هر نخست وزیر دیگری در تاریخ مشروطیت ایران، اقتدار و قدرت بیشتری داشت و بقول حسین مکی: «اختیاراتی که مصدق داشت، (حتی) چرچیل هم در دوران جنگ جهانی دوم نداشت» (مکی، ج ۱، ص ۱۹۷؛ متینی، ص ۳۱۰).

با این حال، بخاطر فقدان «هنر تحقق ممکنات» یا بقول خلیل ملکی پای بندی به «همه چیز یا هیچ چیز»، مصدق درگیر کارزاری شده بود که همه چیز را از دست می‌داد. به عبارت دیگر، مصدق درگیر کارزاری شده بود که امکان پیروزی رد آن ناچیز بود. (فخرالدین عظیمی، تجربه مصدق در چشم‌انداز آینده ایران، صص ۳۰ و ۳۳)  
چنانکه در گزارشات هندرسون دیدیم: تا ۹ خرداد ۱۳۳۲ (= ۳۰ مه ۱۹۵۳) شاه - هنوز - ادامه حکومت مصدق را بر هرگونه انتخاب یا انتصاب شخص دیگر به نخست وزیری ترجیح می‌داد و اساساً به دنبال برکناری مصدق از طریق پارلمان بود. شاه در مذاکره با سفیر آمریکا درباره نخست وزیری سرلشکر زاهدی تأکید کرده بود که «زاهدی باید از راه قانونی و پارلمانی به قدرت نشاندن شود نه از راه کودتا». هندرسون در ادامه گزارش خود تأکید کرده بود که «اگر زاهدی با یک کودتا بر سر کار آید، شاه در حمایت از او دو دل

و افکار اعضاء هیأت دولت و تنزل مقام و منزلت آنان تا حد «دفتردار»، انحلال مجلس و سپس بی توجهی به فرمان عزل خود توسط شاه و تفسیر شخصی مصدق از «روح قانون اساسی»، نمونه‌ای از عملکردهای یک «پیشوا» در نظام‌های اقتدارگرا (autoritaire) است.

محمدعلی موحد، با علاقه و احترام عمیق خود نسبت به دکتر مصدق، مصفاغه می‌نویسد: «انحلال مجلس - البته - به موجب تفسیر اصل ۴۸ قانون اساسی در اختیار شاه بود، اما مصدق نمی‌خواست آن تفسیر را به رسمیت بشناسد و حاضر نبود چنین تقاضایی را از شاه بکند و می‌دانست که در صورت تقاضا هم، شاه آن را نخواهد پذیرفت. بنابراین، تنها راه انحلال مجلس، توسل به فرزندوم بود، اما فرزندوم در ایران سابقه نداشت و برخی از اعضاء فراکسیون نهضت ملی آن را نمی‌پسندیدند. مهندس حسینی در یادداشت مورخ ۱۹ تیرماه [۳۲] از پارسا و معظمی و رضوی و سنجابی نام می‌برد که با فرزندوم (برای انحلال مجلس) مخالف بودند و در ۲۰ تیرماه، یادداشت می‌کند که خود، همراه نقوی نزد مصدق رفته و او را از فرزندوم برای تعطیل مجلس برحذر داشته است» (موحد، ج ۲، صص ۷۶۲-۷۶۳).

دکتر سنجابی در این باره می‌گوید: «پس از انتخاب مکی به عضویت هیأت نظارت بر اندوخته اسکناس، نزد مصدق رفتم و او را در حال عصبانیت و آشفته‌گی مطلق دیدم. به من گفت: آقا! ما باید این مجلس را ببندیم... این مجلس مخالف ماست و نمی‌گذارد که ما کار بکنیم، ما باید مجلس را با رأی عامه ببندیم... بنده (سنجابی) گفتم: جناب دکتر! من با این نظر شما مخالف هستم، شما امروز از جهت انتخاب آقای مکی ناراحت هستید... من با بستن مجلس مخالفم و دلایلم را هم مفصلاً خدمتتان عرض می‌کنم... افکار عمومی را شما دارید ولی افکار عمومی امروز با افکار عمومی دو سال پیش تفاوت دارد. این افکار عمومی، زیاد مورد استفاده قرار گرفته و خیلی خسارت و آسیب بر آن وارد آمده است، اختلافات در میان ما افتاده، دو سال بیشتر است که مسأله نفت حل نشده، بین شما و شاه اختلاف بروز کرده، توده ای‌ها نیرو و قدرت گرفته اند، همه اینها باعث تشویش مردم شده است... شما (اگر) مجلس را ببندید، در غیاب آن، ممکن است با دو وضع مواجه شوید: یکی این که فرمان عزل شما از طرف شاه صادر شود، دیگر اینکه با یک کودتا مواجه شوید، آن وقت چه می‌کنید؟ (مصدق) گفت: شاه فرمان عزل مرا نمی‌تواند بدهد و بر فرض هم بدهد ما به او گوش نمی‌کنیم، اما امکان کودتا؛ قدرت حکومت در دست ماست و خودمان از آن جلوگیری می‌کنیم...» (متینی، صص ۳۵۳-۳۵۴، به نقل از: سنجابی، صص ۱۳۴-۱۳۶).

مصدق در پاسخ مخالفت دکتر سنجابی با بستن مجلس به وی گفت: «معلوم می‌شود که جناب عالی امروز صبح، چرس کشیده اید!»  
دکتر صدیقی (وزیر کشور مصدق) نیز درباره غیرقانونی بودن فرزندوم گفت: «گریه کردم و به او (مصدق) گفتم هر چه شما بگوئید ما اجرا می‌کنیم، اما فرزندوم (برای انحلال مجلس) کار درستی نیست.» (متینی، ص ۳۵۲-۳۵۳، به نقل از نراقی، ص ۱۹۲)  
دکتر معظمی، رئیس مجلس (منتخب هواداران دکتر مصدق) نیز در اعتراض به تصمیم فرزندوم جهت انحلال مجلس، از ریاست مجلس استعفاء کرد. خلیل ملکی، محمود نریمان، داریوش فروهر و دیگرانی نیز با انحلال مجلس و انجام فرزندوم به مخالفت پرداختند. اما به قول دکتر کریم سنجابی: مصدق به احدی گوش نمی‌داد.

«ادامه دارد»

۱- اشارهٔ ملکی به این واقعیت است که در آن زمان، عموم رهبران و روشنفکران ایران، اصلاحات اجتماعی شاه را به ریشخند و مسخره گرفته بودند. مثلاً، وقتی عکس افتتاح سد عظیم «دز» (در خوزستان) در نشریات خارجی چاپ شد، بحث بسیاری از رهبران سیاسی در خارج از کشور، این بود که: «این عکس، مونتاز است و ساختن چنین سد عظیمی در ایران، دروغ تبلیغاتی رژیم شاه است.» (علی میرفطروس، گفتگوها، ص ۷۱).

## شرق الاوسط: ایران میان لافزنی و خودکشی



علی خامنه‌ای در دانشگاه افسری امام حسین: اردیبهشت سال ۱۳۹۴

موقعیت تاریخی خود در دریایی خزر (کاسپین) را زده و قراردادی امضاء کرده که توسط مسکو دیکته شده بود، رهبری روسیه هیچکدام از وعده‌هایی را که به تهران داده بود عملی نکرد.

رژیم ایران در افغانستان، سومین منبع کمک‌های انساندوستانه بعد از آمریکا و هندوستان است. اما همچنان نه مقام‌های دولتی افغانستان در کابل و نه گروه‌های مسلح نظیر طالبان جایگاه ایران را می‌پذیرند. آنها معتقدند جمهوری اسلامی برای هویت افغان تهدیدآمیز است زیرا آنها رژیم کنونی ایران را منشاء گسترش ایدئولوژی می‌داند که مروج تفسیر خاص از اسلام است.

تهران دولت خداید پاکستان را که توسط عمران خان اداره می‌شود بیشتر سمت خود می‌بیند تا نواز شریف. این حقیقت سر جای خود باقی خواهد ماند که عمران خان همچنان به شدت وابسته به حمایت ارتش پاکستان است و به نظر نمی‌رسد این ارتش آمادگی دور شدن از آمریکا را داشته باشد در این معنی که حمایت واشنگتن را از دست بدهد و بجایش از ملایان در تهران حمایت کند.

درباره قصد و نیت دولت عراق در مورد تهران نیز یک علامت سوال بزرگ وجود دارد. شواهد نشان می‌دهد در شرایطی که همه تهران را بازنده نهایی می‌دانند احتمال اینکه عراق به سمت ایران متمایل شود وجود ندارد.

رأس برنامه‌های نخست وزیر جدید عراق این است که تحریم‌های سازمان ملل که سال ۱۹۹۱ در مورد عراق اعمال شد را برآورد و این امکان نخواهد داشت مگر با حمایت بسیار قوی آمریکا. بسیاری از عراقی‌ها از اینکه به جای دولت ایران روابطشان با تهران توسط نیروهای سپاه قدس هدایت می‌شود متنفرند.

بسیاری از کردهای عراق هنوز از توطئه‌ای که تهران، آنکارا و بغداد برای بهم زدن برگزاری رفراندوم چیده‌اند خشمگین‌اند. اکثریت شیعیان عراق از رژیم ایران به خاطر اینکه از آنان به عنوان اسب تروا سوء استفاده کرده متنفرند.

روابط تهران با عمان و قطر نیز قویست اما خالی از تنش نیست. عمان توانسته از نزدیک با تهران همکاری کند اما اصلاً تضمینی وجود ندارد که دولت ترامپ بخواهد همچنان بر اساس سیاست گذشته عمان را به عنوان میانجی بین واشنگتن و تهران بپذیرد. قطر نیز احتیاج دارد در مورد اینکه آیا در اردوگاه ایران برای مقابله با تحریم‌های ترامپ بماند، دوباره فکر کند.

در پایان این گزارش تاکید شده که ترکیه و رجب طیب اردوغان احتمال ندارد نقشی را که حکومت ایران در این نمایشنامه برای آنها نوشته قبول کند. رییس جمهوری ترکیه نشان داده تفاوت میان تظاهر و لافزنی و خودکشی را می‌داند. رهبری جمهوری اسلامی به خود و مردم ایران لطف بزرگی می‌کند اگر او نیز مانند اردوغان این تفاوت‌ها را درک کند.

\*منبع: شرق الاوسط  
\*نویسنده: امیر طاهری روزنامه‌نگار، تحلیلگر سیاسی و سردبیر پیشین کیهان لندن  
\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● جمهوری اسلامی برای مقاومت در برابر تحریم‌های آمریکا چشم به یاری همسایگان خود دوخته است.

● شواهد نشان می‌دهد نگرانی از عواقب دور زدن تحریم‌های آمریکا و تنش در روابط تهران و همسایگان‌اش بیشتر از آن است که تهران بتواند روی کمک آنها حساب باز کند.

روزنامه شرق الاوسط چاپ لندن در مقاله‌ای به تکنیک‌های سیاسی جمهوری اسلامی در خاورمیانه و تشدید فشارهای آمریکا علیه رهبران رژیم تهران پرداخته و بررسی کرده تاثیرات منفی ناشی از تنش‌هایی که تهران و همسایگان دور و نزدیک خود دارد چیزی کمتر از عواقب تنش با آمریکا ندارد.

نویسنده گزارش امیر طاهری کارشناس مسائل خاورمیانه در مقدمه می‌نویسد، در برابر بزرگترین چالش رژیم، رهبری در تهران به دنبال کمک گرفتن از همسایگان دور و نزدیک خود برای مقابله با تحریم‌های آمریکاست.

طرحی که در دستور کار قرار گرفته سه سرفصل دارد. اولی اطمینان از آن است که ایران نفت کافی برای تامین پول و نیازهای حیاتی خود مثل حقوق و دستمزد بخش‌های دولتی و نظامی را فراهم کند.

دوم اطمینان از وجود ارز کافی در بازار داخلی است تا بتواند از سرعت سقوط ارزش پول ملی بکاهد. سقوط ارزش ریال تورم را در پی دارد. سوم اطمینان از تامین کالاها اساسی مورد نیاز مردم و تهیه قطعات و مواد اولیه کارخانه‌هاست.

با توجه به تهدیدات آمریکا و عواقب دور زدن تحریم‌ها پروژه‌ی تهران بستگی به اراده و حسن نیت همسایگان دارد. تا جایی که مربوط به فروش نفت است روسیه و عراق می‌توانند به ایران اجازه دهند نفت خود را از طریق سوآپ و تهاوت به این کشورها بفروشند. در چنین شرایطی کار برای واشنگتن برای شناسایی منبع فروش و تعیین جریمه سخت می‌شود. همچنین سهم ترکیه هم این است که واردات نفت و گاز را از منابع دیگر کم کند تا سهم واردات از ایران افزایش یابد.

وقتی مسئله ارز مطرح می‌شود پای افغانستان و عراق که لبریز از دلار آمریکایی هستند به میان کشیده می‌شود. بیشتر این دلارها دست بنگاه‌های کوچک و شخصیت‌های قدرتمند سیاسی هستند که دنبال

چیگرایی منعکس می‌کند. در دوره‌ی اوپاما ده‌ها بلاگر، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی مستقیماً توسط رژیم جمهوری اسلامی در زندان‌ها و بیرون زندان‌ها کشته شدند (مثل هدی صابر، امیدرضا میرصیافی و ستار بهشتی) اما این رسانه‌ها برای عدم اختلال در معامله‌ی اوپاما-خامنه‌ای یا به هر دلیل دیگر ساکت بودند. آنها حتی یک بار از اوپاما و سخنگوی کاخ سفید سوال نکردند که چرا در برابر اقدامات جمهوری اسلامی در سرکوب روزنامه‌نگاران و قتل آنها سکوت می‌کنند. اما در دوران ترامپ مدام این پرسش را مطرح می‌کنند که «دولت ترامپ در این موضوع چه می‌خواهد بکند؟»

همین موضوع نشان می‌دهد که اینها رسانه حرفه‌ای به معنای دقیق کلمه نیستند؛ بلکه بولتن حزبی و بوق تبلیغاتی‌اند که بنا به موقعیت و گرایش سیاسی با نوع خبررسانی یا خبرنگارسانی موضع‌گیری می‌کنند. در مورد ممنوعیت راندگی در عربستان سعودی تا سال ۲۰۱۸ صدها مطلب در رسانه‌های چپگرا مشاهده می‌شود اما در مورد حجاب اجباری یا عدم حق زنان ایرانی برای مسافرت بدون مجوز مردان چه تعداد مطلب منتشر شده است؟ تقریباً هیچ. در مورد حجاب که با فرض نادرس قانونی و سنتی بودن آن و نیز با تلاش برای آزردن نکردن مسلمانان اسلامگرایی که در ایدئولوژی تنوع‌گرایی جدید بخشی از هم‌پیمانان

## از زیبا کاظمی تا جمال خاشقجی: رسوایی رسانه‌های غربی در گزارش نامتوازن قتل دو روزنامه‌نگار



زیبا کاظمی

کاظمی می‌گذرد همه‌ی رسانه‌های فوق مطالب خود را در صفحات اینترنتی خود می‌گذاشته‌اند و مطالب آنها نیز قابل جستجو بوده است. زیبا کاظمی در دوران ماقبل اینترنت کشته نشد تا عدم ذکر خبر وی ناشی از بی‌اطلاعی یا نداشتن خبرنگار در ایران بوده باشد. حتی موارد اندک ذکر نام زیبا کاظمی اغلب سال‌ها بعد در این رسانه‌ها بطور اتفاقی و اغلب توسط مصاحبه‌شوندگان اتفاق افتاده است. رسانه‌های غربی در برخورد با مسائل ایران بسیار محتاطانه عمل می‌کنند تا مبادا چینی حق‌پنداری اسلام‌گرایان شیعه ترک بردارد.

**اوپاما و ترامپ**  
این برخورد دوگانه صرفاً به مرگ روزنامه‌نگاران محدود نمی‌شود. گرایش و غیرحرفه‌ای بودن آنها در موارد دیگر هم به چشم می‌آید. این رسانه‌ها در کل دوران اوپاما پاسخگو کردن دولت آمریکا و انتقاد از آن را فراموش کرده بودند و تا ترامپ انتخاب شد یادشان افتاد که «چرخ پنجم دمکراسی» هستند، یا «دمکراسی در تاریکی می‌میرد» یا «حقیقت امروز بیش از همیشه اهمیت دارد» (شعارهایی که هر روز در صفحاتشان تکرار می‌کنند). همه‌ی رسوایی‌های دولت اوپاما در معامله با ایران (ارسال نامه‌های اختصاصی پنهانی، ارسال ۱.۷ میلیارد دلار پول نقد، آزاد کردن قاچاقچیان بیش از تعداد اعلام شده، سی بار حضور حسین موسویان در کاخ سفید که سفیر جمهوری اسلامی در آلمان در زمان ترور میکونوس در برلین بود، مهندسی رسانه‌ها توسط کاخ سفید و توقف پروژه‌ی کاساندریا در تعقیب پولشویی

منظر مقامات حاکم (تبلیغات سیاسی) زیبا کاظمی در چارچوب سبک اول فعالیت می‌کرد در حالی که خاشقجی و نمونه‌های ایرانی‌اش (مثل مسعود بهنود) به سبک دوم نزدیکتر بوده‌اند. در سبک دوم روزنامه‌نگار به دنبال دسترسی هر چه بیشتر به مقامات است چون سیاست را به قدرت تقلیل می‌دهد و به همین علت گاه حقایق را فدای حفظ ارتباط با مقامات می‌سازد و گاه با تبلیغات سیاسی مقامات هم همراهی می‌کند. کار حرفه‌ای در سبک دوم انعکاس دیدگاه مقامات از رخدادهاست و شرایط (حتی در نظام‌های اقتدارگرا و تمامیت‌خواه) عادی تلقی می‌شود با وجود دشمنی مقامات با روزنامه‌نگاران مستقل. وجهی دیگر روزنامه‌نگاری در سبک دوم داد و ستد با مقامات است. روزنامه‌نگاری مثل جمال خاشقجی و مسعود بهنود در میان رژیم و اپوزیسیون رفت و برگشت دارند. خاشقجی در استانداردهای ایرانی اصلاح‌طلب به شمار می‌آمد و زیبا کاظمی برانداز. از همین جهت خاشقجی از نگاه رسانه‌های غربی برای سعودی‌ها «خودی» به حساب می‌آمد. خودی بودن این دسته از روزنامه‌نگاران در مواردی به پیشرفت کارشان کمک می‌کند چون بخشی از سردبیران «تصور می‌کنند» که آنها چیزهایی می‌دانند (به دلیل تماس و چای خوردن با مقامات) که دیگران نمی‌دانند. این تصور معمولاً درست نیست چون مقامات از طریق این افراد ماشین تبلیغات خود را می‌گردانند و اخبار نادرستی می‌پراکنند.

در زیر فهرستی از رسانه‌های انگلیسی‌زبان آمریکایی و بریتانیایی که عنوان را یک بکشم (البته نیازی به این عنوان ندارم تا روزی که دیگران بخواهند از اینگونه عناوین استفاده کنند). این پرداختن به حدی بوده که مقامات سیاسی را مجبور به اعلام نظر کرده است حتی آنها که روابط خوبی با دولت عربستان سعودی داشته‌اند. از این جهت باید یک علامت مثبت در برابر کارنامه‌ی آنها در توجه به سرنوشت یک انسان گذاشت، اگر واقعا هدفشان دفاع از یک روزنامه‌نگار یا حقوق بشر بوده باشد. اما تردیدهایی جدی در این مورد وجود دارد.



جمال خاشقجی

انتظار می‌رفت در مورد زیبا کاظمی گزارش تهیه کرده باشند یا حتی اسم وی را در یک دوره‌ی ۱۵ ساله آورده باشند (که زمانی بسیار طولانیست برای دادن مسئولیت یک گزارش از سوی سردبیر به یک نویسنده یا توجه یادداشت‌نویس به یک موضوع) ارائه می‌کنم:

آمدن اسم زیبا کاظمی در یک مطلب مطلب اختصاصی در مورد قتل زیبا کاظمی رسانه

- نیویورک تایمز
- واشنگتن پست
- سی بی اس نیوز
- ان بی سی نیوز
- فاکس نیوز
- ای بی سی نیوز
- ۵۷ گاردین
- ۴ دیلی تلگراف
- هافینگتن پست
- وال استریت ژورنال
- در ۱۵ سالی که از مرگ زیبا (زهر)

● چه تفاوتی است میان حذف روزنامه‌نگاران که یکی چندین روز خبر اصلی است و دیگری خبرش به زیر قالی فرستاده می‌شود؟ در مورد زیبا کاظمی از ابتدا می‌دانستیم که وی کشته شده است و در مورد دومی هنوز جسدی پیدا نشده و قتل معلوم نیست.

● این رسانه‌ها در کل دوران اوپاما پاسخگو کردن دولت آمریکا و انتقاد از آن را فراموش کرده بودند و تا ترامپ انتخاب شد یادشان افتاد که «چرخ پنجم دمکراسی» هستند، یا «دمکراسی در تاریکی می‌میرد» یا «حقیقت امروز بیش از همیشه اهمیت دارد».

● در حقیقت اینها رسانه به معنای دقیق و درست کلمه نیستند بلکه بولتن حزبی و بوق تبلیغاتی‌اند که بنا به موقعیت و گرایش سیاسی با نوع خبررسانی یا خبرنگارسانی موضع‌گیری می‌کنند.

مجید محمدی - در دو هفته‌ای که از ناپدید شدن روزنامه‌نگار عربستانی، جمال خاشقجی، می‌گذرد تقریباً رسانه‌های در کشورهای غربی نیست که هر روز بدان نپرداخته باشد (از روز سوم ناپدید شدن وی). حجم دقیق و برنامه‌هایی که به این روزنامه‌نگار اختصاص یافته قابل توجه بوده است، بخش عمده‌ی مطالب نیز نه خبر بلکه حدس و گمان و قصه‌پردازی بوده است (مثل نمایش یک جت در یک فرودگاه که نمی‌دانیم کجاست و به کدام کشور تعلق دارد و چه کسی سوار آن بوده).

او را در چند روز اول مخالف سعودی معرفی می‌کردند اما چند روز بعد به علت اینکه چند مطلب از وی در واشنگتن پست منتشر شده بود او را به نویسندگی این روزنامه ارتقا دادند. بدین ترتیب چون واشنگتن پست یک مطلب از من منتشر کرده من هم می‌توانم این عنوان را یک بکشم (البته نیازی به این عنوان ندارم تا روزی که دیگران بخواهند از اینگونه عناوین استفاده کنند). این پرداختن به حدی بوده که مقامات سیاسی را مجبور به اعلام نظر کرده است حتی آنها که روابط خوبی با دولت عربستان سعودی داشته‌اند. از این جهت باید یک علامت مثبت در برابر کارنامه‌ی آنها در توجه به سرنوشت یک انسان گذاشت، اگر واقعا هدفشان دفاع از یک روزنامه‌نگار یا حقوق بشر بوده باشد. اما تردیدهایی جدی در این مورد وجود دارد.

وقتی این عملکرد آنها را در برابر عملکردشان در مورد ایران در موردی مشابه می‌گذاریم غیر از ابراز تأسف و اعلام ورشکستگی آنها چاره‌ای نمی‌ماند. قتل زیبا (زهر) کاظمی توسط سعید مرتضوی و بعد خاکسپاری وی توسط نیروهای امنیتی و سیپان کردن قبر وی موردی بود که در آن زمان (ژوئیه ۲۰۰۳) به سرعت توسط رسانه‌های اصلاح‌طلب آشکار شد و برخی اعضای مجلس نیز به صراحت در مورد آن گزارش دادند. پس از سال‌ها حتی مقامات و چهره‌های جناح اقتدارگرا نیز آشکارا در مورد آن سخن گفته و این قتل را به بازجویی اصلی نسبت داده‌اند.

اما دریغ از یک گزارش در مورد این روزنامه‌نگار شجاع در اکثر رسانه‌های غربی، چه تفاوتی است میان حذف روزنامه‌نگاران که یکی چندین روز خبر اصلی است و دیگری خبرش به زیر قالی فرستاده می‌شود؟ در مورد زیبا کاظمی از ابتدا می‌دانستیم که وی کشته شده است و در مورد دومی هنوز جسدی پیدا نشده و قتل معلوم نیست. در میان دو سبک روزنامه‌نگاری یعنی گزارش رویدادها چنان که رخ داده‌اند (اطلاع‌رسانی) و گزارش رویدادها از

## تأملات بهنگام؛ شجاعت در فلسفه‌ورزی و خوانش فلسفه

● در دوران معاصر شاید هیچ جماعتی به قدر «فلسفه‌پردازان» در شکل دادن به آنچه آرامش دوستدار «شبه‌زبان» و «شبه‌فرهنگ» می‌نامد، دخیل نبوده‌اند. همچنانکه آرامش دوستدار به فراست دریافته و بارها به آن جامه‌ی گفتار و نوشتار پوشانده، این واردکنندگان اندیشه از غرب، بیش از آنکه سراغ پرسشگری از سرشت دینخوا و اسلام‌زده‌ی ما ایرانیان بروند و به نقد آن بکوشند، دست به ترجمه‌ی اندیشه‌هایی از فرنگیان زده‌اند که هیچ نسبتی با گرفتاری‌های ما ایرانیان نداشته، این ترجمه‌های مغلوط و نامرتبط، شبه‌زبان و شبه‌فرهنگی را ساخته که ما را در ظلمت حقیقت‌مان بیشتر و بیشتر فرو برده است.



الاهه بقراط انسان اجتماعی را پدیده‌ای می‌بیند که شامل زنجیره‌ای از موقعیت، انسان، ذهن، اندیشه، درک، زبان، بیان و رابطه است

کتاب‌هاست. آرامش دوستدار برای ذهن‌های جوان می‌نویسد. آنچه‌ان که او در پیشگفتار مفصلش بر کتاب «متناع تفکر در فرهنگ دینی» نوشته: «جوانی ذهن الزاما به سن نیست. به آن است که ذهن بتواند حتا سد درجه انعطاف‌پذیر باشد. بتواند آنچه را که شنیده و دیده و خوانده و خودش را از آن انباشته بربود. از نو بشنود، ببیند، بخواند و بیاموزد و آن قابلیت هم‌اکنون یادشده را همچنان در خود بپروراند» (صفحه ۶۰، نقل قول مطابق رسم‌الخط آرامش دوستدار است). این بازاندیشی در دانسته‌ها و روبرو شدن و در افتادن با «حقیقت اعتقاد»‌های خود و به چالش کشیدن آنها، یکی از بنیادهای اندیشه‌ی آرامش دوستدار است. از چشم‌انداز این انسان ژرف‌اندیش، حقیقت نه تنها واجد هیچ تقدسی نیست بلکه وقتی مضاف مفهومی واقع شود برخلاف انتظار عمل می‌کند: «ظلمت هر اعتقادی...، حقیقت هر اعتقاد

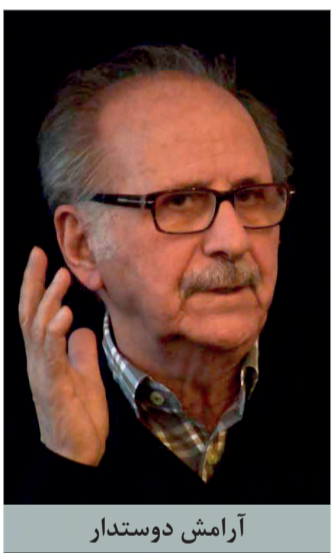
بیشتر فرو برده است. نگارنده بنا به تجربه، به عنوان کسی که بخش مهمی از عمرش را به معاشرت با فلسفه‌پردازان و آموختن آراء فلاسفه‌ی پیشین گذرانده، اطمینان دارد که بجز خود آرامش دوستدار، ما در قلمرو فارسی‌زبان «فیلسوف»- به همان معنی که در کتابگزاری موضوع این مقاله اشاره شده- نداریم و باقی مدعیان این عرصه، صرفا «فلسفه‌پرداز» هستند. الاهه بقراط اما مثل هر خواننده‌ی هوشمندی، ذهن خود را تمام و کمال تسلیم اندیشه‌ی این فیلسوف فرهمند نمی‌کند بلکه برخی از احکام کتاب را با جدیت به چالش می‌کشد. به عنوان مثال با این حکم آرامش دوستدار که: «انسان محکوم است چنان بیندیشد که زبانش حکم می‌کند» از در مخالفت در می‌آید و اندیشه را فراتر از زبان و تعریف‌کننده‌ی مرزهای آن می‌شناسد. از این منظر، اندیشه اساسا آزاد و بی‌مرز است و نداشتن برابرنهاد در یک زبان خاص، موجب عدم «درک» اندیشه‌های ضبط شده در دیگر زبان‌ها نیست.

البته باید روشن کرد که آرامش دوستدار در حکم بالا رهیافتی وینگشتیانی به زبان داشته که در آن هیچ اندیشه‌ی خارج از زبان قابلیت شکل‌گیری ندارد. در این مفهوم، زبان چیزی جز نفس اندیشه نیست و این حکم هم ناظر به یک زبان خاص نیست. نگارنده نیک می‌داند که الاهه بقراط با وجود اطلاع از این رهیافت جناب دوستدار به زبان، با آن به چالش برخاسته تا بدون مرعوب شدن مقابل نام‌های بزرگ، «درک» خودش از موضوع بحث را روشن و بی‌تعارف بیان کند. سومین فراز کتابگزاری جایی است که گزارشگر کتاب، نقطه‌ی ارجاعی جدید برای اندیشه‌اش درباره‌ی اثر فیلسوف ما می‌یابد و درکش از آن را



آرامش دوستدار برای ذهن‌های جوان می‌نویسد. آنچه‌ان که او در پیشگفتار مفصلش بر کتاب «متناع تفکر در فرهنگ دینی» نوشته: «جوانی ذهن الزاما به سن نیست. به آن است که ذهن بتواند حتا سد درجه انعطاف‌پذیر باشد. بتواند آنچه را که شنیده و دیده و خوانده و خودش را از آن انباشته بربود. از نو بشنود، ببیند، بخواند و بیاموزد و آن قابلیت هم‌اکنون یادشده را همچنان در خود بپروراند»

است. حقیقت بدین معنا آن ناپرسیده و نادانسته‌ای است که با احاطه‌ی درونی‌اش بر ما فرهنگی می‌شود، یعنی احساس جمعی را تسخیر می‌کند و شالوده‌ی اعتقاد را می‌ریزد» (همان، صص ۷۰-۶۹). اندیشه و تفکر در چنین فرهنگی ممتنع (محال) است زیرا: «حقیقت برای اعتقاد بنیاد، ضامن و مرجع وجودیست، در حالیکه تفکر همواره باید به خود ثابت کند که هیچ بنیادی و ضامن جز پرسندگی ندارد، یعنی هیچگاه به هیچ مرجعی جز کاپوین متکی نیست. تفکر همانقدر از پرسش و کاوش برمی‌آید و بدینگونه پیوسته از نو می‌شکفتد که اعتقاد را «حقیقتش» یک بار برای همیشه در ناپرسایی خود بنا می‌نهد و نگه می‌دارد» (همان ص ۱۱۴). چنانکه ملاحظه می‌کنید، فهمیدن اندیشه‌ی آرامش دوستدار ساده نیست و به همین سیاق گزارش آن مشکل‌تر است. الاهه بقراط اما در کتابگزاری اخیر، به خوبی از عهده‌ی این مهم برآمده است. به گمان نگارنده، آنچه این کتابگزاری را از گزارش و بررسی معمولی به مقاله‌ای خلاقانه ارتقاء داده، ذهن جوان نویسنده‌ی آن در خوانش کتاب جدید آرامش دوستدار است. سردبیر کیهان لندن در سه فراز از این کتابگزاری، از اصل متن فراتر رفته و اندیشه و درک خودش از موضوع را به میان آورده است. فراز نخست: آرامش دوستدار در بسیاری از گفتار و نوشتارش، در



آرامش دوستدار

به زبانی روشن چنین اعلام می‌کند: «به نظر من، در آغاز، نه انسان بود و کلمه و زبان و نه اندیشه و نه هیچ چیز دیگر! بلکه فقط موقعیت بود!» او انسان اجتماعی را پدیده‌ای می‌بیند که شامل زنجیره‌ای از موقعیت، انسان فردیت، ذهن، اندیشه، درک، زبان، بیان و رابطه است. از چنین دیدگاهی، الاهه بقراط اندیشه‌ی آرامش دوستدار را چنین می‌فهمد که: انسان ایرانی، که شامل اعتیادش به نیندیشیدن (امتناع تفکر در فرهنگ دینی) در حلقه‌ی سوم این زنجیره (اندیشه) دچار اختلال شده که باید برای آن چاره‌ای اندیشید. این چاره می‌تواند به مدد اندیشه‌ی آرامش دوستدار- این تنها فیلسوف تاریخ معاصر ما- به دست آید اگر ما نیز همچون گزارشگر کتاب او، به رهنمود جهانشمول امانوئل کانت عمل کنیم و در به کار گرفتن فهم خویش دلیر باشیم. \*اشاره به این شعار لاتین (Sapere Aude) که به فارسی چنین ترجمه می‌شود: «در به کار گرفتن فهم خود دلیر باش» یا «جرأت داشته باش که از فهمت استفاده کنی». کانت در مقاله‌ی «روشنگری چیست؟» این شعار را کلید خروج از صغارت دانسته است. \*نقل قول‌های نگارنده از آرامش دوستدار از این منبع است: «امتناع تفکر در فرهنگ دینی»، آرامش دوستدار، انتشارات خاوران، چاپ اول، پاریس، ۱۳۸۲

## اعتصاب ۴۰ روزه لنج‌داران بوشهر؛ اعتراضات صنفی در هر گوشه‌ای برپاست



اعتصاب هستند. روز چهارشنبه، ۲۵ بهمن، ویدئویی از یک ملوان منتشر شد که از مشکلات خود و همکارانش می‌گوید و فریاد می‌زند: «آقای زنگنه از خدا بترسید، زندگی ما داره از بین می‌ره، اما همش می‌گوییم مرگ بر آمریکا». وبسایت «ایران ما» فهرستی از مشکلات لنج‌داران را منتشر کرده که سال‌هاست با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند: -گران شدن سوخت -طولانی بودن نوبت تخلیه -کمبود زیرساخت‌های بندری از جمله اسکله و حوضچه برای پهلوگیری -تخلیه و بارگیری -الزام کردن در دریافت سوخت غیر موردنیاز -عدم تعهد کامل شرکت بندرسازان -تعهد نکردن بیمه در قبال خسارات جزیی و مشخص نشدن وضعیت سرمایه اعضای تعاونی لنج‌داران -نبود مسئول برای اسکله و امور

- افزایش قیمت سوخت و نابسامانی بنادر لنج‌داران را گرفتار کرده است.
- یک ملوان می‌گوید: آقای زنگنه از خدا بترسید، زندگی ما داره از بین میره، اما همش می‌گوییم مرگ بر آمریکا.
- تجمع کشاورزان ورزنه اصفهان و روستاهای اطراف به بی‌آبی و عدم پرداخت حق آبه ادامه دارد.
- تاکسی‌داران زنجان و کارگران شهرداری خوزستان و کارگران نفت قشم و کارکنان اداره آبفای لالی خوزستان نیز دست به اعصاب زدند.

اعتراضات صنفی در ایران بطور روزافزون بیشتر نی شود؛ برخی از آنها



اعتصاب کارگران نفت‌سنگین در قشم در اعتراض به پنج ماه حقوق معوقه؛ ۲۵ مهر

بندری -کمبود فضا برای صادرات کشاورزان و دهقانان اصفهان از جمله در شهرستان ورزنه نیز از یک هفته پیش در اعتراض به خشکسالی و عدم پرداخت حقایق جمع کرده اند اما بی‌فایده بوده و توجهی به آنها نمی‌شود. چهارشنبه، ۲۵ مهر، کارگران شهرداری شوستر در استان خوزستان برای چندمین روز دست از کار کشیده و اعتصاب کردند و کارگران فضای سبز و گروهی از کارگران موتوری و اداری شهرداری نیز به اعتصاب آنها پیوستند. این اعتصاب در حالی ادامه دارد که حدود ۴۰۰ نفر از کارگران از روز دوشنبه تا کنون به صورت متوالی مقابل ساختمان شهرداری دست به اعتصاب زده‌اند اما کسی پاسخگوی خواسته‌های این کارگران نیز نیست. طی چند روز اخیر، کارگران و کارمندان شهرداری مسجد سلیمان در اعتراض به ۴ ماه معوقه مزدی، پرداخت نشدن حق بیمه و دیگر سنوات خود، دست از کار کشیده و اعتصاب کرده‌اند. ● در این باره خبرگزاری ایلنا به نقل از احمد زمانپور رییس شورای شهر مسجد سلیمان در باره این اعتصاب نوشته «باتوجه به مشکلات اقتصادی اخیر و کاهش میزان ساختوسازهای شهری، درآمدهای شهرداری پایین آمده و موجب شده که دخل و خرج ما به هم نخورد.»

به شکل تحصن و تجمع و بعضی دیگر به صورت اعتصاب. گرچه مدتی است تظاهرات خیابانی شبیه آنچه در دی‌ماه سال ۱۳۹۶ یا ماه‌های نخست سال ۱۳۹۷ اتفاق افتاد فروکش کرده اما ادامه‌ی تجمعات و اعتصابات صنفی از جمله اعتصاب کامیونداران همراه با اعتصاب سراسری دو روزه معلمان آشکارا نشان می‌دهد دولت و فراتر از آن نظام قادر به پاسخگویی به مطالبات اعتصابیون نیست. تجمع غارت‌شدگان موسسات مالی و اعتباری، اعتصاب پراکنده رانندگان تاکسی، تجمعات دانشجویی داخل دانشگاه‌ها و اعتراضات کارگری در محوطه کارخانه‌ها یا در مقابل استانداری‌ها اعتراضاتی است که همچنان ادامه دارد اما اخبار و گزارش‌های مربوط به برخی از تجمعات که ریشه‌ی اغلب آنها اقتصادی و معیشتی است به دلایل مختلف انطور که باید در رسانه‌ها منعکس نمی‌شوند و صدای معترضان به گوش شهروندان و حکومت نمی‌رسد یا کمتر می‌رسد. گزارش‌ها حاکیست از حدود ۴۰ روز پیش در استان بوشهر و شهرستان‌های مختلف این استان به ویژه مناطق بندری برخی صیادان، باربرها و ملوانان بومی که روی شناورها و لنج کار می‌کنند در اعتصاب‌اند. بعضی از این لنج‌ها به مقصد دوی و کویت بار می‌برند اما به خاطر گرانی سوخت و گازوئیل در



## وزیر علوم دانشجویان را تهدید کرد: از سیاسی کاری دوری کنید!

این در حالیست که حسن روحانی در هر دو دور انتخابات ریاست جمهوری وعده‌های قابل توجهی درباره آزادی‌های سیاسی در دانشگاه و حمایت از دانشجویان داده بود؛ وعده‌هایی که بدون شک در پیروزی او بر رقابیش تأثیرگذار بوده اما عملی نشده است.

روحانی در خردادماه سال ۹۲ و دو روز پیش از برگزاری انتخابات گفته بود که در دولت او «دانشگاهها از فضای آزادی بر خوردار خواهند بود» و «در این دولت از انتقادهای دانشجویان استقبال خواهد شد».

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ همچنین جلوگیری از ستاره‌دار شدن دانشجویان از جمله وعده‌های حسن روحانی بود. او گفته بود: «باید عنوان دانشجوی ستاره‌دار را کنار بگذاریم؛ دانشجو باید در فعالیت سیاسی و علمی آزاد باشد و خطوط قرمز اقدامات او مصالح و منافع ملی است».

اما اکنون نه تنها روند احضار، بازداشت، صدور حکم زندان و ستاره‌دار شدن دانشجویان همچنان ادامه دارد بلکه وزیر علوم دولت روحانی علنا دانشجویان را از داشتن هرگونه عمل سیاسی یا به قول خودش «سیاسی کاری» منع می‌کند و نسبت به آن هشدار می‌دهد.

جالب اینکه بسیاری از دانشجویان که در سال ۹۶ به حسن روحانی رأی دادند معتقد بودند در صورت پیروزی اصلی‌ترین رقیب روحانی یعنی سیدابراهیم رئیسی فضای دانشگاه‌ها بسته و دانشجویان با خطر بازداشت و صدور حکم زندان روبرو خواهند شد.

در سالهای گذشته بود. این دومین اعتصاب سراسری در کشور طی ماه‌های گذشته و پس از اعتصاب سراسری کامیونداران است.

این اعتصاب که به شکل تحصن در دفتر مدارس انجام شد هر چند با بایکوت خبری رسانه‌های حکومتی و سکوت مقامات جمهوری اسلامی روبرو شد اما از سوی دانشجویان و بازنشستگان با حمایت روبرو شد.

دانشجویان رشته علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی با اعتصاب آموزگاران همراه شدند و بازنشستگان نیز روز پس از پایان اعتصاب آموزگاران تجمع گسترده‌ای در مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران برگزار کردند. کاربران شبکه‌های اجتماعی به ویژه توئیتر نیز با استفاده از هشتگ‌هایی چون #تحصن\_معلمان و #اعتصاب\_معلمان و #تحصن\_سراسری\_معلمان و #معلمم\_تنها\_نیستی از آموزگاران کشور حمایت می‌کنند.

تصویری، بر سایر عناصر مقدم می‌داند. در این راستا پناهی، مثلا با به کارگرفتن استعاره‌هایی مستعمل چون مقایسه ارزش گاو نیمه جان در برابر زندگی دختری که هنرپیشگی غایت آرزوی او است و در پی آن، تأکید بر اولی نسبت به دومی، به ظاهر می‌کوشد از تلقی همگانی نسبت به جایگاه زن در جامعه و سینمای ایران انتقاد کند، ولی با شخصیت‌پردازی‌های کلیشه‌وار، مهر تأیید بر دیدگاه‌های دیرپای مردسالارانه و پیشداوری‌های تبعیض‌آمیز در مورد آنان می‌زند.

روشن است که امکانات محدود ناشی از ممنوعیت شغلی پناهی، همچنین سیاست‌های تضییق‌آمیز دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی مانع از آن می‌شود که این کارگردان جسور کارهایی در سطح فیلم‌های درخشانی مانند «دایره» و «طلای سرخ» تولید کند. فیلم «سه رخ» ولی از نقصان بزرگتری رنج می‌برد: از نبود نگاهی عمیقاً برابرخواه در روابط میان زن و مرد (سینماگر) و از پر بود جنسیت‌زدگی خیره‌خوانه.

آقای پناهی، اگر می‌خواهد با تصاویر «سه رخ» به زنان سینماگر ایران ارج بگذارد، لطفا این کار را نکند!



منصور غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری دولت دوازدهم

اصلاح‌طلب مجلس شورای اسلامی اما گفته بود وزارت اطلاعات پشت بازداشت دانشجویان قرار دارد. اکنون با گذشت چند ماه از آن روزها و ادعاهایی که نمایندگان مجلس و وزارت علوم برای رسیدگی به وضعیت دانشجویان بازداشتی داشتند، بسیاری از آنها با احکام قضایی روبرو شدند و هیچ یک از مقامات دولتی و یا نمایندگان مجلس برای آنها کار موثری انجام ندادند.

رویا صغیری، دانشجوی دانشگاه همزمان محمود صادقی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی گفته بود که «تعداد ۱۰ نفر از دانشجویان در دانشگاه‌های تهران و برخی شهرستان‌ها نیز در وضعیت نامشخص قرار دارند و با وجود آنکه چند روز است که اطلاعاتی از آنها در دست نیست، هنوز معلوم نشده که چه نهادی آن‌ها را بازداشت کرده است».

### شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی... از صفحه ۴

خراسان شمالی گردد برعهده‌ی حاکمیت و بانیان چنین تعدی‌هایی است».

در بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان همچنین تأکید شده است که «شورای هماهنگی در فراخوان خود نسبت به هر نوع برخورد امنیتی و پلیسی با متخصصان هشدار داده است و معلمان را به تحصن محدود در دو روز یکشنبه و دوشنبه دعوت نموده اما چنانچه روند احضار و بازداشت فعالان صنفی متوقف نگردد. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی بنا به اراده فرهنگیان ایران، بار دیگر آنان را به ادامه اعتراضات گسترده فرا خواهد خواند».

گفتنی است اعتصاب دو روزه آموزگاران در سراسر ایران که روزهای ۲۲ و ۲۳ مهرماه برگزار شد یکی از گسترده‌ترین اعتصاب‌های صنفی

کمیت‌های برای پیگیری وضعیت این دانشجویان در دستور کار قرار گرفت و ارتباطات سازنده‌ای با مراجع قضایی و سایر نهادهای مرتبط، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تشکل‌های صنفی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - دانشجویی، دیگر دانشجویان دانشگاه و خانواده‌های دانشجویان یادشده برقرار شد».

همزمان محمود صادقی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی گفته بود که «تعداد ۱۰ نفر از دانشجویان در دانشگاه‌های تهران و برخی شهرستان‌ها نیز در وضعیت نامشخص قرار دارند و با وجود آنکه چند روز است که اطلاعاتی از آنها در دست نیست، هنوز معلوم نشده که چه نهادی آن‌ها را بازداشت کرده است».

پروانه سلحشوری دیگر نماینده

که منطق مسلط تمام دولت‌ها بوده است اما اراده جمعی معلمان تسلیم نشد و تحصن به صورت متحدانه در روز دوشنبه ادامه یافت. برگزاری با شکوه تحصن در استان‌هایی که تشکل صنفی پویا دارند بار دیگر نشان داد که بین تشکلیابی مستقل و پیگیری مطالبات رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد».

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران خواستار آزادی فوری محمدرضا رمضانزاده و دیگر آموزگاران دربند شده است: «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ضمن تأکید مجدد بر مطالبات صنفی و آموزشی خواهان آزادی فوری محمدرضا رمضانزاده و تمام معلمان دربند است. شورای هماهنگی اعلام می‌دارد که مسئولیت هرگونه خطری که متوجه دبیر انجمن صنفی معلمان

### آقای پناهی، لطفاً از زنان..... از صفحه ۵

با پناهی در مورد غیبت پنهان جعفری در آخرین صحنه فیلمبرداری کار جدیدش، هر چند گویای وضعیت اضطراری او است، ولی با لحن و ادبیاتی تحقیرکننده و اهانت‌آمیز نسبت به جعفری ادا می‌شود. او که هنرپیشه‌ی اول فیلمش را فقط با عنوان «اون دیوانه» صدا می‌کند، کمترین همدلی با او نشان نمی‌دهد و بی‌وقفه از «بی‌مسئولیتی‌اش» حرف می‌زند. جعفر پناهی ولی با متانت پس از هر جمله، حکمت برآشفته را آرام می‌کند و راه‌حل‌های منطقی پیش پایش می‌گذارد. البته این رویکرد بلامنابع کارگردان در سراسر فیلم است: او همیشه در بزنگاه‌های حساس، مشکلات را با درایت از میان برمی‌دارد.

**ادای دین**  
فیلم «سه رخ» از نظر ساختاری به درام‌تورژی سه فیلمی که پناهی پس از ممنوعیت کاری خود تهیه کرده، نزدیک است: او در کار تازه‌اش، مانند یک گردشگری حوصله‌راهی روستاهای پدر و مادر و نیاکش در خطه‌ی آذربایجان می‌شود تا نگاهی مردم‌شناسانه آداب و

● دست کم ۹۰ دانشجو در اعتراضات سراسری دی‌ماه ۹۶ بازداشت و برخی از آنها هنوز در زندان هستند و با احکام بلندمدت زندان روبرو شدند.

● روحانی در زمان تبلیغات انتخابات: باید عنوان دانشجوی ستاره‌دار را کنار بگذاریم؛ دانشجو باید در فعالیت سیاسی و علمی آزاد باشد و خطوط قرمز اقدامات او مصالح و منافع ملی است.

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری گفته است دانشجویان باید دغدغه سیاسی داشته باشند و سیاست را بدانند اما تهدید کرده که دانشجویان باید از سیاسی کاری‌ها دوری کنند.

منصور غلامی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری روز شنبه ۲۱ مهرماه طی یک سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه بیرجند به دانشجویان هشدار داده که از فعالیت سیاسی دوری کنند و جمله علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی را گوشزد کرده که «سیاست بله، سیاسی کاری نه!»

منصور غلامی همچنین به وضعیت دانشجویان بازداشت شده در اعتراضات دی‌ماه تا کنون اشاره کرده و مدعی شده وزارت علوم پیگیر وضعیت این دانشجویان بوده و مسئولان قوه قضائیه همکاری خوبی داشتند و اکنون برخی از این دانشجویان در حال تحصیل هستند.

او اما در بخش دیگری از سخنانش گفته که «میدواریم نتیجه این پیگیری‌ها سبب شود دانشجویانی که جرم و تخلف دانسته‌ای مرتکب نشده‌اند دچار مشکل نشوند» که این جمله نشان از زندانی یا زیر حکم بودن تعدادی از دانشجویانی است که از تظاهرات و اعتراضات دی‌ماه ۹۶ تا کنون بازداشت شده‌اند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد در اعتراضات سراسری دی‌ماه ۹۶ دست کم ۹۰ دانشجو در سراسر ایران بازداشت شدند. بازداشت این دانشجویان با واکنش‌های گسترده‌ای روبرو شد و برخی نمایندگان مجلس و مقامات دولتی مدعی شدند پیگیر وضعیت دانشجویان هستند.

در زمستان ۹۶ مجید سرسنگی، معاون فرهنگی دانشگاه تهران از تشکیل کمیته‌ای برای پیگیری وضعیت دانشجویان بازداشتی خبر داده و گفته بود: «از همان ابتدای این جریان، دانشگاه تهران با دقت و جدیت موضوع بازداشت دانشجویان خود را مورد پیگیری قرار داد و تشکیل

### رُخ سوم: «مطربی» در طبیعت

رُخ سوم که در فیلم تنها از پشت و در نمای دور دیده می‌شود، از نگاه پناهی، سرنوشت تلخی را در تبعیدی خودخواسته در یکی از روستاهای نزدیک زادگاه مرضیه تجربه می‌کند. اهالی ده از او که در انزوا به غزلسرایی و نقاشی روزگار می‌گذرانند، به عنوان «مطربی» که محکوم به طرد از جامعه است، یاد می‌کنند. ظاهراً او تنها کسی است که از مرضیه حمایت می‌کند و به او پناه می‌دهد؛ حضوری غایب و «بی‌آبرو» که در محدوده‌ی یک کتاب شعر، یک تابلوی نقاشی و روایت‌های مغرضانه دیگران در باره نحوه زندگی‌اش، شکل می‌گیرد. از آنجا که کنکاشی در این روایت‌ها صورت نمی‌گیرد، رُخ سوم نیز در چارچوب طرحی بی‌رنگ و قالبی از یک زن هنرمند مظلوم گرفتار می‌ماند.

**رُخ چهارم: کارگردانی بی‌منطق و بددهن**  
شخصیت رُخ چهارم، منیژه حکمت، که تنها با صدای خود در فیلم حضور دارد، با همین مایه‌ی خرده‌شیشه‌دار ساخته شده است: گفتگوی تلفنی او

## «درگذشت»

با کمال تأسف خبر درگذشت

## مهندس فرهاد رافت

همسر، پدر و برادر عزیزمان را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رسانیم.

پریچهر، شیرین، پونه، گلنوش، احمد، فرخ و پاتریسیا خانواده‌های رافت، نجم‌آبادی، تفرشی، احفاد، خالقی، اکرت، زانگریلی، صدر و پکی.

## رئیس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان بازداشت شد

● محمدرضا رمضانزاده رئیس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و دبیر کانون صنفی معلمان خراسان شمالی بازداشت شد.

● نخستین روز این اعتصاب سراسری با استقبال بی‌نظیری از سوی آموزگاران در استان‌های مختلف روبرو شد و در شبکه‌های اجتماعی نیز بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد. در حالی که رسانه‌های حکومتی هیچ خبری از این اعتصاب صنفی منتشر نکردند اما خبرها حکایت از فشار شدید وزارت آموزش و پرورش و نیروهای امنیتی بر مدیران مدارس دارد تا به هیچ وجه مدارس خود را تعطیل نکنند و مدارس دایر باشد.

با این وجود آموزگاران در دفتر مدارس دست به اعتصاب زده و سر کلاس درس حاضر نشدند و اعتصاب آنها با موفقیت پیش رفت. بازداشت محمدرضا رمضانزاده نشان می‌دهد در حالی که رسانه‌ها و مقامات حکومتی ظاهراً نسبت به این اعتصاب سکوت اختیار کردند اما اثرات این اعتصاب را دریافته و به آن واکنش نشان دادند.

این در حالیست که شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی آموزگاران اعلام کرده است در صورت برآورده نشدن خواسته‌های آموزگاران، آنها این اعتصاب‌ها را در آبان‌ماه نیز ادامه خواهند داد. مهمترین خواسته آموزگاران افزایش حقوق آموزگاران شاغل و بازنشسته، پرداخت سرانه دانش‌آموزی به مدارس و همچنین پایان دادن برخورد امنیتی و قضایی با آموزگاران است.

### آزادی کشیش برانسون... از صفحه ۳

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی که منطق مسلط تمام دولت‌ها بوده است اما اراده جمعی معلمان تسلیم نشد و تحصن به صورت متحدانه در روز دوشنبه ادامه یافت. برگزاری با شکوه تحصن در استان‌هایی که تشکل صنفی پویا دارند بار دیگر نشان داد که بین تشکلیابی مستقل و پیگیری مطالبات رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد».

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران خواستار آزادی فوری محمدرضا رمضانزاده و دیگر آموزگاران دربند شده است: «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ضمن تأکید مجدد بر مطالبات صنفی و آموزشی خواهان آزادی فوری محمدرضا رمضانزاده و تمام معلمان دربند است. شورای هماهنگی اعلام می‌دارد که مسئولیت هرگونه خطری که متوجه دبیر انجمن صنفی معلمان خراسان شمالی گردد برعهده‌ی حاکمیت و بانیان چنین تعدی‌هایی است».

در بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان همچنین تأکید شده است که «شورای هماهنگی در فراخوان خود نسبت به هر نوع برخورد امنیتی و پلیسی با متخصصان هشدار داده است و معلمان را به تحصن محدود در دو روز یکشنبه و دوشنبه دعوت نموده اما چنانچه روند



نظر آنها حزب الله لبنان در چارچوب «پروژه» جمهوری اسلامی و رژیم اسد عمل می کند و لبنان نباید پلی برای رسیدن آنها به اهدافشان در منطقه شود. به دلیل حضور و مشارکت حزب الله لبنان در پارلمان و کابینه دولت کشورهای غربی به ویژه آمریکا زیاد مایل به کمک کردن به اقتصاد لبنان نیستند.

سوم: گزینه کناره گیری سعد الحریری از پست نخست وزیری؛ این گزینه پیامدهای منفی برای خود سعد الحریری خواهد داشت بطوری که شاید نخست وزیر لبنان مجبور شود مانند گذشته لبنان را ترک کند. استعفاي الحریری پیامدهای منفی زیادی در داخل لبنان و در سطح روابط خارجی منطقه ای و بین المللی نیز در پی خواهد داشت. سعد الحریری در حقیقت پوششی مثبت و حقیقی برای دولت «یکپارچه ملی» لبنان است که بدون او حزب الله و هم پیمانانش در شرایط کنونی که تحت فشارهای منطقه ای و بین المللی به ویژه تحریم ها قرار دارند، نمی توانند حکومتی با چهره ای ملی و مورد قبول کشورهای منطقه و جامعه بین المللی تشکیل دهند. حزب الله لبنان هم از سوی کشورهای منطقه در فهرست گروه های تروریست قرار گرفته و هم از سوی ایالات متحده آمریکا، بنابراین ما در برابر یک معمای بزرگ و معادله ای حل نشدنی در رابطه با تشکیل دولت جدید لبنان قرار داریم.

لبنان با وجود برگزاری انتخابات و اعلام نتایج آن که در چارچوب قانون اساسی این کشور انجام شد، اما همچنان در بحران «عدم تشکیل کابینه دولت» بسر می برد. ادامه این بحران لبنان را به سوی شکست کامل پروسه دولت- کشور سوق می دهد. چنین شکستی حاصل مداخله کشورهای خارجیت که با توافقی مرحله ای بر اساس سهمیه بندی فرقه ای، این کشور را به میدانی مین گذاری شده که هر آن احتمال انفجار آن می رود، تبدیل کرده اند.

لبنان از زمان استقلال به صورت سهمیه بندی فرقه ای با معادله نه باخت و نه برد همه به حیات سیاسی خود ادامه داده است. این کشور با جنگ داخلی سال ۱۹۸۹ تحت قیمومیت مستقیم و اشغال نیروهای حافظ اسد درآمد. تا سال ۲۰۰۵ یعنی ترور رفیق الحریری همه بندهای بازی دست سوری ها بود اما پس از حادثه ترور الحریری ارتش سوریه تحت فشارهای بین المللی مجبور به ترک لبنان شد. از سال ۲۰۰۵ نیروهای سیاسی لبنان بر اساس دموکراسی توافقی کشور را اداره می کردند اما با افزایش قدرت نظامی و شبه نظامی حزب الله با پشتیبانی رژیم ایران تقریباً نقش سوریه این بار به وسیله حزب الله لبنان ایفا می شد و دموکراسی توافقی جای خود را به قیمومیت و تمدد حزب الله علیه نهادهای دولت داد و معادله «نه باخت و نه برد» با سرنیزه و زور به تسلط حزب الله و باخت همه ی کشور لبنان منجر شد.

اما اکنون شرایط بین المللی تغییر یافته و فشارها بر حزب الله لبنان و منبع مالی و تسلیحاتی اش یعنی حکومت ایران افزایش یافته است. کشور در وضعیت بسیار دشواری قرار دارد و به همین دلیل دولت سعد الحریری را می توان به یک عبارت خلاصه کرد: دولت حیران لبنان در میان نزاع واشنگتن و تهران!

\*منبع: شرق الاوسط  
\*نویسنده: سام منسی  
\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

## دولت لبنان در کشمکش میان واشنگتن و تهران



چارچوب دولت و زیر چتر حاکمیت ملی و قانون این کشور قرار بگیرد بلکه در همه دولت ها مشارکت کرده و در تصمیم گیری در باره مسائل محلی و منطقه ای هیچ اعتنایی به چارچوب سیاست داخلی و خارجی دولت قانونی نکرده است.

دوم: امتیازدهی و عقب نشینی ائتلاف الحریری و مخالفان حزب الله برای تشکیل کابینه. ولی این گام می تواند رابطه لبنان با کل جهان عرب و بخصوص کشورهای عربی خلیج فارس را که ۷۰٪ درآمد بخش توریستی لبنان از آنها حاصل می شود، بر هم بزند و آنها را خشمگین کند. اغلب کشورهای عربی حزب الله لبنان را در فهرست سازمان های تروریستی قرار داده اند. علاوه بر کشورهای عربی برخی کشورهای غربی، بویژه ایالات متحده آمریکا، حزب الله لبنان را سازمانی تروریستی می دانند. چنانچه اکثریت کابینه دولت جدید لبنان را حزب الله تشکیل دهد این به مفهوم سقوط کامل لبنان به آغوش جمهوری اسلامی ایران است که این مسئله نه تنها اعتبار و حیثیت سیاسی لبنان را به کلی از بین خواهد برد بلکه تمام مشکلاتی را که در آینده رژیم ایران با آنها مواجه خواهد شد بطور مستقیم به لبنان منتقل خواهد کرد. پس در پیش گرفتن چنین گزینه ای برای سعد الحریری بسیار سخت و دشوار به نظر می رسد. این گزینه برای الحریری هم دشوار و هم از نظر سیاسی پر هزینه خواهد بود. الحریری بارها با عدم پایبندی حزب الله به دولت لبنان و قانون و سیادت این کشور به شدت مخالفت کرده بطوری که با شعار «امتیازدهی دیگر بس است» این ستاریو با سیاست حزب الله لبنان که بطور مستقیم از تهران دستور می گیرد، مغایرت دارد. حزب الله از زمان ترور رفیق الحریری نخست وزیر اسبق لبنان که خود متهم اصلی این ترور است تا امروز حاضر نشده در

و از سرگیری تحریم های اقتصادی علیه تهران و وابستگی منطقه ایی مانند حزب الله لبنان است. عامل دیگر، حرص و طمع روسیه در جبهه های اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی از حیاط خلوت این کشور یعنی شبه جزیره کریمه تا آسیا مشرق جهان عرب است. افزایش نگرانی و ترس گسترده جامعه جهانی از بحران هجوم پناهندگان به اروپا و افزایش محبوبیت احزاب راستگرا و گفتمان پوپولیستی در برابر نیروهای لیبرال، مترقی و معتدل در این قاره نیز عامل مهمی است که نمی توان آن را نادیده گرفت.

این رویدادها به گونه ای تأثیرات خود را بر سرنوشت لبنان گذاشته است. حال با این پیش زمینه های پیچیده منطقه ای و بین المللی چه گزینه هایی برای سعد الحریری باقی می ماند تا بتواند کابینه جدید خود را با حفظ تعادل میان نیروهای داخلی که هر کدام خود را نماینده بخشی از قدرت های منطقه ای می دانند، تشکیل دهد؟

در چنین شرایطی تصمیم گیری برای سعد الحریری بسیار سخت به نظر می آید اما با همه سختی ها برای الحریری سه گزینه باقیست که تنها با انتخاب یکی از این سه گزینه می تواند دولت جدید را تشکیل دهد.

### گزینه های سعد الحریری

اول: سعد الحریری باید کابینه ای متعادل که در آن هیچیک از تیم های سیاسی بر دیگری غلبه نداشته باشد تشکیل دهد؛ نخست وزیر لبنان اکنون با تلاش فراوان در این مسیر گام گذاشته اما شانس موفقیت این ستاریو بسیار ضعیف است چرا که این ستاریو با سیاست حزب الله لبنان که بطور مستقیم از تهران دستور می گیرد، مغایرت دارد. حزب الله از زمان ترور رفیق الحریری نخست وزیر اسبق لبنان که خود متهم اصلی این ترور است تا امروز حاضر نشده در

برای برگزاری کنفرانس «سیدر» پیشقدم شود. در این کنفرانس برخی کشورها به بازسازی زیرساخت های اقتصادی لبنان متعهد شدند اما از آنجا که کشورهای غربی تحریم های بین المللی علیه حزب الله و ایران اعمال کرده اند، کشورهای داوطلب دیگر قادر نیستند به دولت لبنان کمک کنند.

### مهمترین رویدادهای منطقه ای

الف- پیروزی نسبی رژیم بشار اسد و متحدانش و افزایش نقش روسیه در مشرق جهان عرب همزمان بود با افزایش تنش اسرائیل- ایران در خاک سوریه که منجر به اختلاف شدید میان مسکو و تل آویو شد.

ب- تغییر رویکرد سیاسی پادشاهی سعودی از خط مشی سیاست آرام و مهار کردن ایران، به سیاست رویارویی و حتی هجومی و آشکارتر شدن معامله با تهران بخصوص در پرونده یمن و موضع گیری شدید علیه قطر و ادامه اختلاف کشورهای امارات، بحرین، سعودی و مصر با نقشی که دوحه در منطقه ایفا می کند.

ج- دور شدن ترکیه عضو مهم ناتو و هم پیمان استراتژیک غرب از ایالات متحده آمریکا و برقراری روابط گرم با مسکو و تهران که با برتری نقش مسکو و به دست گرفتن ابتکار عمل در سوریه منجر شد.

د- پایان یافتن طرح «معامله قرن» در رابطه با منازعه اعراب و اسرائیل سلب آزادی مانورهای هوایی اسرائیل بر فراز سوریه و محروم کردن تل آویو از آزادی تحرک بر فراز سوریه پس از سقوط هواپیمای روسی از طریق تجهیز دمشق به پدافند هوایی پیشرفته توسط مسکو.

### عوامل بین المللی و تأثیرات آنها بر عدم تشکیل دولت در لبنان

یک عامل مهم، خروج ایالات متحده آمریکا از توافق اتمی با ایران

جدید این کشور ایفا خواهند کرد.

### مهمترین رویدادهای داخلی

مهمترین رویداد داخلی لبنان، جنگی بود که با پوشش دولت سعد الحریری و ارتش و مقاومت مردمی لبنان در تابستان ۲۰۱۷ در منطقه «جرود» رخ داد. در آن جنگ ارتش لبنان توانست گروه های مسلح تروریستی را بدون حضور یا مشارکت حزب الله لبنان شکست دهد و بر ضرورت حفظ سلاح حزب الله که همواره به بهانه دفاع از حاکمیت و سرزمین لبنان در برابر تروریست ها توجیه می شد خط بطلان بکشد و به آن پایان دهد. در نبرد «جرود» مثلث دولت، ملت و ارتش لبنان نشان داد که آنها قادرند بدون حضور حزب الله مرزها را از تهدید خطر تروریست خارج از مرزها حفظ کنند.

از سوی دیگر حزب الله و متحدانش بیش از نصف کرسی های پارلمان را در انتخابات اخیر به دست آورده اند اما در عین حال حزب «نیروهای مسلح لبنان» به رهبری سمیر جعجع که از مخالفان سرسخت حزب الله است با وجود اختلاف و دودستگی میان گروه های سیاسی مسیحی و ائتلاف میشل عون رئیس «جنبش ملی لبنان» با حزب الله، جایگاه دوم را در پارلمان به دست آورد. کارشناسان می گویند ترکیب جدید پارلمان می تواند تأثیر مستقیم خود را بر کابینه دولت بگذارد.

تنش در روابط میان «نیروهای لبنانی» و «جنبش ملی» به نقطه رویارویی رسیده بطوری که احتمال لغو عملی معاهدات و توافقی گذشته بین این احزاب افزایش یافته است. این اختلافها درک جدیدی از روابط و صف بندی های سیاسی بین نیروهای لبنانی و شکنندگی توافقی ها که بر اساس منافع کوتاه مدت صورت گرفته را نشان می دهد.

وضعیت بد اقتصادی لبنان باعث شد که برخی کشورها به ویژه فرانسه مدت ها است که از انتخابات لبنان می گذرد اما این کشور همچنان از عدم استقرار دولتی قدرتمند و با ثبات در بیروت رنج می برد. مشکل اصلی لبنان دقیقاً مانند مشکل عراق است.

مدت ها است که از زمان ورود گفتمان های فرقه گرایانه و سهمیه بندی مذهبی در عرصه سیاسی و قانونی شدن این سهمیه بندی های اتنیک و مذهبی در ساختار دولت های لبنان از زمان استعمار و عراق از سال ۲۰۰۳ این کشورها استقرار و استقلال ملی و ثبات سیاسی خود را از دست داده اند. در حالی که بیش از چهار ماه از اعلام نتایج انتخابات در لبنان می گذرد هنوز بحث عدم توافق جناح های داخلی برای تقسیم وزارتخانه ها شنیده می شود. تنش ها و تضادهای داخلی لبنان ناشی از نفوذ و دخالت خارجی بخصوص ایران، وضعیت را به گونه ای در آورده که پارلمان را با خلاء تشکیل کابینه دولت و عدم همگرایی و حصول نتیجه نهایی روبرو کرده است. اختلافات داخلی لبنان که تحت تأثیر نزاع های منطقه ای قرار دارد نشان می دهد که سعد الحریری تا کنون نتوانسته به بحران عدم تشکیل کابینه پایان دهد. الحریری طی این مدت سه فهرست جداگانه برای تقسیم وزارتخانه به میشل عون ارائه داده است اما هیچکدام از آنها پس از مشورت های میشل عون با طرف های داخلی به ویژه حزب الله لبنان، مورد قبول واقع نشده است.

آنچه باعث شده لبنان در تشکیل کابینه عاجز بماند، اعمال فشار قدرت های خارجی و دخالت مستقیم و غیرمستقیم آنها در امور این کشور است. این دخالت ها از طریق گروه های داخلی لبنان که با قدرت های منطقه ای و بین المللی در تماس هستند، صورت می گیرد. هر کدام از طیف ها و جناح های سیاسی- اجتماعی لبنانی بر اساس نوع نگاه، مذهب و حتی منافع خود به سمت یک دولت خارجی متمایل هستند و این مشکل چنان بزرگ شده که برخی گروه ها مانند حزب الله که از سوی حکومت ایران حمایت مالی و تسلیحاتی می شود، به مثابه دولتی موازی با دولت قانونی و شرعی لبنان اقدام می کنند. خیلی از تصمیم های این حزب مانند دخالت در جنگ داخلی سوریه خارج از حاکمیت و اراده دولت قانونی لبنان بود.

عملکرد فراقانونی حزب الله باعث شده که لبنان با بحران بزرگ تشکیل کابینه دولت روبرو شود. دولتی که در چارچوب توافق های سال ۲۰۱۶ میان گروه های سیاسی صورت گرفت و به توافق «ریاست جمهوری» شناخته شد. بر اساس این توافق بود که ژنرال میشل عون رئیس جمهوری شد و مقرر گردید که سعد الحریری در دوران ریاست جمهوری وی نخست وزیر بماند.

با توجه به شرایط جدید منطقه ای و تأثیر آن بر لبنان به نظر می رسد که سعد الحریری اکنون مصمم است طی روزهای آینده اعضای دولت جدید را معرفی کند. تشکیل کابینه جدید الحریری و شکل گرفتن دولت آینده لبنان بدون شک نیازی مبرم به بررسی دقیق تغییرات جدید داخلی، منطقه ای و بین المللی این کشور دارد. تغییراتی که پس از توافق «ریاست جمهوری» سال ۲۰۱۶ با هماهنگی نیروهای سیاسی داخلی لبنان، منطقه و نهادهای بین المللی صورت گرفت.

از زمان آغاز دوره ریاست جمهوری ژنرال میشل عون صحنه داخلی لبنان شاهد رویدادهای بسیاری بود که این حوادث و رویدادها نقش مهمی در روند تشکیل کابینه دولت